توانا بود هر که دانا بود

تألیف

دکتر زکی محمد حسن مصری

ترجمهٔ

ابوالقاسم سحاب

اسفند ۱۳۲۸

چاپ دانش

توانا بود هر که دانا بود

تاریخ نقاشی در ایران

تألیف
دکتر زکی محمد حسن مصری

ترجمهٔ
ابوالقاسم سحاب

اسفند ۱۳۲۸

مقدمه مترجم کتاب

بنام خدای بخشاینده مهربان

کتاب (التصویر فی الاسلام عندالفرس) که این بنده نگارنده ابوالقاسم سحاب آنرا بنام (تاریخ نقاشی درایران) ترجمه نموده ام کتابی است نفیس و زیبا و شامل مطالبی مفید و دل پسند در این فن که بخامه شیوا و قلم توانای استاد دانشمند آن **دکتر زکی محمد حسن مصری** امین دارالاثار العربیه مصر (موزه ملی) دراثر تتبع و تحقیق و بررسی و تدقیق در آثار نفیسه کتاب‌های خطی و آثارادبی ایرانی در کتابخانه و موزه های اروپا و مصر آنرا از روی ذوق و قریحه فنی و حسن سلیقه و استعداد هنرپیشگی و تخصصی که داشته تألیف و تدوین نموده و قسمت های جالب‌توجهی را بسلیقه خود پسندیده و انتخاب کرده و در ضمن شواهد و دلائلی از برای اثبات مدعا و ابراز منظور خود طی صفحات کتاب ازآثار فنی و هنری اساتید این فن بمناسبت و موقعیت هر دوره از ادوار جمع آوری و پیوست کرده که موجب مزایا و مرجحات و امتیاز مخصوصی از برای مؤلفه خود گردیده و مندرجات کتاب را با محتویات فنی وهنری وضمائم آثاری منطبق ومنضم نموده وبمورد طبع وانتشار آورده . این استاد هنرپیشه در حقیقت خدمتی بزرك و شایان تقدیر نسبت بمیهن عزیز ما ایران انجام داده واین هدیه نفیس را نه تنها بایران بلکه بجهانیان ارزانی داشته اینك زحمت و همت ومساعی جمیله دکتر دانشمند مورد تقدیر و منظور نظر وزارت فرهنك ایران گردیده وبانظر وتصویب شورای عالی فرهنك بترجمه این کتاب تصمیم اتخاذ نمودند و میخواستند کتاب نامبرده بفارسی ترجمه وطبع شده و مورد مطالعه و استفاده همگانی گردد .

این بنده از آنجاکه در آغاز نشر این نسخه نفیس در سال ۱۳۱۶ خورشیدی

بودم مراتب را بمقام وزارت فرهنگ گزارش داده و تقاضای چاپ ترجمه خود را از آنمقام نمودم ازحسن اتفاق این تقاضا مورد قبول واقع شده و باداره کل نگارش دستور داده شدکه درچاپ نسخه ترجمه موجوده اقدام نمایند .

اکنون این بنده با تجدید نظر درترجمه واصلاحات لازمه در پاره اصطلاحات و واژه های معمولی و دقت نظر درتصحیح و تحسین مطالب با اظهار تشکر ازتقدیر اولیای امور بطبع ونشرترجمه کتاب نامبرده مبادرت واقدام نموده ومراقبت خود را تا حدی که ممکن است نسبت بچاپ وتهیه وتدارك موجبات آن ازهرجهت بکارزده وامید است که زحمات من بنده هم مورد توجه وقبول واقع شودوازاین راه نیز خدمتی بفرهنگ میهن عزیز خود نموده باشم .

در پایان پوشیده نماندکه نگارنده بنوبت خود درآخر کتاب تذییلی نگاشته و برای مزید استفاده خوانندگان قسمتی ازآثار نفیسه وشاهکارهای فنی وهنری اساتید هنر پیشه و نقاشان ایرانی را که جزو مفاخر و ذخایر کتابخانه های مهمه این کشور است باتصاویر و نمونهٔ از آن مآثر گرد آورده و باین کتاب بعنوان پایان پیوست نمود . وبالله التوفیق .

ابو القاسم سحاب اسفند ۱۳۲۸

هو

آقای دکر زکی محمد حسن مؤلف کتاب «التصویر فی‌الاسلام» و امین‌دارالاثار العربیه (موزه) مصر و دکتر در ادبیات از دانشکده پاریس و دارای دیپلم آثار ملل آسیائی و اسلامی از آموزشگاه لوور پاریس و گواهی‌نامه آموزشگاه زبان شرقی در فرانسه و لیسانس ادبیات از دانشگاه مصر و دیپلم مدرسه دانش سرای عالی قاهره و معاون علمی سابق موزه برلن میباشد که کتاب او بوسیله چاپخانه «لجنة التالیف و الترجمة و النشر مصر» در ۱۳۵٤ (۱۹۳٦) چاپ شده و منتشر گردید.

آغاز کتاب بقلم مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

و بعد این کتابی است کوچك ، امیدوارم که من در آن توفیق یافته و نیازمندی کسانی راکه میخواهند درپیدایش هنر نقاشی ایران وتطور وتغییراتی راکه دراین فن پیدا شده بررسی وتحقیق نمایند بقدر امکان رفع نمایم و این هنر که درتمامی دنیای اسلامی بویژه کشور ایران که بیشتر از دیگر ملل مسلمان توجه خاص به پیشه وهنر نقاشی داشته وپیشتر از دیگران گوی سبقت را دراین میدان ربوده بخوانندگان کتاب خاطر نشان سازم .

اما هنر نقاشی که در سواحل نیل جلوه و بروز نموده و ترقی و پیشرفت کرده من برای بیان آن فصولی چند درکتاب (عهدالفن الاسلامی فی مصر) خود ترتیب داده ونگاشته ام ونیز برای ظهوراین هنر بعنوان نقاشی اسلامی درهند کتابی جداگانه ترتیب داده ام که بزودی آنرا درآینده انتشار خواهم داد .

ضمناً من ازاستاد خودم دکترعبدالوهاب عزام تشکرات خالصانه خودرا اظهار میدارم که لطف ومرحمت خودرا درمراجعه باصول این کتاب مبذول داشته همانطور که از اساتید اعضاء لجنه تألیف و ترجمه ونشر بویژه از استاد بزرگوار خودم احمد امین ابراز امتنان مینمایم که توجه خودرا در باره چاپ این کتاب بکار برده .

و باز من صرف نظر نمیکنم ازاینکه خودرا مدیون قدرشناسی وتشویق استاد بزرگ ، دانشمند جاستون وایت میدانم .

زکی محمد حسن

بنام خدا

آغاز کتاب

بقلم خاورشناس بزرك استاد جاستون وایت(۱)
مدیر موزه دارالاثارعربی درمصر

برای این بنده نیازی نیست که من بخوانندگان مصری دکترزکی محمد حسن را معرفی کنم کتاب مهمی راکه او بیش از این راجع بدولت طولونی تألیف نموده در آن کتاب چندان رعایتی ازجهت بیداری همگانی درمصر نشده بودزیراکه کتاب مزبور را بزبان فرانسه نوشته ولیکن دکترزکی را جزاین چاره نبودکه کتاب خود را بآن زبان بنویسد چونکه این کتاب رابرای گرفتن پایه گواهی نامه و دکترای خودازسربون نگاشته و باوجود این کتاب مذکور بخوبی گواهی میدهد که دکتر زکی زمام زبان فرانسه را در دست گرفته وکاملا آنرا مانند زبان مادری خود میداند.

ولی نگارنده خیلی میل دارد دکترزکی کتاب تألیفی خودراکه تاریخی بدیع و ممتاز است مجدداً بزبان عربی نقل و ترجمه نماید تااینکه دانشمندان مصری که از زبان فرانسه اطلاع ندارند درحدود قدرت خود بتوانند از آن بهره مند شده وبفهمند که مؤلف تاچه پایه توانسته موضوع را بپرورانند واشاراتی وافی وشامل درهرمورد بنماید و هم احساسات وطن پرستی او را که در وجود من نفوذی زیاد نموده چاره‌جوئی کند.

دکتر زکی وقتی بمصر بازگشت کرد که تحصیلاتی خیلی مفید و سودمند در فرانسه وآلمان و انگلستان و اسپانیا نموده بود و باو امانت دارالاثارالعربیه (موزه باستانی مصر) واگذار شدکه شایسته این کار و سزاوار تحقیق و جستجو دراین آثار بود واول اندیشه دکتراین بودکه نتیجه تحصیلات خودرا بعدازبازگشت بوطن خویش بروز دهد لذا جزء اول ازکتاب تاریخ فنون اسلامی در مصر را تألیف نمود و موزه

باستانی مصر فوری در صدد طبع و نشراین نسخه نفیس بهزینه خود بر آمده و آنرا بچاپ رسانید و آن نخستین کتاب از نوع خود در زبان عربی است .

دکتر زکی موفق شد ، هموطنـان خود را بتحقیقات و کنکاشی که دانشمندان اروپائی دراین موضوع نموده اند خبردار سازد و از بهره ای که خود از آن برده آنانرا نیز بهره‌ور نماید وحق آن است که نباید دانشمندان عربی زبان از تصانیف و نگارش خاورشناسان و مستشرقین بی‌اطلاع بمانند و اگر برای موافقت بانگارشات آنها نباشد لااقل جهت آگهی از کشف و اظهار اشتباهاتی بوده باشد که برای آنان رخ نموده چنانکه مستشرقین هم نتوانسته اند ازکتابهائی که بعربی نوشته شده چشم پوشی و صرف نظر نمایند .

بدینجهت من که اصولا شخصی باختری و اروپائی هستم ولیکن ارتباطی باشرق پیدا نموده وجستجو و تحقیقاتی زیادکرده ـ ازاین راه که مدیر دارالاثارعربی میباشم با خوشی و نشاطی بهم آمیخته ومخلوط خواهان آنم بخوانندگان مصری معرفی این تألیف جدید را که دکتر زکی نموده تقدیم دارم .

در واقع گراورها و تصاویر نسخه‌های خطی این کتاب از نفیس‌ترین نسخ و زیباترین کتب ادوار فنون اسلامی است که بیشتر ازهمه چیز میتوان از آن بهره مند و کامیاب گردید . دکترزکی حسن دراثر مزایا و محسناتی که ما باو سراغ داریم این موضوع را بانظری دقیق وروشن بما نمایش داده بطوری که برمامعلوم میدارد استاد مذکور این موضوع را بی‌اندازه دوستدار وطالب است و جای‌تردید نیست که ذوق بی‌اندازه و شیفتگی و عشق وعلاقه او باین صور وکثرت تاثر و شگفت او باین کار برای وی راه کنجکاوی و تعمق را سهل و ساده و طریق بحث وکنکاش را جهت او مستقیم و هموار نموده .

خوانندگان خواهند دید که دکتر زکی کتـاب خود را در آغاز بمقدمه لازم تاریخی شروع نموده و در آن مقدمه تاریخ ایران را بنحو اختصار بمورد و نگارش آورده وپس از طرح مقدمه وارد بحث وتحقیق پیدایش و ظهور فن نقاشی اسلامی و ... آ ... گ ... ... اکه این فن در کشور ایران پیدا نموده و مراتبی راکه

قرنها پیموده یا عواملی که در آن تأثیر کرده . در این کتاب شرح و بسط داده . مؤلف موفق شده که هنرستانهای مختلفه را طبقه بندی نموده سپس بیان و تشریح نماید و خصایص ومشخصات هردوره را بموردبیان وتفصیل بگذارد . و نیزاساتید وهنروراني راکه در هنر نقاشي و صورت کشي نبوغ یافته و بحد کمال رسیده اند یا هر یك که دارای این عطیه الهی و مواهب یزدانی بوده معرفی و توصیف نماید بویژه ازسرآمد هنروران وزعیم وپیشوای ایشان استاد بهزاد وبخشایشی که ازفیض خدای آفریدگار باو شده تعریف نموده وقلمفرسائی نماید .

اینك بالاترین آرزوی من این است که خوانندگان مصری در خواندن این مؤلفه جدید همان چیزیرا درك نموده وبدست بیاورندکه من ازخواندن آن استفاده نموده وبهره مندگردیدم .

جاستون وایت ـ قاهره در فوریه ۱۹۳۶

مقدمه ایکه بخامه دکترعبدالوهاب عزام براین کتاب نگاشته شده :

۱ـ از آنجاکه‌اسلام اساساً کشیدن‌صورت‌ذی‌روح را بواسطه خاتمه‌دادن بعمل بت‌پرستی درتمام مظاهر ونمایش آن حرام فرموده وازاینجهت مسلمانان صدر اسلام درصدد کشیدن صورت انسان وحیوان که دارای روح وجانند بر نیامده وبنقاشی آن توجه نداشتند ولی‌موقعی که تمدن آنهاکمال یافت‌وتمایل‌خودرا بجانب نقاشی‌و نوشتن خط وکشیدن‌صورت‌نباتات وجماد آشکار نمودند این هنررا باعلی درجه‌کمال زیبائی و بها رسانیدند .

علاوه براین‌مسلمین بمرور زمان درکشیدن صور موجودات ذی روح وساختن مجسمه یا هیاکل‌سایه دار بخود اجازه داده ـ مخصوصاً در دوره های اخیر قرن هفتم هجری وبعداز آن باین کار اقدامی شگفت نمودند .

در کاخ «عمرا» که بقایای آثاری آن اخیراً در سرزمین شام پیدا شده وگمان میرود که بانی‌آن یکی از امرا وسران اموی بوده صور ونقوش بسیاری از حیوان و نبات دیده میشود .

بنی‌امیه تنها بکشیدن صور نبات وجماد اکتفا نکرده بلکه آثارجمیله وبدیعه ونقش و نگار زیبای‌آن زمان درکاشیها و موزائیك یاسنگهای رنگین‌دیده میشود که دیوارهای جامع بزرگ اموی دمشق بآنان زینت‌شده وهنوز باقی است .

چنانکه گفته اند منصور خلیفه عباسی وقتی‌که بغداد را بنا نمود امرداد بریکی ازگنبدهای آنجا هیکل سواری قرار دادند که بوزش باد حرکت مینمود وازاین‌قبیل آثاردرسامرا واثرهائی دیگر ازخلفاء فاطمیین در مصر کشف شده‌که صور بسیاری از حیوانات درآنان مشاهده‌میشود ونیز درابنیه وآثاراندلس واسپانیا ازاین‌قبیل‌صوری بسیارنمودارو موجود است .

کتب خطی مصور اسلامی زیباترین نمونه ونیکوترین آثار را ازفنون جمیله و صنایع مستظرفه درخط ونقش وتذهیب وتزیین ورنك‌کاری بما نشان میدهد وصفحات آنان فراخترین میدان‌ووسیعترین‌فضا برای‌کشیدن‌صور موجودات روان‌دار بوده‌که روزگاری دراز مسلمین از آن دوری مینمودند .

قرن هفتم هجری مردم عراق (بین النهرین) در نقش ونگار کتب جهت نمایش بعضی از قصص و روایات باافسانه و حکایات حریص ترین مردم بودند و در پیشرفت این هنر کوششی بسزا مینمودند و بهترین نمونه دراین خصوص نسخه مقامات حریری است .

صورتگران بکشیدن صور ونقوش کتاب « نوادر ابوزید سروجی» اقدام نموده و ازجامه و پوشش گوناگون آن زمان ورسوم وعادات مردم آن دوره صورتهائی زیاد کشیدند وهم اکنون درکتابخانه ملی پاریس نسخهٔ ازمقامات حریری وجود داردکه درصفحات آن بالغ بصدتصویر کشیده شده ونقاشی این نسخه درنیمه قرن هفتم هجری انجام گرفته .

درمصروشام هم در آن دوره اهتمامی زیاد بنقاشی کتب شده سپس این فن در ایران جلوه و خود نمائی کرده و نقاشهای ایرانی در حدودی معین نایستاده بلکه از پیامبران وصحابه هم صورتها کشیدند و برای هنر نقاشی درایران دوره هائی متداوله وپیاپی بواسطه تأثیرفن چینی بوده وهنروران بمرور زمان درترقی وپیشرفت این هنر اهتمام نموده اند .

سلاطینی که سلطنت ایشان درکشورایران امتداد ودوام یافته آنها نیزهر کدام بنوبت خود در پیشرفت این هنر رعایت اهتمام را بجا آورده وازآنجمله : ایلخانیان تیموریان وصفویه بوده‌اند وتقریباً بقایای آثار تمام این ازمنه وادوارچگونگی اهتمام مردم را دراین باب نموده وگویای آن بوده ونیز درجه رغبت وتمایل ایشان را بتزیین وآرایش کتب وتصویر صورآن نشان میدهد .

سمرقند و هرات در زمان تیمور و شاهرخ و بایسنقر و سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیرعلیشیر نوائی مجمع نویسندگان بلند پایه وکانون هنر و مرکز هنروران و نقاشان زبردست و سرآمد بوده و این دوره بنام نقاش عالی مقام و استاد مشهور «بهزاد» تمام میشود .

در دوره صفویه فن نقاشی رونق وشکوهی تمام یافته وگلهای رنگارنك وزیبای آن شگفتن گرفت زیرا که شاهان این خانواده ودودمان نسبت باین هنر توجهی بخصوص

نموده‌ودرپیشرفت‌وترویج آن کوشش ومساعی‌زیاد بخرج‌دادند مخصوصاً «شاه‌طهماسب اول» (۹۳۰ـ۹۸۴) و «شاه عباس کبیر» (۹۸۵ ـ ۱۰۳۸) بیشتر از دیگران باین عمل اهتمام داشته و از دارندگان پیشه وهنر تشویق وقدردانی مینمودند .

در زمان شاه عباس عمارات سلطنتی اصفهان و کاخهای بلند پایه آن بآیات و علاماتی‌ازنقوش وتصاویرزینت‌گرفته بودکه من‌نمونه وبقایای‌آنرا درکاخ چهل‌ستون وسایرعمارات و ابنیه وکاخهای باشکوه اصفهان مشاهده نموده ام لیکن دراین دوره وزمان بودکه دربرابرنقاشی ایران نقاشی دیگری خودنمائی نمود وآن‌نمونه نقاشی اروپائی‌بودکه‌بین‌کاراستادان‌ایرانی آشکاراوعیان‌گردیده‌ودر کاخ‌چهل‌ستون‌هم‌اکنون صور ونقش ونگاری‌دیده میشودکه سفرا وایلچیان اروپا درموقع تشرف بحضورشاه عباس‌ونیزمیدان‌جنك‌وهنگامه‌های جنگی‌در آن‌بنانقاشی‌شده‌وگویاکه‌آن‌به‌بینندگان تصاویر ونقوش‌کاخ ورسایل فرانسه را نشان میدهد .

این عصردرخشان ودوره‌طلائی دلفریب‌وروح بخش‌نقاشی‌رادست وقلم توانای رضای‌عباسی نقاشی وهنرنمائی نموده و بعد ازاین استاد برای نقاشی ایرانی تحولات وتغییراتی‌عجیب دست داده‌که متدرجاً آنرا بجانب انحطاط وپستی گرائیده ودچار ضعف و سستی نموده است .

پس‌ازآن‌دربرابرنقاشی‌ایرانی نقاشی‌دوره‌وعصراسلامی‌هند وغیرآن‌قرارگرفته که هرکدام درمورد خود شایسته و درخور تحقیقات و بازرسی کامل خواهند بود .

۲ ـ اروپائیان در باره تحقیق و رسیدگی نقاشی عصراسلامی و ابنیه وعمارات ایندوره توجهی زیاد نموده کتب‌خطی مصور و نقاشی شده وبرخی ازنقوش وتصاویر فردی را گردآورده و آنرا با تاریخ برابری و تطبیق داده اند و برای این رشته از هنر وفن ادوار اسلامی تاریخی مرتب وروشن نگاشته و تنظیم نموده اند ازآنجمله « ارنولد» وهمکار اوکتابی مخصوص راجع‌به فن‌کتاب‌شناسی و تشخیص‌آن نگاشته وآنرا به «کتاب اسلامی» نام نهاده اند .

۳ ـ مسلمین هم در این زمان برای بررسی وتحقیق فنون اسلامی از اروپائیها پیروی و تقلید نموده و باینکار اهتمــام مینمایند از جمله وزارت فرهنك مصر جوان

دانش‌جوئی را برای بررسی بفنون اسلامی برگزیده که شایسته ترین شاگرد فارغ ـ التحصیل از دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی مصر بوده و او را بپاریس فرستاده این جوان مجدداً در آنجا بتحصیل کمال پرداخته تا بدرجه (دکترا) و اجتهاد رسیده سپس رشته تحقیق ومطالعات خودرا در موزه های آلمان و دیگرجا تکمیل نموده و بمصر مراجعت کرده و با موفقیتی که یافته در صدد برآمده زبان عربی را باآنچه که ازکتب فنی اسلامی نیازمند است کمك و دستیاری کند ، این دانش‌جوی جوان همکار محترم ما (دکتر زکی محمد حسن) است .

مشاراليه ابتدا بنام «الفن الاسلامی فی‌مصر) کتابی نوشته که جزء اول آن انتشار یافته سپس این کتاب را که ما تقدیم وپیشکش بخوانندگان خود میکنیم بنام(کتاب۔ التصویر فی‌الاسلام عندالفرس) یا این کتاب نگاشته .

ما بهمت بلند دکترزکی محمدحسن ونبوغ واستعداد کامل او امیدواری‌زیاد داریم وآرزومندیم که مشاراليه مساعی خودرا دربهره مندی خوانندگان عربی زبان هر اوقات که در این موضوع بنوبت خود بحث میکنند مبذول دارد و خدا برای او هردشواری را سهل‌وآسان فرموده و موفقیت ویرا در هرکاری که خواهان آن است فراهم سازد .

عبدالوهاب عزام ـ بغداد ۲۸ شوال ١٣٥٤ ژانویه ۱۹۳٦

مقدمه تاریخی

فلات ایران ازطرف غرب برود دجله وفرات ارتباط یافته وازطرف شرق برود سند محدود میشود وازجنوب بخلیج فارس ودریای عربستان وازشمال بدریای قزوین (بحرخزر)وررود جیحون پیوسته وبااین وصف ایران شامل کشورکنونی آن وافغانستان وبلوچستان وجنوب ترکستان روس خواهد شد .

برای اینکه دوخانواده کیانی و آکمنید - (هخامنشی‌ها) وساسانی بزرگترین خاندان سلطنتی که دراین کشورسلطنت نموده ودرقسمت فارس و جنوب غربی ایران نشوونما داشته‌اند . این نام برتمام ایران غلبه یافته ونزد یونان وروم وعرب و اروپا بنام پرس یا (فارس) معروف گردیده بود (۱)

لفظ (ایران) ازکلمه (آری) جدا شده ایران کشور ایرانیانی است که آنها قسمتی ازنژادآرین میباشند واین نژاد ازمراکز آسیا بجانب میهن نوین خود مهاجرت نموده در آنجا سکنی گرفته اند

درتمدن مللی که اززمان خیلی قدیم درایران سکنی داشته‌اند ابداً هیچگونه محل تردید نیست وهنوز آثارتمدن این ملت دربسیاری ازنقاط نمودار است .

« سراوریل شتاین » و « پروفسور هرتسفلد » قطعاتی از ظروف سفالی ظریف که سازشی محکم واستواردارد یافته وبدست آورده‌اندکه آنان بنقوش ورسومی زیبا ازخطوط واشکال هندسی زینت شده بود وعلمای آثاری درتعیین زمانی که این ظروف در آن ساخته شده اختلاف دارند و شاید بهترین عقیده وآراء ایشان آن باشد که چیزهای نامبرده درهزارسوم یا چهارم پیش ازمیلاد مسیح درست شده .

---

۱ - بموجب اعلامیه دولت شاهنشاهی واژه پرس بایران تبدیل یافته و بتمام کشور های جهان این نام رسمی اخطار واعلام گردید . (مترجم)

کاوش کاران (حفاران) علاوه براین بنوع دیگری ازظروف آگاهی یافته‌اند که بیشتردرحدود نهاوند (۲) بدست آمده برای این ظروف ظرافت و زیبائی نوع سابق وخوبی ساخت آن نبوده و بسیاری ازعلمای فنی باستان شناس آنرا باواخرهزارسوم پیش ازمیلاد نسبت میدهند .

کنگره صنایع ایران در لندن سال ۱۹۳۱ باعث شهرت چیزهائی از ظروف و اسلحه وزینت آلات وغیره برنزی گردید که در لرستان پیدا شده وباستان شناسان در تاریخ آن اختلاف زیاد نموده‌اند ولی باوجود این بیشترازآنها راجع بهزارسال قبل ازمیلاد است .

بااینکه تاریخ ایران قبل‌ازقیام کورس (Cyrus) یکرشته افسانه های بهم‌پیچیده و غامض است معذلك آنچه راکه ما میدانیم این است ، در قرن ششم پیش از میلاد درجانب غربی ایران دودسته ازنژادآرین : میدی‌ها درشمال – پارتها درجنوب جاو مکان داشته‌اند .

اما میدیها پیش از این درزمانی دور و دراز باین مرز وبوم مهاجرت نموده و آمیزش آنان باآشوریان و بابلیها که‌ساکنین‌قسمت‌جزیره‌وعراق‌بودند عاملی بزرك‌وقوی در ترقی و پیشرفت ایشان شده وازاینراه نوشتن آموخته و ازدانش ومدنیت بمقامی بلند وجایگاهی ارجمند رسیدند وطولی نکشید که بواسطه نیرو واهمیت خود فارس را مطیع خویش کرده وآنرا بدادن باج وخراج مجبوروملزم نمودند .

اگرچه دوره سکونت فارسیها درایران وجاگزیدن آنان دراین حدود تازه‌تر ازدیگران بوده ولی‌باوجود این سستی و ضعف ایشان چندان ادامه ودوام پیدا ننمود زیرا کورس نامبرده توانست که بآنها وحدت کلمه داده و بین ایشان طرح یگانگی و اتحاد ریزد سپس اوبا مردم شمال ایران نبرد و کارزار نموده ـ میدی را شکست داد وبرپای تخت آن که اکباتان (همدان) بود مستولی شده آن دوکشوررا یکی گردانید وبدینواسطه توانست که در ۵۵۰ قبل ازمیلاد دولت کیانی را تأسیس نماید .

---

۲ ـ این ظروف مربوط بحفاری است که در تپه ژیان (گیان) توسط گریشمان بعمل آمده وگیان یکی ازآبادی های مهم نهاوند است . (مترجم)

دولت کیان

(۵۵۹ ـ ۳۳۱ ق‌م)

کورس سلطنت خود را ازطرف مشرق تا رود سند امتداد داده بعد ازشکست لیدی ودستگیری (کروسس پادشاه ایشان) آسیای صغیررا بکشور خود ضمیمه نمود پس از آن برکلدانیان غلبه یافت و بابل را فتح نمود (۵۳۹ ق‌م) بعد از آن جانشینان وی هم مانند اورفتار نمودند .

کامبیز پسر کورس در ۵۳۰ قبل ازمیلاد مصر را گرفته و بعد از آن ایران ویونان را بهم‌پیوست سپس بین ایران و یونان زد و خورد های معروف وفتح وشکست های چندی روی داده وحملات ایران بر کشور یونان‌مکرر گردیدوایران برای‌یونان دیگر مستعمراتی باقی نگذاشت (۵۰۰ تا ۴۷۹ ق‌م) .

دولت کیان هموار بر قرار وپایدار بود تا اینکه اسکندر مقدونی پیدا شده بدولت وپادشاهی این دودمان خاتمه داد (۳۳۴ ـ ۳۳۱ ق‌م) .

آرین‌ها در ادوار پیشین تجلیات ومظاهر طبیعت را پرستش مینمودند وبوجود نزاع وکشمکش بین قوای مختلفه طبیعت عقیده داشتند تا اینکه درهزار اول قبل از میلاد «زردشت» پیدا شده ونیروی‌خیررا بخدائی یگانه بنام « اهورامزدا » نسبت‌داد و ازارواح پلید وشریروحدتی قرارداد که‌آن « اهریمن » است ومیگفت‌که این دو قوه پیوسته بایکدیگردرکشمکش ونزاع‌اند آفرینش خوب و با فایده از اهورامزدا وپیدایش بدی‌ها وگزند از اهریمن است ـ انسان بایدکه روح خیر را کمك و یاری کرده ازروح شرپرهیز نماید واز آن‌دوری کند ونیزبایدکه بروزجزا وپاداش بازپسین عقیده‌مند باشد .

زردشت در آموزش مذهبی خود احترام و ستایشی را که آرین ها از آتش نموده‌وآنرا مقدس میشمردند تأیید نمود وآتش را نکته و رمزی ازخوبی وروشنی دانست و افروختن آتش را در کانونها هنگام سوگواری از بزرگترین مظاهر مهمه دیانت خود قرارداد .

اسکندر و جانشینان او

٥٣٣٨ - ٣٣٠

اسکندردولت‌ایران را بهم زده وفتوحات اوراهی‌وسیع‌برای نشرتمدن یونانی در شرق نزدیك وشمال هندوستان باز نمود وبزرگترین چیزی‌راکه او درنظرداشت توحید سلطنت و گماشتن مستشاران دولت بیگانه در شرق و غرب بوده تا اینکه امپراطوری گیتی را تحت قدرت ونفوذ خود درآورده باشد .

اسکندر پس از فتح ایران دختر دارای سوم را ازدواج نمود ، سرداران اوهم از وی پیروی کرده بسیاری ازایشان با بانوان ایرانی زناشوئی نمودند لیکن چیزی نگذشت که اجل دست بگریبان او شده و بعد از وی کشور پهناورش ببخشهائی تقسیم‌گردید که امور آنرا سرداران اسکندر اداره مینمودند و یکی از ایشان که سلوکوس نام (Seleucus) داشت‌چیزی‌که قابل ذکرباشد نرسید ولی طولی‌نکشید‌که بین جانشینان اسکندر نزاع درگرفت وسلوکوس بخش‌خودرابانتیوکوس پیوسته از اینراه بر بابل استیلا یافت .

بعد ازآن انتیوکوس خواست‌که تنها وارث اسکندر شود ولیکن سلوکوس بر او غالب شده و سلطنت خودرا بربیشتر قسمت آسیا که از خانواده مقدونی باقی مانده بود امتداد داد وتمدن یونان در دورهٔ حکومت او و جانشینانش درتمام قلمرو خاور میانه وشرق نزدیك منتشر گردید .

پارتها (Les Parthes)

(٢٥٠ ق‌م ٢٢٦ م)

درنیمه قرن سوم قبل از میلاد دستهٔ از آرین‌ها درخراسان سکنی داشتند‌که به پارت‌یا پارتیامعروف بودند وآنها ازمراکز آسیا بآنجا روی‌آورده وجایگاه گزیدند پادشاه ایشان ارشاکس Arsakes یا ارشاك توانست‌که کشور خود را استقلال دهد .

پارتها همواره باجانشینان سلوکوس درنزاع بوده تااینکه قسمت غربی ایران وحدود شرقی بلادجزیره را از آنها انتزاع نمودندسپس با رم داخل جنك ونبردشده ارمنستان وقسمت غربی بلاد جزیره را گرفتند ودر دوره مهردادکبیر(۱۷٤-۱۳٦) امپراطوری پارتها بدورترین مرزوحدودخودرسیدهوبااینکه آنچه تصورمیرودپارتها ایرانی بوده اند معذلك تمدن ایرانی درتمام دورهٔ ایشان جز درطبقات توده ملت کار فرما نبوده وبین درباریها و بزرگان و رجال دولت تمدن یونان چیرگی داشته وانتساب پارتها بکیانیان و الحاق این انتساب آنان دارای اثری زیاد نبوده وآنها را برنك تمدن قوی و مهم یونان که اسکندر وجانشینان آن بایران آورده بودند رنگین بود .

ساسانیان (Les Sassanides)
(۲۲٦ - ٦٤۱)

ساسانیان منتسب بساسان اندکه مردی پیشگو بوده و او را ازکاهنان استخر تصور نموده اند واین خاندان علاوه براین نسب خودرا بکیانیان میرسانند .

(در اوایل قرن سوم قبل از میلاد) در ایران چندین خانواده های کوچك حکومت مینمودند که آنها در برابر پارتها تسلیم بوده و اظهار فروتنی مینمودند . عرب این دوره را بدوره ملوك الطوایفی (فئودالیته) نام نهاده است .

سرسلسله این خانواده های کوچك « بابك » نامی بود که در حدود فارس حکومت داشته سپس پیشرفت کرده ودست اندازی بکشور همسایگان خود نمود و نواده او(اردشیر) توانست که اردوان اشکانی آخرین پادشاه اشکانیان در ایران را شکست داده و بزور و نیرو تخت و تاج اورا گرفته و سلطنت خانواده ساسانیان را تشکیل دهد وآنهاوارث چیزهائی شوند که ازپارتها بارث ویادگار مانده بود وآن نزاع وکشمکش بین ایران و روم و بیزانطین بوده .

اردشیر باروم درباره ارمنستان داخل جنگ شده وهمیشه این جنك وجدال بین دودولت امپراطوری بزرك ایران وروم تا دوره انقراض دولت ساسانیان بر قرار بود و گاهگاه فترت هائی کم وکوتاه دراین میانه رخ می نمود .

پوشیده نیست که بزرگی وشوکت ایران باستان دردوره ساسانیان تجدید شده وکشورایران راهی راکه آنزمان درتمدن جدید وعظمت خود پیمود تنها دردوره این خانواده بوده وشاهان این دودمان قهرمانانی بودندکه از ایران و تمدن آن در برابر روم ویونان در مغرب زمین دفاع مینمودند وبرضد قبایل هیاطله (مغول ـ ترك ها) درشرق بودند.

مابین شاهان ساسانی ازهمه مشهورتر(شاپوراول) است که باسوریه وشام جنك نموده وبا رومیها ۲٦۰ بارنبردکرد ونیروی رومرا شکستی سخت داد شاپوروالرین امپراطور روم را اسیر نموده بایران آورد و ایرانیان یادگار این حادثه شگفت را با خطوطی برجسته وخوانا روی تخته سنگها برای یادگاری همیشگی و دوام رسم نموده اند.

هم ازایشان « بهرام پنجم » است که بدستیاری « نعمان » پادشـاه حیره بتخت ایران قدم نهاده ودرصید وشکاراورا مهارتی زیادبود واورا بهرام گورلقب داده اند(لفظ گورفارسی ومعنی آن خروحشی است)بزرگترین سعی وکوشش بهرام گورجلوگیری ازقبایلی بودکه بحدود شمال وشرق دولت امپراطوری وی حمله آورده وکشور اورا درآنحدود دچار تهاجم مینمودند.

در ۵۳۱ «انوشیروان عادل» که درستایش ونیایش اوشعرای عرب شعرهاسروده اند به تخت شاهی ایران نشسته : قوانین کشوری را اصلاح ـ مالیات را منظم ـ امنیت رابرقرار نمود ولشکروی درحدود شرق وغرب فاتح شده سوریه را مطیع وفرمانبردار نمودند و اودایره سلطنت خودرا تاکشور یمن وسعت داد.

پرویز دوم سوریه را تا شام ومصروآسیای صغیرمطیع نموده و نیز توانست که تقریباً برقسطنطنیه استیلا یابد ولی هرقل امپراطور روم بجلوگیری آن قیام نموده و نیروی ایران دربلاد جزیره شکستی بزرك خورد، در نتیجه آنچه راکه پرویز گرفته بود مسترد گردانید.

از آنجاکه امپراطوری ساسانیان مولود نهضتی میهنی وکشوری و مذهبی بود در دورهٔ سلطنت این خانواده حکومتی ملی و ایرانی در این کشور برقرار گردید و در آن دوره دیانت مقامی اعلی پیدا نمود سلاطین این خاندان توانستند آئین و

ونظامات اداری را که داریوش دردورهٔ کیانیان ترتیب داده بود دوباره بکار برده و اجرا نمایند و اهمیت و احترامات حکومت مرکزی را در نفوس حکام وفرمانروایان اقالیم وشهرها جای داده و انتشار دهند ودین زردشت با پایه استوار باین جنبش پاك ونهضت مقدس ارتباط یافته ومذهب رسمی دولت گردیده ضمناً نفوذ رجال مذهبی زیاد شد و این کثرت نفوذ تقریباً اسباب خطر انتظامات کشور گردید لذا شاهان ساسانی در قرن چهارم میلادی درصدد بر آمدند که این قوه را جلوگیری کنند ولی بعضی ازایشان فدای راه این مساعی شده وجان خودرا درسر اینکار دادند اردشیر ثانی (۳۷٦-۳۸۳) نیز ازسلطنت خلع گردید .

شاپورسوم (۳۸۳-۳۸۸) ویزدگرد اول (۳۹۹-٤۲۰) وهرمزاول (۲۷۲-۲۷۳) مذهب مانی راکه مذهبی بهم آمیخته ومخلوط از دیانت زردشت و مسیحی بود قبول نمود واساس آن مذهب این بودکه دنیا ازدواصل : نور وظلمت پیدا شده بدین تفصیل که از نور هر چیز خوب بوجود آمده و از ظلمت هر امرشری پدیدگردیده ولیکن آمیزش خیر و شر در این دنیا شری است که بایستی هر کس از آن رهائی جسته و رستگاری پیدا کند .

مانویت مردم را بزهد و بی میلی بدنیا خوانده ازدواج وزن گرفتن را شتاب زدگی بجانب فنا میدانست لذا آنرا حرام گردانید، مانویها به پیامبری عیسی وزردشت اعتراف نموده ، عقیده داشتند باینکه مانی پیغمبری است که عیسی بآمدن او مژده داده ولیکن تعلیمات مانویها در ایران پیشرفتی زیاد ننمود و آنان موفقیتی تمام در کیش وآئین خود نیافتند وقتی که هرمز وفات یافت بهرام اول جانشین اوشد (۲۷۳-۲۷٦) مانی نیز کشته شده پیروان او نیزازهم پاشیده و پراکنده گردیدند .

آخرین تن که ازشاهان ایران بکیش زردشت درآمد قباد اول (٤۸۸- ۵۳۱) بودکه او آئین مزدك را پیروی نمودواو مردی ثنوی مذهب بوده وبوجود خیروشر اعتقاد داشت لیکن مزدك دراثر تعلیمات اشتراکی واباحه اموال وزنان ازکیش زردشت جدا شده بود وقباد برای کم کردن نفوذ اشراف ورجال مذهبی وموبدها وبرای ازبین بردن قدرت ونفوذ ایشان خودرا باین عقیده نسبت داد ولی باوجود این مغلوب شده

واورا ازتخت وتاج برکنار نمودند . قباد پس از چندی ازروش وطریقه مزدك دست کشیده و دیگربار بر اورنك شاهی برقرارگردید .

تعجب در این است با وجود اینکه در رأس دولت ساسانی خانوادهٔ ای قرار گرفته بودند که مورد تقدیس و تکریم ملت بود و مردم آنان را مانند خدایـان پرستش مینمودند و ازپرتووجود ایشان طبقه اشراف بنفوذ و قدرتی تمام بهره ور و متنعم شده بودند وآنها برسراسر کشور تسلط داشته و مأمورین شایسته کشوری و سرداران بزرك لشگری تربیت نموده و بیرون میدادند رجال مذهبی هم به تبلیغات و تعلیمات زردشت وترویج آن مواظبت داشته آئین وکیش زردشت را نگهبان وحافظ بودند ودرنظرایشان چیزی جز دفع و رفع موانع عموم نهضت اصلاحی نبود معذلك مقدمات ووسائل زوال وانقراض ایندولت فراهم آمد .

ازجمله موجبات زوال دولت ساسانیان نزاعی بودکه چند قرن بین ایران وروم ادامه داشته ونتیجه آن ضعیف شدن دولت ساسانی درموقع پیدایش وظهوردین مبین اسلام وشروع دعوت اسلامی گردید ، سستی وضعف دولت ساسانیان نیروی ایرانرا از ایستادگی وپافشاری دربرابر نیروی اسلام بازداشته و طوری شد هنگامی که مسلمین شروع بفتوحات مهمه نمودند پی درپی آنهاضعف وناپایداری خودراآشکارکرده وشکست هاخوردند وطولی نکشیدکه نفوذ مسلمین برتمام کشورایران امتدادیافت ورشته دولت با عظمت ساسانی بکلی از هم گسیخته ومنقرض گردید .

فتوحات اسلامی

قوه ایمانی مسلمین و تعصب اسلامی و رغبت آنها دربسط ونشراین دیانت و اعتقاد ایشان بقضاء وقدرومعرفت آنان ازنعمت و راحت وزیادی ثروت ایران و مصر وشام خلاصه موجبات مذکوروغیرآن بزرگترین عامل پیشرفت وبهترین مشوق مسلمین درفتوحات مهمه ووسیع آن حدود شده چنانکه ضعف ملل عظیمه هم آنهارا در آنوقت برای پیشرفت کار کمك مینمود .

ایران درشرق وروم درشمال ـ کشورایران بدست اعراب سقوط نموده واساساً جزومتصرفات وپیرو اوامر خلفا گردید ، خلفا برای امور کشوری آن از طرف خود ولات وحکامی روانه مینمودند واین ترتیب تااوایل قرن سوم (نهم میلادی) برقرار بود .

سیاست بنی امیه وکارهای برجسته ایشان بالا بردن شأن عرب ومقام دولت اسلامی بوده ودر دوره آنها دولت اسلام ازتمام جهات صبغه و رنك عربی بخود گرفت و ایران درزمان بنی امیه دورمهمی بازی ننموده وکاری ازپیش نبرد .

پس از آن بنی عباس آمده ودردورهٔ ایشان متدرجاً سلطنت بدست ایرانیان افتاد و و از میان آنها خانواده های جدیدی قیام نمودندولی طولی نکشید که عصرطلائی دولت بنی عباس اعلان انقراض وافول خود را داده و آثار تجزیه در ارکان و عناصر دولت اسلامی روی نمود ـ حکام هرجاطمع باستقلال خود برده ودم ازخودسری زدند وقدیمتر از همه آنها طاهریان واولاد صفاربودند که برای خود حکومتی نیمه مستقل تشکیل دادند

دو دولت
طاهریان ۲۰۵ ـ ۲۵۹ هجری (۸۲۰م ـ ۸۷۲م)
صفاریان ۲۵٤ ـ ۲۹۰ « (۸٦۷م ـ ۹۰۳م)

طاهریان منسوب بطاهر بن حسین مشهور بذو الیمینین اند که یکی از سرداران بزرك مأمون بوده واورا برای ایالت خراسان برگزیده بود، حکومت دردودمان طاهر زیاده ازپنجاه سال دوام یافت تا پسران صفاربکارایشان خاتمه دادند ونخستین کار آنها این بود که سرسلسله ایشان یعقوب بن لیث صفار که کاراو روی گری بود عهده دار حکومت سیستان شده وسلطنت او درهرات وفارس امتداد یافت سپس طاهریان را شکست داده ، برخراسان نیز مسلط گردید وخواست تابغداد را بگیرد ـ موفق برادر خلیفه اورا منهزم نموده و یعقوب در۲٦۵ وفات یافت ـ پس از یعقوب برادرش عمرو لیث جانشین او شد . ولیکن طولی نکشید که ساسانیان دولت صفاری را بهمزده و منقرض نمودند .

دولت سامانی

(۲۶۱-۳۸۹-(۸۷۴-۹۹۹)

سامان مردی ایرانی وازاشراف وبزرگان بلخ بودکه درزمان دولت بنی‌عباس قبول اسلام نموده و چهار نفر از نوادگان اودر خدمت مأمون پیدا شده اظهار لیاقت کردند ۰ خلیفه آنها را والی ماوراءالنهر فرمود و بهرکدام حکومتی را واگذار کرد ۰

یکی ازایشان حاکم فراغنه وسمرقند وکاشغرشده ، پسرش توانست که بعد از اواز حدود هند تانزدیکی بغداد را تحت قلمرو خوددرآورد وقدرت خودرا درآنجا بسط وتوسعه دهد .

بخارا دردوره حکومت این خانواده بعلمای بزرك و اساتید متتبع و هوشمند اشتهارزیادیافته وسامانیان برای زنده نمودن ادبیات ایرانی وترویج آداب ورسوم آن بذل مساعی نمودند .

آنها نسب خود را بپهلوان ایرانی « بهرام چوبینه» پیوسته و در زمان ایشان جنبش ملی برای پیشرفت زبان فارسی شروع شد :

رودکی رکن شعرای اولیه ایران درآنزمان ظهوریافت ـ دقیقی نیز برای امیرنوح پسر نصر سامانی منظومهٔ مفصلی ساخته که درآن گزارش وحوادث ایران رادرزمان یکی ازپادشاهان بطور افسانه حکایت مینمود .

فردوسی این منظومه را درشاهنامه خود داخل نموده واین شاعر بزرك باافتخار زندگانی ادبی خودرا درخدمت شاهان سامانی شروع نمود .

پسران بویه

(۳۲۰-۴۴۸-(۹۳۲-۱۰۵۶)

موقعی که سامانیان درخاور ایران حکومت داشتند درقسمت باختراین کشور

پسران بویه پیدا شدند که مدعی بودند آنها ازنسل و خانواده ساسانیانند .

بویه رئیس قبیله بزرگی بود که درحدود بحرخزرسکنی‌داشته و تابع سامانیان بودند .

علی پسر بویه ابتدا برای مرداویج که ازآل زیار بود خراج گذ رشده وطولی نکشید، که او ازدیلم سپاهی بدور خود جمع نمود ونفوذ خویش‌را بکمك ودستیاری برادران خویش درجنوب ایران برقرار داشت و طوری شد که خلیفه ناچارگردید ، در ولایاتیکه آنها گرفته بودند حکومت ایشان را تصدیق واعتراف نماید و بدین ترتیب سلطنت آل‌بویه درجنوب ایران برقرارشد سپس نفوذ ایشان توسعه پیدا نموده تا بغداد امتداد یافت ودر۳۲٤(۹٤۷) آنها داخل بغداد شدند ، خلیفه بیکی ازایشان لقب امیرالامرائی داده و برای آل بویه درامورددولت و در بارخلافت جایگاه و مقامی عالی فراهم آمد

مشهورتر ازهمگی آل‌بویه «عضدالدوله» است (۳۳۸ ر ۳۷۲) که دائره تجارت را توسعه داده و بپاسداری و توجه علوم و فنون معروف گردیده و دانش و هنر را تعمیم نمود .

دولت غزنویها

(۳۵۱-۵۸۲)-۹٦۲ ۱۱۸٦

در این بین ترکها در امپراطوری بزرك اسلامی دست بکارزده و دور مهمی را بازی‌نمودند نفوذ ترکها از زمانی شروع شد که خلفای بنی عباس و سلاطین خاندان ایرانی غلامان ترك را در دربار خود بخدمت گماشته و از ایشان سپاهیان مزدور و جیره خوار گرفتند ونیز سقوط دولت سامانی در اواخر قرن چهارم هجری اجازه داد که سیادت وفرمانروائی کشور ایران ازایرانیان بترکهای آسیای مرکزی انتقال یابد و ایران تا قرن دهم حکومت خود را از ترکها یا مغول قرار دهد ولی با وجود این عناصر ترك بین‌ایرانیان مستهلك شده رنك ایرانی بخودگرفت بطوریکه آنها خود را بصبغهٔ ایرانی جلوه میدادند تابجائی که میتوان گفت خانواده‌هائیکه پی‌درپی برتخت

سلطنت ایران قرار گرفته‌اند (ازقرن دهم تا قرن بیستم) حکومت ملی ایرانی بوده و آنها را بهمین واسطه‌جزء دول ایرانی بشمار آورده‌اند و با این‌وصف اعم اینکه اصل ایشان ازترك یا ایرانی بوده باشد آنها بسلاطین ایران اشتهار یافته اند .

اولین‌دولت ترك که درایران حکومت نموده غزنویانند وعلت پیدایش‌حکومت آنها این بود که غلامی ترك موسوم بالبتکین در خدمت عبدالملك سامانی ترقی و پیشرفت نموده وبعد از وفات او بکوههای افغانستان پناه برده از سلطنت سامانیان سرپیچید و طولی نکشید که غزنویها حکومت کوچکی در غزنین افغانستان تشکیل دادند ولیکن‌مؤسس‌حقیقی‌خانواده غزنوی‌داماد وی سبکتکین‌است که خلیفه‌حکومت اورا تصدیق نمود و او بعنوان جهاد به پنجاب رفته بنای جهادگذارد ، پسرش محمود بعد از او فرصت‌یافته‌دولت سامانی‌را منحل نمود و خراسان‌را ضمیمه متصرفات خود کرده ، عراق عجم و گرگان را نیز ازآل بویه انتزاع نمود و سپاهیان او در پنجاب پیشرفتی زیاد کردند ودین اسلام را بهند بردو کشوراو ازطرفی‌تا حدود لاهور کشیده شده وازجهت دیگرازسمرقند تا اصفهان را نیز بتصرف خود در آورد .

سلطان محمود اگرچه سنی متعصب بوده و جماعت معتزله را اذیت و آزار مینمود ومؤلفات علمای معتزله را میسوزانید ولی باوجود این دولت ایران در دوره سلطنت او باوج عزت رسیده و در باروی همواره جایگاه شعرای فارسی زبان بود . « فردوسی » کتاب‌شاهنامه بزرگترین تاریخ افسانه ایران‌را برای سلطان محمودبرشته نظم درآورده وتقدیم او نمود .

سلاجقه

(۴۲۹ _ ۷۰۰هـ) _ (۱۰۳۷ _ ۱۳۰۰)

گفته شد که دولت خلفای عباسی از آغاز قرن دهم میلادی چگونه رو بضعف نهاده و طوری بود که نفوذ ایشان از حدود عراق تجاوز نمینمود و چگونه غلامان جیره‌خوار ترك درخدمت خلفا فزونی یافته وبتدریج قدرت سیاسی را ازآنها گرفته و نفوذ ملی ترکها درتمام حدود ونواحی سلطنت امپراطوری اسلامی زیاد گردید .

سلاجقه که باین اسم شناخته شده‌اند نسب ایشان بسلجوق میرسد که زعیم و

قائداین طایفه ورئیس قبیله ترکمان حدود ماوراءالنهر بوده واوتوانسته‌که نفوذ خود را برخراسان برقرار دارد و بعد از وی قوه سلاجقه زیاد گردیدتا اینکه طغرل بیك نواده سلجوق بر ولایات غزنویان استیلا یافته سپس بجـانب بغداد شتافت و در ٤٤٧ (۱۰۵۵م) ببغدادورود نموده وبحکومت شیعی آل بویه خاتمه داد .

خلیفه وقت هم رشته امور سیاسی وکشور داری رابعهده او واگذاشته وبدین طریق سلاجقه نفوذ خود را زیاد نموده دارای حکومت ایران و عراق و آسیای صغیر وشام گردیدند .

در دورهٔ سلطنت الب ارسلان‌که جانشین طغرل بیك بود سلاجقه درملاذگرد بدولت بیزانطین شکستی سخت‌داده (٤٦٤)ـ(۱۰۷۱) ارمنستان را بتصرف خود در آوردند وجلوایشان برای حمله بردن بآسیای صغیر وتهدید قسطنطنیه بازگردید .

دولت سلاجقه در زمان ملکشاه و وزیر او نظام‌الملك‌که آندو اهتمامی زیاد برعیت پروری و دادگستری و احترام و مهربانی بعلما و شعرا داشتند باوج عزت و کمال رسید ودردوره این شاه ووزیرمدارس ودانشگاهها و مؤسسات دانشی متعددی پیدا شده و نظام‌الملك از اینگونه بنگاهها درچندین جا بنا وتأسیس نمود .

وقتی‌که ملکشاه وفات یافت (٤٨٥ـ۱۰۹۲) دولت او ضعیف شده و متصرفات وی مابین پسران وخویشان اوکه مشاغل حکومتی داشته وعنوان اتابیکان بر ایشان اطلاق میشد تقسیم گردید .

با این وصف جای تردید نیست تمام مدتی راکه سلاجقه ازآغاز دخول‌ایشان ببغداد تا زمان‌وفات سلطان سنجر(۵۵۲ هـ ـ (۱۰۵۷ م) درایران حکومت نموده‌اند ازخجسته ترین زمانها وبرجسته ترین دوره وعصرترقی فنون و هنرایرانی بوده و از اشخاص نامی وبرگزیده دورهٔ سلاجقه :

امام محمد غزالی ـ حکیم عمرخیام ـ دونفرحکیم مشهور وفیلسوف دانشمندان معروف میباشند .

دولت خوارزمشاهیان

(٦١٧-٤٧٠) - ١٠٧٧-١٢٢٠)

در آغاز کار این خانواده - انوشتکین که ازطرف ملکشاه سلجوقی عامل خوارزم بود وفات نمود و پسرش جانشین او گردید او خواست که با سلاجقه بمخالفت قیام کند .

سلطان سنجر اورا از خوارزم رانده ومتواری نمود ولیکن دیگر بارکه بایران بازگشت کرد اووجانشینان وی نفوذ خودرا درایران فرونی داده سپس بمذهب شیعه در آمد و آنان قصد داشتند که بخلافت بنی عباس خاتمه دهند ولی چنگیزخان با سپاهیان مغول مزاحم احوال ایشان شده نگذاشتند که حکومت خودرا ادامه بدهند .

در دوره حکومت این خانواده نیز بسیاری از ادبای فارسی زبان و شعرای ایرانی مانند نظامی وشیخ عطار ودیگران بظهور رسیدند .

مغول‌ها

(٦٥٦ - ٧٣٦ ھ (١٢٥٨ - ١٣٣٦ م)

دستهٔ ازمغول بامر وفرمان چنگیزخان قسمت ماوراء النهر و بلاد شرقی ایران را در٦١٨ هجری (١٢٢١م) بتصرف خوددرآورده ومغولهابه‌هر نقطهٔ‌از نقاط که میرسیدند آنجارا خراب وویران‌مینمودند وفتنه مغول بزرگترین بلای‌ناگهانی است که درتاریخ ایران بروز نموده واین کشوررا کاملا بجانب خرابی وویرانی کشانید .

ما بین مغول کسی که قدم ایشان را درکشور ایران استوار نمود هلاکو خان بوده که درنیمه قرن ٧هجری (١٣میلادی) ازطرف برادر بزرگتر خود در این کشور حکمرانی مینمود و در٦٥٦ ببغداد استیلا یافته مستعصم خلیفه عباسی را بقتل رسانید و دراین کشور پهناور تشکیل خانواده‌ای داد که‌تا سال ٧٣٦ حکومت مینمودند و آن خانواده ایلخانی ومغول است .

اصطکاك مغول باافراد ملت ایرانی سبب تهذیب اخلاق ایشان شده ووضع اداری وآمیزش آنها بعدازهلاکوخان دارای یك سلسله متانت ورشد وپیشرفت گردید وطولی نکشید که مغول دین اسلام را قبول نموده و زیاد حریص بودند که خودرا بعموزاده های خود مغولهای بودائی چین اتصال و ارتباط دهند و بدین جهت دوره حکومت این خانواده درایران نسبت بفنون وهنروزندگانی اجتماعی وتربیتی ازدیگر دوره ها امتیاز یافته .

موفقیت وپیشرفت اصول ملوك الطوایفی درایران موجب انقراض دولت جانشینان هلاکو شد و دولت مغول پس از پنجاه سال حکومت و فرمانروائی سقوط نموده و بدولتهای کوچك محلی چندی تقسیم گردید مانند :

دولت آل مظفر درفارس وکرمان (۷۱۳ـ۷۹۵)ـ(۱۳۱۳ـ۱۳۹۳) ودولت کرت درهرات ودولت جلایردرعراق وغیره ازدولی است که تا ظهورتیمورلنك دوام نموده و فتوحات امیرتیمور درآخر قرن هشتم هجری (۱٤ میلادی) بتمامی آنان خاتمه داد .

تیمور لنك و جانشینان او

۷۷۱ـ۹۰۶(۱۳۶۹ـ۱۵۰۰)

تیمورلنك در بلاد ماوراءالنهرسال(۷۳۶ـ۱۳۳۵)متولدشده واوازخانواده اصیل ترك وازبزرك زادگان ترکستان است .

تیمورموقعی که نفوذ خودرا درمیهن خویش برقرارو پایدارنمود از آنجا بجانب ایران حرکت کرده حکامی راکه دراین کشور بطرز ملوك الطوایفی حکومت مینمودند بهم زده وهمه را تحت یك سلطنت درآورد سپس بجانب روسیه رهسپارشده تامسکو پیشرفت نمود پس ازآن بهند حمله کرده وفتوحات خودرا درآنجا ادامه داد تا اینکه دهلی را در۸۰۱ هجری (۱۳۹۸) بتصرف خود درآورد وطولی نکشید که در حدود آنقره (آنکارا) هم بایزید سلطان عثمانی شکستی فاحش داد (۸۰٤هجری ـ۱٤۰۲)

تیمورلنك درفتوحات خود خرابی‌ها زده و در بیرحمی و وحشیگری خودرا بمنتهی درجه رسانیده بود ولیکن اگر که شیراز ودهلی ودمشق وبغدادرا خراب نمود

این عمل او برای آن بود که بپایتخت خود جلوه و شکوه و عظمت وجلال داده باشد چنانکه امروزه مقبره و آرامگاه او که یکی ازعجایب فنی معماری دوره اسلامی است درسمرقند برپا است ومورد توجه عموم مردم دنیا میباشد .

بعد از وفات تیمور در ٨٠٧-١٤٠٥ بین ورثه اونزاع درگرفته و در آخر کار چهارمین پسر او (شاهرخ) توانست که خویشان ونزدیکان خود را وادار کنند تاحکومت ویرا تصدیق نمایند واو بدین طریق بتخت ایران برقرار گردید سپس بلاد ماوراء النهر را نیز بتصرف خود درآورده ، هرات را پای تخت خویش قرار داد و عده زیادی از شعرا وهنروران را بهرات کشانیده ادب وهنردردوره اووجانشینانش رونق وشکوهی تمام یافت .

دولت صفویه

(١٧٣٦ ١٥٠٢(-١١٤٨-٩٠٧)

سلاطین صفویه به « شیخ صفی الدین »منسوب اند که یکی ازاولیاء و مرشدان اردبیل بوده وشاه اسمعیل نواده او بعدها دارای قدرت و نیروشده خانواده ترکمان راکه درمغرب ایران حکومت داشتند «آق قوینلو وقراقوینلو» شکست داده ومنقرض گردانید ودرسال (٩٠٧ (١٥٠٢) خانواده ایرا تأسیس نمود که از آن تاریخ تا١١٤٨ هجری (١٧٣٦ م) درایران حکومت وسلطنت داشتند .

نسب صفویه بحضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پیوسته ومذهب شیعی درزمان سلطنت ودوره حکومت این خانواده مذهب رسمی کشور پهناور ایران گردید .

عثمانیان که پهلوانان ترك نژاد بوده و پیروی از مذهب تسنن مینمودند نمی گذاشتند که کلمهٔ آنان یکی شده و نفوذشان زیاد گردد لذا از آن ببعد اختلاف و کشمکشی طولانی وشدید بین این دو فرقه پدیدار گردید .

سلطان سلیم در ٩٢٠ (١٥١٤) بانیروی زیاد خود بجانب تبریز پایتخت شاه اسمعیل آمده سپاه ایرانرا شکستی سخت داد ودراثر آن قوای عثمانی بقسمت غربی دولت امپراطوری صفویه مسلط گردیدند - بدتر ازهمه آنکه قبایل ترکمان نیزهمواره

در سمت شرقی ایران بجنگ وجدال و دست اندازی بآنحدود مشغول بودند شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ هجری) دردوره سلطنت خود همواره با ایندو خطر بزرگ مواجه بود.

عصر طلائی خاندان صفویه دوره سلطنت (شاه عباس کبیر) است (۹۹۵-۱۰۳۸ ه) زمانی که شاه عباس بتخت سلطنت نشست ایران ازهرطرف دچار مخاطرات شده بود چنانکه ترکمانان و ازبك حدود شرقی شمالی را تهدید نموده و ترکها بآذربایجان استیلا یافته بودند شاه عباس توانست که دوباره کشور از دست رفته را بخود برگرداند لذا فتوحات خویش را ادامه داد و ترکها را هم از بغداد رانده آنجا را تصرف نمود (۱۰۳۲-۱۶۲۳) سپس بواسطه ایجاد روابط حسنه بین خود و دول اروپا ترکها را دچار مضیقه گردانیده ، در اثر این ارتباط نظاماتی جدید در امور کشوری و لشکری برقرار نمود.

ازمهمترین حوادث سلطنت شاه عباس انتقال پایتخت او باصفهان بود که دراثر آن شهر مزبور را زیب و شکوه داده ابنیه عالی و مساجد و معابد و کاخهای دلگشا درآنجا بنانمود وراه آمدوشد را بجانب این شهر زیبا از هرطرف وهرجا بازگردانیده اروپائیان از دول و ملل مختلفه باصفهان آمدند عظمت و جلال پایتخت و کشور شاهنشاهی را دیده وگزارش آنرا بمورد نگارش آوردندوازآن شرح ووصف نمودند

جانشینان شاه عباس بااینکه روش خودسری راگزیده وبخوشی و نشاط سرگرم گردیدند معذلك سیاست شاه را پیروی نمودند آنها گرچه نتوانستند ازبغداد نگهداری کنند ودولت عثمانی آنرا بخود برگردانید : ولی شهرهای دیگر این کشور را نگاهداری نمودند وازشاه عباس درطرفداری ازارباب هنر وتشویق کارگران وترویج پیشه وهنر تقلید نموده ودرطرح روابط حسنه بادول اروپا اهتمام زیاد بخرج دادند.

دراواخر عوامل ضعف بدولت صفویه راه یافته وموجبات انقراض درآن رخنه نمود تا اینکه افاغنه دردوره سلطنت شاه سلطان حسین بمرز ایران تاخت وتاز آوردند (۱۱۰۵-۱۱۳۵)

افاغنه درآنوقت تابع ایران بودند شکست سپاهیان شاه سلطان حسین ازایشان (۱۱۳۵-۱۷۲۲) واستیلاء آنها براصفهان سقوط دولت صفویه و انقراض آنرا اعلام

نمود - اگرچه بعضی ازافراد این‌خانواده در مازندران وقزوین وغیر آن تا چند سال دیگرحکومت مینمودند معذلك دیگر دولت ایشان نضج و دوامی نیافته و مضمحل گردیدند .

نادرشاه

جنك افاغنه با ایران ومداخله آنان پیوسته ببروز وظهور یکنوع هرج و مرج وخودسری دراین کشور گردیده در اثر آن یگانه‌سردارتوانا وقائد نیرومند افشارنادرقلی (نادرشاه) عزم خودرا برطرد و فع افاغنه واخراج آنان واستقرار تخت وتاج صفویه آشکارساخته ولیکن طولی نکشید که او آخرین شاه صفوی را از سلطنت انداخته و و تخت و تاج اورا بتصرف خود درآورد (۱۱٤۸-۱۷۳٦) سپس شخصاً در رأس سپاه خویش قرارگرفته افغانها را مطیع وفرمانبردار نمود پس از آن بهند لشکر کشیده تا دهلی رفت وبآنجا مسلط شد وجواهر بسیاری ازهند بعنوان غنیمت جنگی بایران آورد ولی حکومت اوچندان دوام نیاورده وخاتمه پیدا نمود واین کشور بعد ازقتل او در (۱۱٦۰-۱۷٤۷) دوباره دچارفتنه وآشوب وانقلاب و خودسری عجیب گردید .

زندیه

(۱۱٦۳-۱۲۰۹ (۱۷۵۰-۱۷۹٤

ایران دردوره جانشینان نادرشاه بدولت های کوچك چندی قسمت شده ولی طولی نکشید که «کریمخان زند» سلطنت خود را بر تمام نواحی ایران جز ایالت خراسان بسط داد ودرآنجا آخرین جانشین نادرشاه (نادر میرزا) حکومت مینمود .

قاجاریه

(۱۱۹۳-۱۳٤۵)(۱۷۷۹-۱۹۲٦)

بعدازوفات کریمخان وکیل اختلاف زیادی ، بین‌جانشینان او وآقا محمد خان که از قبائل ترك قاجار بود روی نمود - آقا محمد خان توانست که سلسله جدیدی تشکیل داده و تهران را پایتخت خود قراد دهد .

در دوره سلطنت این خانواده روسها ایران را تهدید نموده وقسمتی از نواحی

دوردست وسرحدی آنرا بزور گرفتند وبعدها دول دیگر اروپائی درصدد بر آمدند که این کشوررا بمناطق نفوذ خود تقسیم کنند ولیکن دراین بین جنگ بین المللی پیش آمد نمود ودرایران مانند دیگرجا این جنگ عالمگیر مشکلاتی را بوجود آورد و نتیجه بحران منتهی بظهور قائدی توانا برای آرامش و توحید این کشور و جنبش جدید آن گردید .

اعلیحضرت رضا شاه پهلوی

۱۹۳۹-۱۳۴۵

شاهنشاه فقید ایران که اصلش ازخوانین مازندران است برای نجات این کشور قیام نموده ومجلس شورای ایران سلطنت او و خانواده‌اش را تصویب کرد در دوره سلطنت وزمامداری این شاهنشاه برای کشورایران نهضتی بزرگ پیش آمد نمود و این کشوردا خل نظامات سیاستی جدید گردیده و دانشجویانی زیاد باروپا فرستاد ایران درجامعه ملل داخل واین کشوردارای بسیاری ازمؤسسات وبنگاههای علمی وصنعتی وکارخانه‌های زیاد شده ولوازم بسیاری ازتمدن جدید در آن پدیدار گردید ، بودجه درآمد وهزینه او باعلی مدارج کمال رسیده روابط خارجی وانتظامات و آرامش داخلی آن خاطرتمام جهانیان را بخویشتن متوجه گردانید .

فصل اول

پیدایش نقاشی ایرانی

برای نقوش وصور ایرانی نوعی زیبائی و فریبندگی است که بمحض دیدن در ...ویدای دل جاگزیده وشخص را از آن شگفت وحیرتی زیاد فراهم میشود وهر گاه ...ه گوشهٔ ازاین‌هنررا گرفته ونمونهٔ ازاین فن‌را با شاهکارهای فنی‌سر آمدان هنرغرب ... آنان که بطریق ایشان رفته و بروش آنها کار نموده‌اند برابری دهند ونواقصی را که ...مزایا دربردارد ملاحظه کنند ممکن است بآسانی ارزش وبهای صورتگری ونقاشی ...رانی دربرابرهنروفن اروپائیان بواسطه آشکارشدن بعضی ازعیوب یا نقص قسمتی ... مزایا وامتیاز ظاهر گردد ولیکن این مغالطه و اختلاط چندان مورد نظر نبوده و ...اعی انتقاد نخواهد داشت .

هم دراین‌فن پارهٔ ازاوصاف است که نبایستی آنان را درنظر گرفت و درباره آن ...قیق‌شد زیرا با لحاظ اوصاف مذکورممکن‌است که چنین فنی‌راه فنا وزوال را پیموده ازمیانه بدرود نماید ولی‌تنها چیزی که انکار آنرا نمیتوان‌نمود این‌است که چهره کشی ...نقاشی‌ایرانی درمورد خود منفرد ویگانه بوده وبیننده را نوعی تأثرات روحی‌والهام ...خوشی وشادمانی قلبی میبخشد که چنین وحی و تأثیر وجلب توجه برای غیرآن از ...نون هنروران دیگر نیست .

تصاویر ایرانی نخستین بارخسته کننده بنظر آمده و دیده از دیدن رنگهای تند ...زننده الوان وتابان ودرخشان آن زده وخسته خواهدشد وگاهی‌هم این صورونقوش ...شابهت زیادی را بیکدیگر نشان داده یا مکررات است و این ترتیب نظر بتقلیدات ...صبغه ایست که اهل‌فن وهنر در هردوره بآن احترام گذاشته و درپیروی وتعقیب آن ...شتراك نموده‌اند ولی در حقیقت کمال هنرایشان دربکاربردن این اوصاف است .

اوصاف ملحوظ ازقبیل نداشتن سایه وکشیدن چهره و سیمای اشخاص بوضع

واشکال بی‌تناسب است و گاهی این‌صور روح وحرکت ونکات ودقایق بیان وتعبیررا ناقص گذاشته ومطابقه نمودن آن باحقیقت وواقع دورازقاعده بوده ومشکل است واین اختلاف وعدم تناسب بواسطه اندك تفاوتی است که بین البسه وپوشش دوجنس حاصل میشود ولیکن اوصاف وخصایص مذکوراز جمله خواص ومزایائی است که دردنیای هنروفنون خود را مستقل و اصلی خاص معرفی نموده و هیچ مدعی و منازعی را مجال نزاع و اختلاف درآن نخواهد بود .

دانش ومعلومات ما راجع بنقاشی و صورت‌کشی ایرانی پیش از اسلام همیشه مجهول بوده واگراخیراً هیئت آثاری : آلمانی- انگلیسی وفرانسوی درایران وآسیای مرکزی و افغانستان و شمال هندوستان هم بقسمتی ازاین فنون اطلاع یافته و تاحدی ازآن بهره و نتیجه گرفته اند باوجود این باز معلومات ما ناتمام و ناقص مانده است .

مانی نقاش

مدارك تاریخی و ادبی بما نشان میدهد مانی نقاش ایرانی که در حدود قرن سوم میلادی زندگانی مینموده ومؤسس مذهبی است که باو نسبت میدهند این مرد نقاشی زبردست وتوانا بوده ودستورات اواشاره بزینت وآرایش کتب مذهبی بصوری کوچك مینموده وآنانرا از بهترین وسائل جهت معجزه وامر پیغمبری و نشر دعوت خود میدانسته .

صدق وصحت این معلومات بواسطه اکتشاف دونفر آلمانی :

فون لوکوك (Von le Coq) وگرینویدل (Grünwedel) وصور نقاشی های ترفان (صحرای گبی از نواحی ترکستان چین) که مابین سنوات ۱۴۲ و ۲۲۶ هجری (۷۶۰-۸۴۰) کشیده شده ثابت خواهد شد که آنجا مقر حکومت نژادترك مانوی‌مذهب ومرکزامپراطوری ایغور (Uigur) بوده (۱)

مهمترین چیزی که این دو استاد درموقع کاوش آنجا بدست آورده‌اند اکنون درموزه آثاربین‌المللی برلن موجود است واکتشافات ایشان شامل تصاویری‌است که

۱ – مراجعه شود به Arnold : Painting in Islam, ص ۶۱ – ۶۲ و Vonle Coq:Auf Hellas Spuren in Ostturkestan

بردیوارها بوده ونقوش وصورایرانی است که تردیدی درصحت آن نمیرود و دربعضی ازآنان نقشه ها و رسومی بشکل شاخه‌های درخت کشیده شده وآرایش و تزییناتی است که بدوره مغول ارتباط دارد .

و نیزدرآنجا صفحاتی دیده میشودکه این دواستاد در قزیل (Qizil) نزدیکی کوتشا کشف نموده اند و برآنها صور اشخاصی ترسیم شده که از آنان ارتباطی تمام بین این صنعت و بین آنچه‌که درایران بعد ازاسلام بوجود آمده آشکار میشود(۱) ونیزدرموزه مذکورنتیجه اکتشافات هیئت آثاری افغانستان است که برمعلومات ما در اینباب‌میافزایدودرنقوشیکه برتخته‌سنگهای بامیان (Bamiyan)ترسیم شده‌وآثاری که **استادگدار** (A. Godard)وخانم همسراو بدان‌آگاهی یافته ووارسی نموده‌اند عناصر هندی ویونانی قدیم دیده میشود ولیکن درآنها نیزآثار عناصر دوره ساسانی وصور بعضی ازسلاطین‌آشکاراونمودار است وما ازدیدن همه‌آنان معلوم میداریم‌که تمدن ایرانی نفوذ خودرا تا اواسط خاك آسیا برده و بآنحدود کشانیده بود و اثرآن در مرز وبوم مذکور تاچندین قرن بعدازانقراض ساسانیان هنوزهویدا وآشکار است .

اسلام

فتوحات مسلمین پی‌درپی‌دنباله یافته وایران نیز جزئی ازاجزاء دولت باعظمت امپراطوری‌اسلامی‌شدودین‌اسلام‌درآن‌انتشارورواج یافته، مسلمین زبان‌عربی رازبان علم‌وادب ولسان‌مذهبی ودیانتی‌این کشور نمودند ولی‌چیزی که بودایرانیان‌مانند ملل دیگری که مسلمین برآن‌غلبه یافته دروجود فاتحین‌خود تأثیرنمودند وآنهابزرگترین دستیاروکمك کارایشان درپیدایش‌هنروفنون اسلامی شدندکه اسلام‌آنرا دردین‌خود نقش زده و شخصیت آشکار و هویدای ایشان بدان جلوه و ظهور یافته و این فنون وهنربنام‌آنها تمام شد و درحقیقت اساس وپایه این‌تمدن بزرك همان مدنیت ایران و روم وکلده وآشور ومصر بوده .

این موضوع مسلم است که بیشتراعراب در دوره جاهلیت بیابان نشین بودند و

۱- مراجعه به Waldschmidt:Gandhara, kutscha, Turfan, Eine Einführnug in die frühmittelalterliche Kunst Zentralasients ص ۷۸ ومابعد آن

مابین ایشان تمدنی وجود نداشته و بدویت بالطبع دائره وسیع و نعمت وراحت زیادی را دارا نبوده تا در آن هنر وفنونی بروزوظهور نماید. ولی باتمام این احوال نمیتوان انکار نمود که عربها در دوره جاهلیت صوری کشیده ومجسمه هائی ساخته و هیاکلی ازچوب میتراشیدند تاآنهارا خدایان خود قرار دهند پس از آنکه حضرت ختمی مرتبت (ص) درمیان ایشان به پیغمبری برانگیخته و مبعوث شد آن حضرت اعراب را ازتراشیدن هیاکل وکشیدن تصاویر جلوگیری و نهی فرموده و می‌خواست بدین وسیله تمایل آنان را ازاسباب ووسایلی که مردم را بجانب بت پرستی میکشانید انحراف دهد وایشان را ازهرچیز که بپرستش بتها نزدیك میکند دور نموده باشد (۱)

خاورشناسان (مستشرقین) مطالب زیادی درباره حرمت نقاشی وچهره کشی در اسلام نگاشته و بعضی از ایشان چنین اندیشیده اندکه قرآن مجید کشیدن صور و ساختن مجسمه را حرام فرموده واین خیالی باطل استواساسی نداردزیراکه تصریحی در قرآن براین موضوع نشده .

دیگران گویندکه حدیث وخبر آنرا حرام نموده واین قولی درست وصحیح است وهم گویندکه شیعه حدیث حرمت تصویررا تثبیت نمیکند وازاینرا جلوه وظهور صنعت نقاشی را درایران دلیل آورده اندکه دراین سرزمین مذهب تشیع رایج و شایع است (۲) درصورتیکه این موضوع دچار مغالطه واشتباه شده : زیراکه مجسمه سازی وصورت کشی همانطور که نزد علمای اهل سنت مکروه است بدینگونه هم این عمل نزد علمای شیعه کراهت دارد اگرچه فرق شیعه بکتب خبری که نزد اهل سنت است اعتراف نمی نمایند زیراکه آنها خود دارای کتبی مخصوص اند که شامل اعتقاد و تصدیق شیعه بوده واز احادیث صحیحه نبوی علیه الصلواة والسلام میباشد و درکتب مزبوره حدیث واخباری درباره نهی صورت کشی ونقاشی و بیم دادن صورتگران وجود دارد که بزودی در روز جزا وهنگام پاداش اعمال آنهارا وادار مینمایندکه در صورتهای

---

۱ – مراجعه شود بکتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۱۱ و ما بعد آن و کتاب الاسلام والحضارة العربیه استاد محمد کردعلی از ص ۱۰۵ تا ۱۱۰

۲ – مراجعه شود به E. Kühnel : Islamische Kleinkunst ص ٤

ساخته خود جان بدهند درصورتی که دمیدن جان ازعهده ایشان بر نیاید . (۱)

جای تردید نیست جدائی و اختلاف بین مسلمین در آنجاکه از مجسمه سازی و صورت کشی وجود دارد مربوط باین است که کشور ایران چنانچه دانسته شده بزرگترین محل وفراخترین میدان جهت فن تصویر اسلامی بوده ونیز چنین شناخته شده که دولت ایران دولتی شیعی مذهب است ولیکن خاورشناسانی که گمان نموده‌اند شیعه صورت کشی ونقاشی را منع نمیکنند درعین حال این نکته را فراموش مینمایند که مذهب شیعه جز از اوایل قرن شانزدهم میلادی بعد مذهب رسمی ایران نبوده وآن وقتی است که سلسله صفویه صاحب تخت وتاج شدند و هم آنها فراموش میکنند صورت کشی راکه اسلام مکروه دانسته عربها در آن زحمت ومشقت زیادی نکشیده اند زیراکه آنها استاد این کار واهل این هنر نبودند بالعکس ایرانیان که میل وذوق این هنررا از نیاکان وگذشتگان خود بارث برده وقریحه استعداد این هنر بمانند دیگر نژادسامی جزءطبیعت وقریحه ذاتی ایرانیان بوده لذاصرف نظر ازاین کراهت ونهی بایستی که ایرانیان را درداشتن این هنر بدیگران سبقت داد معذالك صورت کشان ونقاشان درنزد علما و رجال مذهبی در ایران ناپسندآمده وعمل ایشان را جایز نمی‌شمارند .

علاوه براین درتاریخ هنروفنون اسلامی سلاطین وامرائی وجود داشته که از بزرگترین طرفداران ومروجین فن نقاشی وکمك کاران آن شمرده شده‌اند درصورتیکه ایشان پیرو مذهب شیعه نبوده وکاری باین مذهب نداشته‌اند .

خلیفه اموی که کاخ کوچك عمرارا در بیابان شام بنا نموده دیوار های کاخ را زینت کرده وسقف آنرا بانقوش وتصاویری زیباودلکش منقش(۲)ساخته وخلفای عباسی که کاخهای خودرادرسامرا(سرمن رای)بنقش ونگارهای رنگارنك آرایش نموده‌اند(۳) وشاهان ایران از خانواده امیر تیمورکورکان که فن نقاشی در دوره ایشان رونق و شکوهی تمام پیدا نموده و در تحت سرپرستی و رعایت ایشان « بهزاد » بزرگترین

۱ــ مراجعه شود به فصل اول Arnold: Painting in Islam که آن بهترین چیزی است که در این موضوع نوشته شده

۲ــ مراجعه شود بفصلی که استاد کریزول Creswell برای سخن رانی درباره‌ا ین قصر در کتاب خودش Early Muslim Architecture ترتیب داده

۳ــ مراجعه شود به Herzfeld : Die Malereien von Samarra

نقاش ایران بوجود آمده و نیز سلاطین مغول درهندوستان و آل‌عثمان در ترکیه تمامی آنان پیرو مذهب تسنن بوده اند .

نهایت گفتار آنکه مسلمانان ازشیعه وسنی بر کراهت مجسمه سازی و کشیدن صور جان‌دار (ذی روح) اجماع و اتفاق دارند بواسطه آنکه در ایندو تقلید از کار خدای آفریدگار عزوجل میباشد وهم برای آنچه که از حدیث رسیده :

« ان الملائکة لا یدخلون بیتاً فیه کلب ولا تصاویر » فرشته داخل خانه ایکه در آن سگ وتصاویر است نمیشوند .

« ان اشدالناس عذاباً عندالله یوم القیمة المصورون » (بتحقیق کسانیکه عذاب ایشان ازهر کس نزد خدا در روز قیامت سخت‌تر است صورت کشان میباشند)

« ان الذین یصنعون هذه الصور یعذبون یوم القیمة و یقال لهم احیوا ما خلقتم » (بتحقیق کسانیکه این صورتها را میکشند در روزقیامت عذاب میشوند وبآنها گفته میشود زنده کنید آنچه راکه آفریده‌اید .)

بدینجهت مسلمانان درآغاز کار بایجاد و ابداع کشیدن رسمهای زیبا و دلربا میل نموده واز آن پیروی کردند وصورجان دار درآنها وجودنداشت وهم ازاشکال نباتی وهندسی که بعضی دردیگری مداخله مینمود درست کرده وفن آرایش وتزیین ازمشخصات ومزایای فنون اسلامی گردید وطولی نکشید که خط عربی برای مسلمین در مورد تحریر وآرایش کاری ونگارش بارسم بنای همسری ورقابت وزورآزمائی را گذاشت .

علی رغم همه اینها مسلمین بهنر صورت کشی ذی روح پی برده ودر آن رشته کار کردند تااینکه ادواری رسید که هنروفن تصویر درآنها جلوه وشکوه ورنگ ورونق زیادیافته وپیشرفتی تمام نمود وبزرگترین اثری که اکنون بنظرمارسیده بقایای صوری است که درصدراسلام عمل آن انجام گرفته وکارآنزمان است .

اثر مذکور نقاشی کاخ کوچک عمرا است که موزیل (Musil) دانشمند

اطریشی درسال ۱۸۹۸ آنرا کشف نموده و این آثار درطرف شمال شرقی بحرالمیت قرارگرفته و بیشتر اندیشه برآن میرود که خلیفه اموی این مکان را در اوایل قرن هشتم میلادی برای آسایشگاه یا جهت محل سرگرمی و خوشی و عیش ونوش خود ساخته است .

بنای این کاخ ازحجرالجیر (سنگهای گچی) بالا رفته و شامل ایوانی درازو طولانی بوده که در آن چند تالار بر پا شده بود و برسقوف این ابنیه نقش و نگارها قرار داده و بین آنان یکی از شاهان ششگانه جهان را نشان میداد که خلفای اموی آنهاراشکست داده بودند .

وهم درآنجا صوردیگری است که شامل سازنده ها و نوازندگان و اشخاصی برهنه وعریان بوده وجمعی دیگر که پارهٔ ازکارهای بدنی و ورزش مبادرت نموده‌اند سپس مناظری ازشکارگاه حیوانات بیابانی را نشان میدهد و درتالارعالی آن صورت امیری است که شاید این کاخ ازبرای او بنا شده ـ علاوه براین فن کشیدن تمام این تصاویر ونقوش ازجمله فنون وهنری است که تقریباً جزء فنون وهنر بیزانطی ورومی بوده و تا حدی بفن زمان ساسانیان تاثر یافته و رنك آن هنررا بخود گرفته .

برای ما نقوش و تصاویر کاخ کوچك عمرا تفاوت زیادی با مشاهدات و مناظر بعد ازآن نسبت بنقوش دیگر ادوار اسلامی دارد چنانکه این تفاوت در آنچه که دواستادمعروف‌زاره(سار)و(هرتسفلد)درسامرا(سرمن‌رای)برآن آگاهی یافته‌اندبخوبی نمودار است و اثر مزبور در کاخی است که معتصم خلیفه عباسی در۸۳۸ میلادی در شمال عراق بنا نموده و آنرا پایتخت و مرکز خلافت خود قرارداده و این محل را خلیفه برای فرارو گریز ازصدمه وتزاحم سپاهیان ترك خود اختیار نموده وبساکنین این مکان پناه آورده شهر جدید در دوره جانشینان معتصم وسعت و آبادی زیادی پیدا نموده تااینکه معتمد خلیفه در۲۷۰ ه(۸۸۳م) آنجارا واگذاشته ودوباره مرکز خلافت خود را ببغداد انتقال داد .

کاوش‌ها وحفاری آثار قدیمه و خرابه های سامرا باعث اکتشافات زیادی شده وهیئت آثاری آلمانی که در رأس ایشان دواستاد دانشمند نامبرده بودند باینکاراقدام نموده و مسجد جامع متوکل راکه پوشیده ومستور بوده‌بامناره‌آن‌که معروف بملویه ونمونه ای ازمناره مسجد طولون مصر میباشد معلوم داشته‌اند ونیز آثار خرابه های زیادی راکشف نموده‌اندکه بردیوارآنان نقش ونگارهای هندسی ونباتی است یا از اشکال کنده کاری‌است که در گچ بعمل‌آمده . (۱)

ولیکن‌چیزی که‌اکنون‌مارا بیشتر باندیشه‌زیاد وامیداردو‌ازجمله‌آثاری‌است که علمای حفاری برآن علم واطلاع یافته‌اند آنها نقوش رنگینی‌است که ازحیث‌موضوع وطرح بنقش و نگار قصرکوچك عمرا شباهت دارد چنانکه در بعضی ازآن بدنهای برهنه وبرخی زنهای رامشکروشکارگاه و صورحیواناتی دیده میشود وبا اینکه‌ما از مصادر ومنابع تاریخی وازامضاهائیکه بدست‌آمده میشناسیم‌که هنروران فنی‌مسیحی درکار این‌نقوش همدستی وشرکت نموده‌اند معذلك طرزکار ووضع صنعت آن جدا شده وپدیدآمده ازدوره ساسانی‌است حتی‌اینکه استاد هر تسفلدآنهارا آخرین مثال ونمونه نقاشی دراین فن میشمارد .

شاید نزدیکترین نقوش اسلامی بآثارنقش ونگارسامرا نقش وصوری باشدکه دارالاثار العربیه‌مصردرزمستان سال ۱۹۳۲ درجبهه ابی‌السعود درجنوب‌قاهره بدست آورده و بدان آگاهی یافته آثار مزبور مربوط بدوره و زمان دولت خلفای فاطمی میگردد و از صوری درست شده که بردیوارها بوده و در صنعت نقاشی آن تاثیر فن نقاشی‌ایرانی نمودار وآشکاراست وما دربرخی ازآن مناظری‌را می‌بینیم که یکرشته از دانهای سفید برزمینه سیاه قرارگرفته و دربعضی از آن صورت وچهره های کسانی دیده میشودکه یکی ازآنان جامی بدست راست‌خود دارد وطرزنقاشی‌آن همانطور

---

(۱) مراجعه شودبه Herzfeld:der Wendschmuck der Bauten von Samarra und selne Ornamentik وکتاب الفن الاسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن ج ۱ ص ۲٤ و ما بعد آن

است که ما در بسیاری از نقش و نگار ظروف و اوانی سفالی دورهٔ ساسانی دیدیم و در
دیگری رسم وصورت دو پرنده برابر یکدیگر است که روی دو شاخه گیاه سرخ رنگی
نشسته‌اند و دراطراف آن رشته های سیاهی است که آنها را لکه های سفیدی فرا گرفته
و دردومین نقش سرجوانی است که بطرف چپ نگاه میکند درشکل سوم صورت بانوئی
است که لچك سرخود را بطرف راست آویخته دارالاثارالعربیه مصر این اکتشاف خود را
برای نخستین بار در نمایشگاه صنایع ایرانی درسرای تجران پاشا دردوماه ژانویه و
وریه ۱۹۳۵ نمایش داده . (۱)

اما دربارهٔ آرایش و تزیین کتابها بصور کوچك این تنها میدانی است که ایرانیان
گوی سبقت را در آن ربوده اند ـ ما میدانیم که صنعت کاغذ سازی را مردم سمرقند
ر نیمه قرن دوم (۸ میلادی) ازچینیها فرا گرفته‌اند و بعداز آن طولی نکشید که این عمل از
ر دنیای اسلامی در اواخر قرن سیم هجری (۹ م) شیوع یافته و درتمام قلمرو کشور
سلامی معمول گردید .

اید قدیمی ترین صور کوچك یا نقاشی خرده کاری مینیاتورسازی استادان اسلامی که بما
سیده آن باشد که در (فیوم) و (اشمونین) بآن اطلاع یافته‌اند واکنون صور مزبور
ـ وین پایتخت اطریش بایگانی شده و محفوظ است و جزء کلکسیون (مجموعه)
شیدوك رینر میباشد ، تاریخ نسخه‌های خطی که دارای این تصاویر است مربوط بقرن
وم وچهارم هجری است و درصنعت تصاویر مذکور تأثیرات رومی (بیزانطی) وقبطی
حبشی و ساسانی مشاهده میشود . (۲)

ظن غالب این است که صنعت اینگونه نقاشی وساختن صورتهای کوچك جهت
ایش کتب و نامه های خطی درایران وعراق درقرن سوم بمعرض بروز وظهور رسیده
گمان ما براین است که مسلمانان برای انجام این صنعت در آغاز کار استادان غیر مسلمان
استخدام نموده باشند تا اینکه دوره این عمل بزمان تتبع واقتباس پیروی وتقلید
های گردیده .

۱- مراجعه شود به G. Wiet : Exposition d' Art Persan ص ۷۵ و ۷٦ وتابلوی
شکل ۱ و ۲ درآخراین کتاب

۲- مراجعه شود به Arnold & Grohmann : The Islamic Book ص ۲ و
ابعد آن و Mohamed Fassan : Les Tulunides Zaky ص ۳۱۳ - ۳۱٤

تابلوی ۱

شکل اول تصویرِ دردیوار حمام قاهره دالاثار عربی

ضمیمه تابلوی ۱
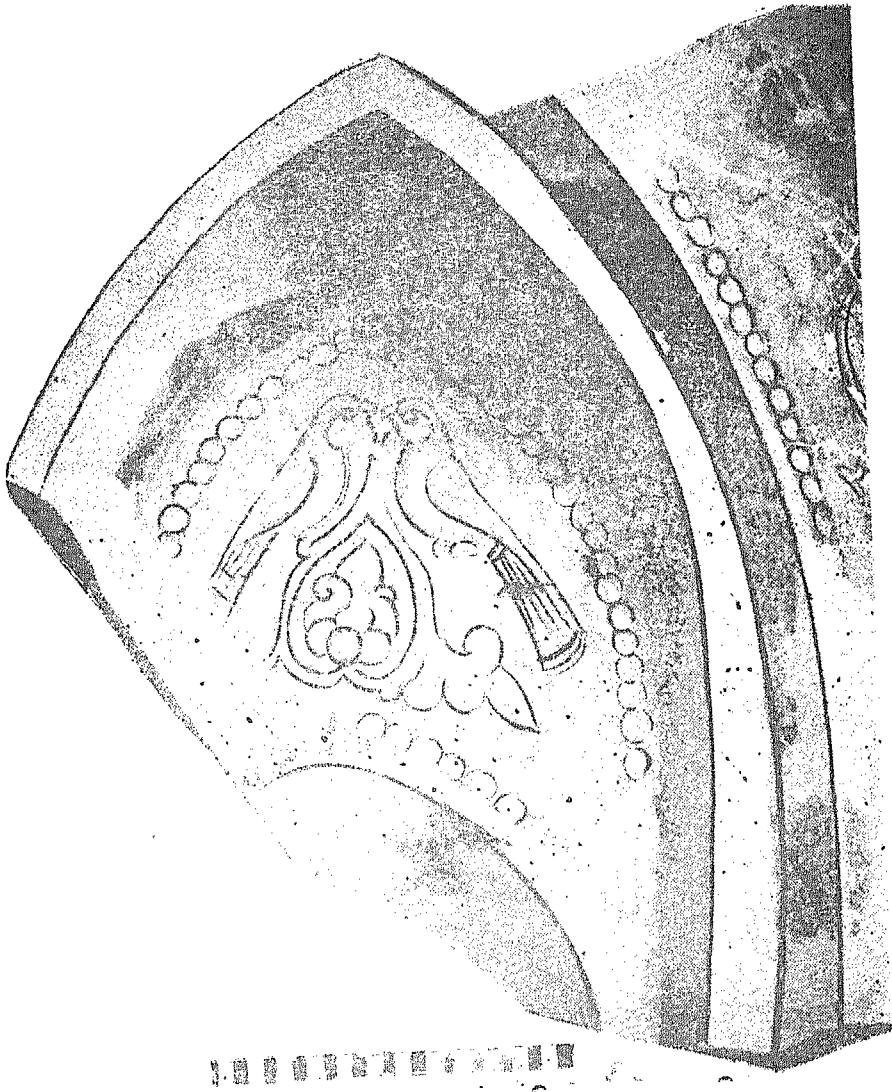
شکل ۲ تصویر در دیوار حمام فاطمی قاهره جبهه ابی السعود قرن ۴ ، ۵ هجری دار الاثار عربی

مسلمانان توانسته اندکه در عمل خود ممارست نمایند و صوری را که ایشان برای خود سرمشق و نمونه گرفته واز آن تقلید نموده‌اند. نقاشی‌های مانوی ومینیاتور های مسیحیان یعاقبه بوده و بسا هست که مسلمین از نقاشی نساطره (نسطوریها) نیز تقلید نموده و ازهنر ایشان اخذ و اقتباس کرده اند .(۱)

بااین وصف آنچه را که ما از مصادر تاریخی نسبت بوجود نسخه های خطی شناخته و بدان آگاهی یافته‌ایم فقط در میان آنان نقاشی های ریزه کاری و مینیاتور مربوط بدوقرن نهٔوده میلادی‌است و بعداز آن قدیمی‌ترین چیزی که ازایران وعربستان وشام بنظرما رسیده راجع بدوقرن دوازدهم وسیزدهم بوده ومجموعه ایست که‌مورخین فن اسلامی نام مدرسه عراق یاهنرستان بغداد را بآن داده اند.

---

۱ — مراجعه شود به Kühnel : Miniaturmalerei im islamischen Orient
ص ۱۶ و ما بعد آن و Arnold : Painting in Islam ص۲۵ و ما بعد آن

فصل دوم

هنرستان بغداد یا مدرسه عراق

قرن هفتم هجری (۱۳ م)

مسلمانان از ایران وروم در زدن سکه ایکه بر آن نقش وصور ترسیم شده بود تقلید نمودند چگونگی این موضوع در کتاب الخطط مقریزی در قسمت سکه و نقود اسلامی مفصلا مسطور است وهم درتعیین موضوع کتب ادبی وتاریخی وغیره از آنان پیروی کرده نقش و نگار پارچه‌ها ومنسوجات و آرایشگری وتزیین ظروف شیشه وغیره ازاثاثیه ولوازم خانه را هم بتقلید ایشان ترتیب میدادند ـ گرمابه ها وحمام مهمترین خانه و ابنیه بودکه مسلمانان در نقش و نگار دیوارهای آن توجهی زیاد مینمودند و طولی نکشیدکه فن نقاشی در اسلام ازتصاویر اسباب خانه ونقش و نگار ابنیه وعمارات بنامه ها و کتب منتقل گردیده وکتابهای خطی را بکشیدن چهره ها و صور آرایش دادند وبدین روش تنوع فنی وهنر گوناگون و آموزشگاه وهنرستانها که ما ضمن این فصل بزودی در باره آن سخن میگوئیم بوجود آمد .

در اینجا شایسته و سزاوار است پیش از همه یادآوری کنیم که در نقاشی و صورت کشی ایرانی موضوعاتی زیاد مکرر گردیده و اساتید هنر یك طرح را مکرر ریخته و یك صورت را چندین جا کشیده اند علتش آن است اساتید و صورتگران که جهت آرایش وزینت دواوین شعرا وکتب افسانه و حکایات وتصویر بعضی کتب ادبی و تاریخی کار مینمودند خلف هریك از آنان این موضوعات را بروش و اسلوب سلف درطرح ریزی ووضع نگارش تصویراختیار وتقلید نموده وبکار برده اند .

قدیمی ترین کتب خطی اسلامی که تصاویری زیاد را داراست کتابهائی است که رجمه شده و در طب و علوم وفنون میکانیکی تالیف گردیده و مشهورتر ازهمه آنها
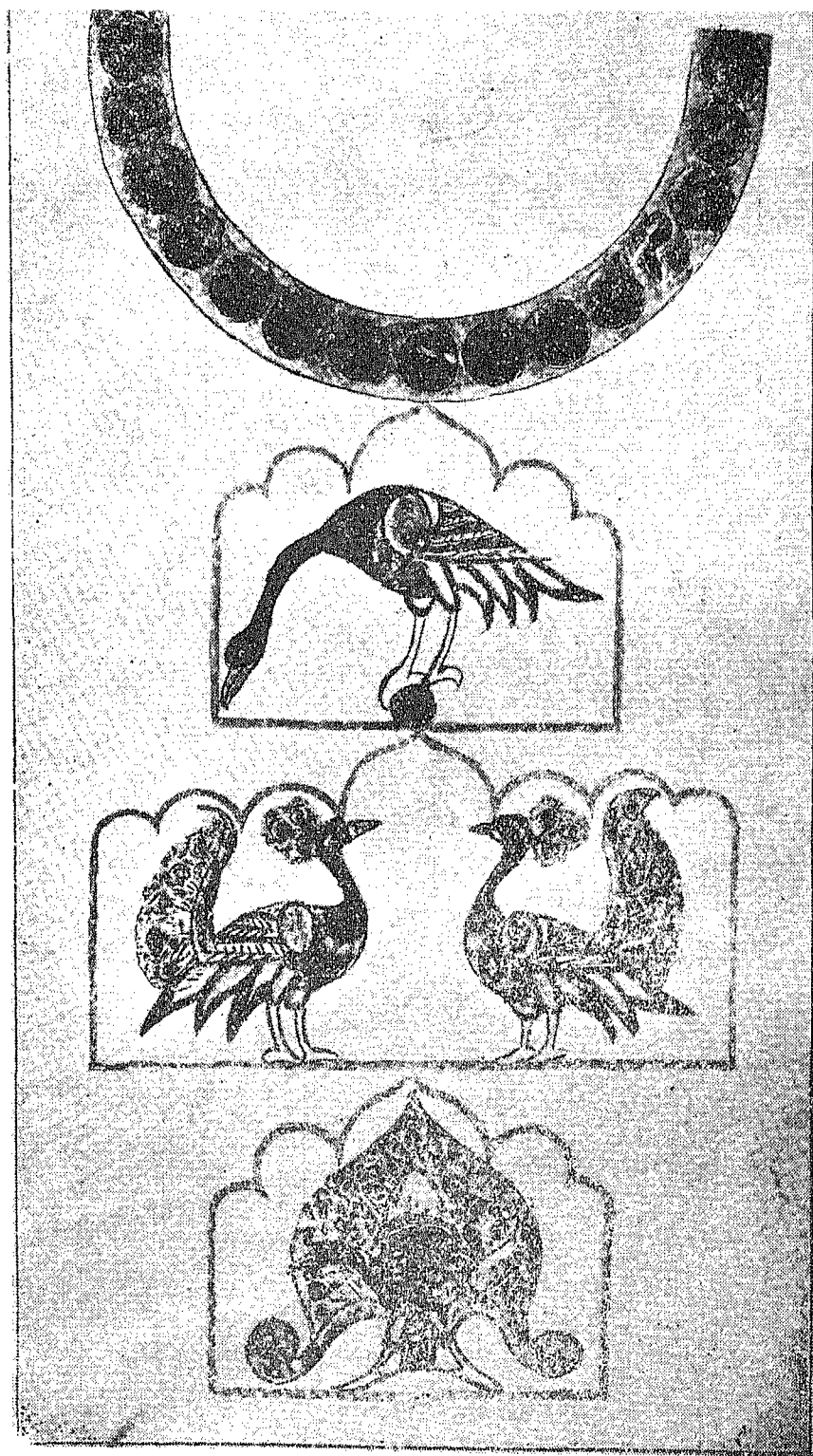
شکل۳ــ ساعت طاوسی- هنرستان عراق قرن۷هجری از کتاب الحیل المیکانیکیه جزری
موزه لوور

کتاب «**الحیل الجامع بین العلم و العمل**» جزری ، پس از آن کتاب **عجایب المخلوقات** قزوینی است و بعضی از کتب ادبی دیده شده که در آنها رعایت بی اندازه و توجه زیادی در این خصوص بکار رفته مخصوصاً در هر یك از دو کتاب «**کلیله و دمنه**» و «**مقامات حریری**» صورتهائی برای روشن شدن گزارش متن وشرح کشیده شده ونقاشی نموده‌اند . انجام این عمل بدست استادان مسیحی شرقی و مردان کلیسا یا بعضی از مسلمین بود که به اسلوب فنی ایشان زیاده متاثر بودند و این بعداز آن شد که مسلمین فنون و هنر خودرا ازملل ومردمی گرفتند که کشور آنها بدست ایشان فتح شده بود .

اما ایرانیان بیشتر توجه ایشان بتصویر کتب تاریخی وشرح حال یا تراجمی بوده که در آنها نام شاهان وتصاویر ایشان برای همیشگی و دوام بیادگار بماند پس از آن دواوین شعرا وحکایات ایشان است که بوستان سعدی وگلستان او مخصوصاً از آن جمله است ـ سپس دیوان حافظ و منظومات خمسهٔ نظامی خواهد بود لیکن کتاب شاهنامه فردوسی دراینجا دربالاترین پایه قرار گرفته و اول مقام را احراز نموده زیرا که آن کتب در هر دوره ازنقاشی و شاهکار اساتید ایرانی آرایش و زینت گردیده .

ما در آخر فصل پیش اشاره نمودیم که اول هنرستان نقاشی و صورت کشی در اسلام مدرسه بغداد یا هنرستان عراق بوده واساتید فنی صورتهائی کوچك را در نسخه های خطی کتب اسلامی که دورهٔ آن پیوسته بروزگار خلافت خاندان بنی‌عباس است باین هنرستان نسبت میدهند .

هنرستان مزبور باوجود داشتن این نام هنرستان عربی خالص نبوده چنانکه ایرانی خالص بودن آن هم بعید خواهد بود اگرچه کشور ایران یگانه سرزمینی بود که این هنر وفن در آن بروز وظهور نموده سپس پیشرفت وارتقا یافته وراه را برای هنرستانهای دیگر باز کرده و نقاشی در آنجا باوج عظمت وکمال رسیده باوجود این نمیتوان آنرا ایرانی خالص شمرد . جای تردید نیست که بیشتر کار کنان و هنرآموزان برای تاسیس بنیاد هنرستان بغداد از اهل معابد و پرستش گاههای شرقی از طوایف مختلفه بوده

این هنررا از آنها اخذ نموده اند چنانکه مابین ایشان هنروران و قهرمانان نهضت
لمی جهت نقل وترجمه کتب قدیمه بزبان عربی پیدا شده و نیز دربین آنان بهترین
نرپیشه گان درجه اول وجود داشته که هریك بعربها عمل معماری و هنرموزائیك و
اتم کاری و کاشی سازی وغیره را یاد داده‌اند .

بااین ترتیب طولی نکشید که مسلمین ازاین پیشه وهنربه بهره ونصیبی که ذکر
ن بعد ازاین خواهد شد بهره‌ور گردیدند و اول کسی که این کار را نموده ایرانیان
ودندکه بیشتر استادان هنردرمیان ایشان پیدا شده وهمین کشور ایران بود که بعداز
اجم مغول توانست مواهب و عطایای خدادادی فرزندان خود را نشو و نما داده و
ن هنررا بحدکمال برساند و نیزازهنرمردم شرق اقصی وآسیای مرکزی متاثر شده
اینکه ازفنونی که ماآنرا نتیجه هنروری‌دوقرن نهم ودهم هجری (۱۵و۱۶میلادی)
یشناسیم بهره مند گردد .

چون موضوعات فنی و طرح نقاشی درهنرستان بغداد همواره بدون تغییراتی
اسی تکرار میبافت لذا آنچه که بدست ما رسیده و از جمله نقاشی قرون اولیه
لامی شمرده میشود باملاحظه قدمتی که درآن میرود وشامل نسخ خطی قدیمه
واهد شد باوجود این‌مربوط بماقبل نیمه قرن ششم هجری نگردیده وراجع ببعداز
ن خواهد بود .

از جمله چیزی که رعایت آن لازم است این است که نقاشی های کتب خطی
نرستان بغداد همیشه جزئی از متن کتاب بوده و از این عمل شروع وبیان موضوع
تن کتاب‌را منظور مینمودند ازاینجهت میدان جلوه ونمایش این مواهب فنی دراین
نرستان عربی بزرگتر و پهناورتراز عرصه وفضای میدان فارسی آن است .

اشخاصی که در این تصاویر بچهره و سیمای نژاد سامی نشـان داده میشوند
کشیده بینی بوده وصورت ایشان ازریشی سیاه پوشیده شده و درچهره ورخسار آنها
لامت وآثار نشاط و هوش ودقت تعبیر موجود بوده و در صورت مذکور ظرافت و
یبائی و نازك کاریهائیکه ما در هنر ایرانی میشناسیم مشاهده میشود .
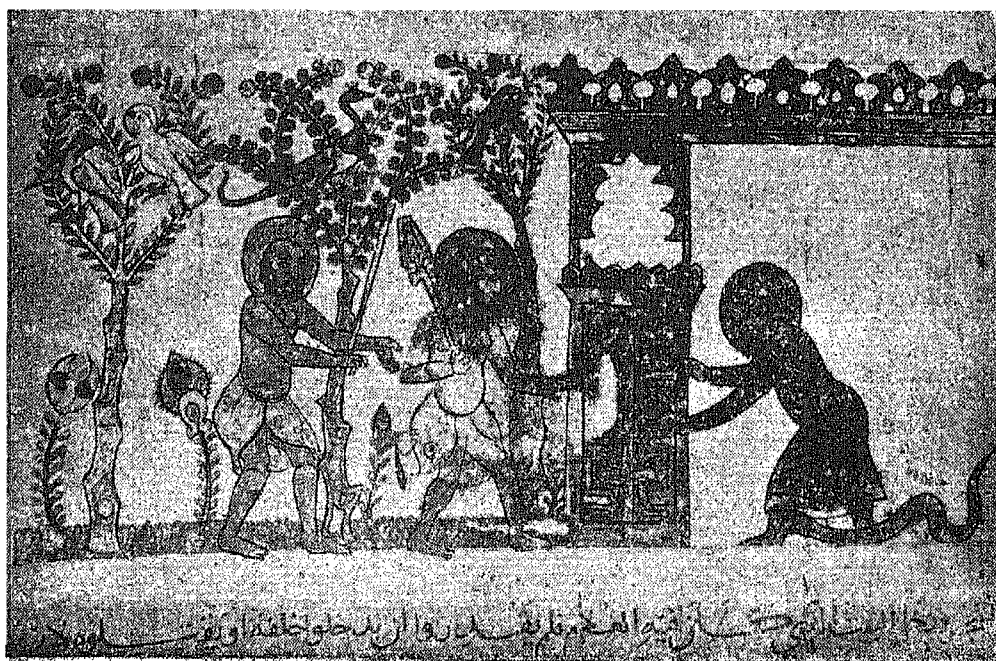
شکل ٥ــ از ترجمه کتاب جالینوس کتابخانهٔ ملی وین (قرن ۷ هجری) مرد مار گزیده که استغاثه میکند

تابلوی ۳

شکل ٤ جوانی که مار اورا گزیده و پزشک برای معالجه اومیآید

تابلوی ٤
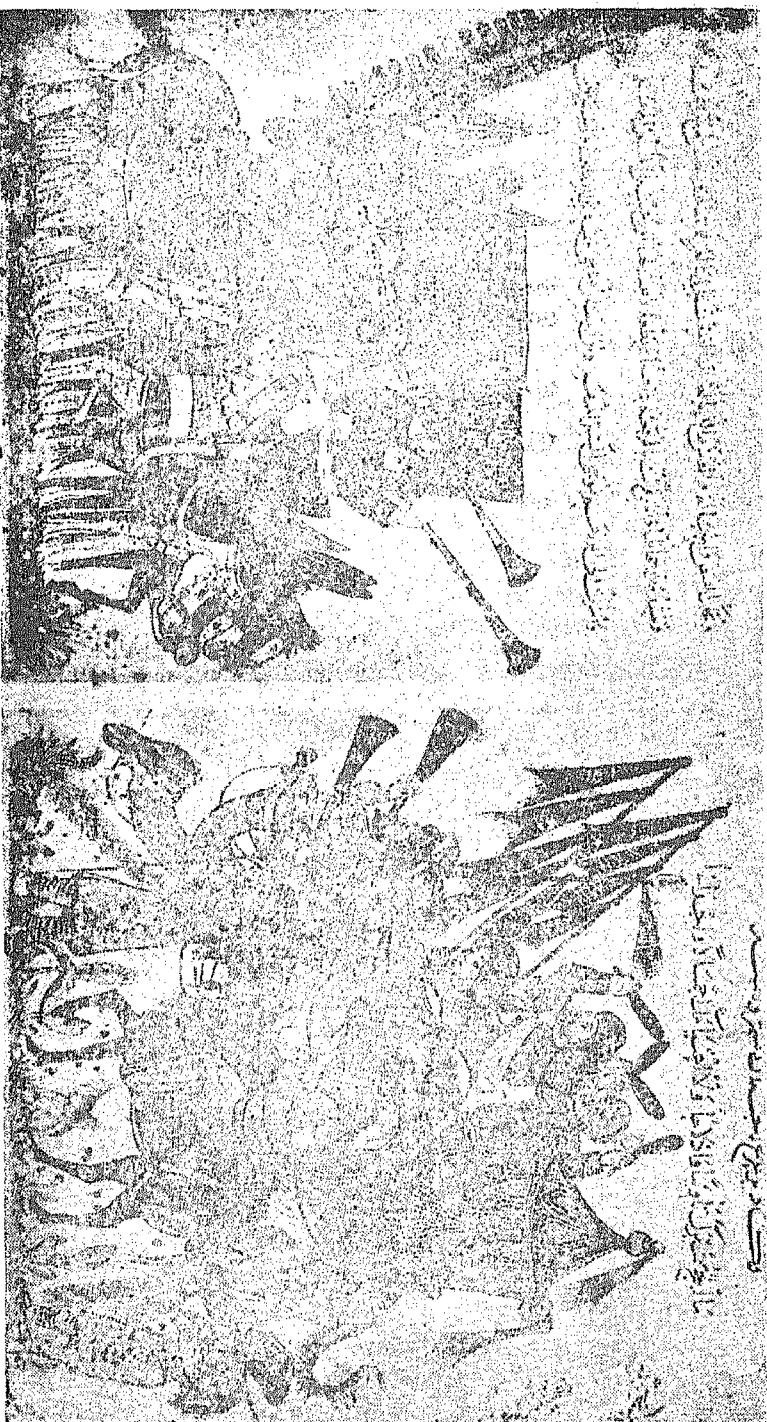
شکل ٦ و ٧— میدان جنگ از مقامات حریری — هنرستان عراق سال ٦٣٤ هجری نسخه خطی شیفر کتابخانه ملی پاریس — مارتن

شاید از زیباترین تصاویری که در هنرستان بغداد صورت گرفته و کشیده اند تصاویری باشد که ما آنانرا در نسخه مقامات حریری میبینیم و بیشتر این صور دلالت برتوانائی وقدرت اساتید آنها داشته ، مهارت و زبردستی ایشانرا درکشیدن تصاویر جمعی وحرکات مختلفه آنان بخوبی میرساند ومعلوم میدارد که آنهادقتی بی‌اندازه در کشیدن صورحیوانات وغیره داشته واوقاتی‌زیادبرای انجام‌آن مصروف نموده‌اند .(۱)

گذشته ازاین‌گاهی شباهت مابین بعضی ازتصاویراین هنرستان وبین صوریکه بدست مسیحیان کنیسه و پرستش‌گاههای‌شرقی‌کشیده شده بدرجهٔ میرسد‌که‌ما بعید نمیشماریم، این‌نقوش وصور اسلامی جزء کارخودمسیحیان باشد مخصوصاً نسبت بپنج قرن‌که از آغاز ظهور اسلام تا تاریخ پیدایش این هنرستانیکه ما درصدد وصف آنیم میگذردچنین شباهت پدیداراست چنانکه تاجهای نورودوائری که اطراف‌سراشخاص را احاطه نموده‌وازکشیدگی بینی بخطی واضح ازرنك وروش معمولی ساده‌که‌زینت اشجار وپوشش زربفت‌اشخاص وآرایش گلها وشکوفه درآن انجام‌گرفته وشاخه‌های درختان وملائکه و فرشتگانی که دارای بالهای‌گشوده میباشند ما تمام این دقایق و نکات‌راباوجهی مشترك بین‌تصاویر مسیحیان معابد شرقی وبین صوری مشاهده مینمائیم که هنرپیشه‌گان هنرستان‌بغداد آنها را طراحی‌نموده وکشیده اند(۲) وشاید که این شباهت وارتباط مربوط بتأثیر دوفن رومی واسلامی بفن دوره ساسانی شود چنانکه ظهورآن بخوبی درصنعت نسجی وپارچه بافی‌های‌آنزمان مشاهده میشود .

مشهورتر ازتمامی نقاشان وکارکنان این هنرستان «عبدالله بن فضل» بوده که در ۶۱۹ھ(۱۲۲۲م)کتاب مینوشته وآنرانقاشی مینموده و نسخه خطی‌ازکتاب خواص عقاقیر(گیاهها) از اثر اوست که ازآن صوری چند در کلکسین (مجموعه) دکتر سار (Sarre) در برلن ودکتر مارتن (Martin) دراستوکهلم وجود دارد (۳)

تأثیرفن بیزنطی (رومی) در صور اشخاص این تصاویر بلباسهای‌گشاد وآرایش

---

۱ — مراجعه بتابلوی ۴ شکل ۶ و ۷

۲— مراجعه بدوتابلوی ۷و۸ از Arnold:Painting in Islam بین دوصفحه ۶۴ و ۶۵

۳ — مراجعه شود به Migean : Manuel d' Art Musulman ص ۱۲۶

گل و بوته نباتی آن پدیدار است که این صور بفروع نباتی و شاخه ها پوشیده شده و اوراق کهنه وغبار آلود این کتب خطی هم اکنون درموزه های دنیا و کلکسیونهای فنی اروپا وامریکا موجود است چنانکه از آنها یکی درموزه متروپولیتان نیویورك وجود دارد ودر آن صورت طبیبی راکشیده که دوا برای رفع سرفه بیماری تهیه نموده ودر تصاویر مزبور رنگهای ششگانه سبز ـ کبود ـ سرخ ـ زرد وغیره بکاررفته وتاولاوچین لباس در آن مرتب ودور ازطبیعت است بطوریکه این کیفیت درحدود خود نوعی از موضوع آرایش وزینت گردیده (۱) وازاین نسخه خطی صورت دیگری است که در موزه (لوور) موجود است و در آن نیز طبیبی را نشان میدهد که تهیه دوا مینماید .

یحیی بن محمود بن یحیی بن حسن واسطی درسال ٦٣٤هجری(١٢٣٧م) نسخه‌ای از مقامات حریری را نگاشته که در آن زیاده ازصد تصویر کشیده شده (۲) و در آن نوادرابی‌زید سروجی وحیل بدیع اورا نشان داده ومثل میزند واین‌نسخه‌هم اکنون درکتابخانه ملی پاریس است که آنرا شیفر (Schefer) مستشرق بکتابخانه مزبور تقدیم و اهدا نموده وتمام این صوراسناد ومدارك قسمتی از زندگانی ونظام اجتماعی این دوره وعصراست (۳)

مابین آنان دوصورت کشیده شده که موکب عروس را درهودج ومحملی بشتر بسته وسوارها آنهارا مشایعت و پیروی مینمایند وآنان پرچم‌هائی بدست گرفته وطبل زده وآلات موسیقی وساز مینوازند(٤) ونیزمابین بسیاری از این صور وتصاویری که موزه ملی مصر درديوار یکی ازگرمابه های دوره خلفای فاطمی کشف نموده شباهت وقرابتی زیاد است و این شباهت و بهمنزدیکی آنان غرابتی نخواهد داشت زیراکه سقوط وانقراض سلطنت فاطمیین در٥٦٧ هـ(١١٧١م) اعلام انتقال بسیاری از اساتید هنر وفن‌مصررا ببلاد جزیره (عربستان) نموده وآن وقتی بود که بغداد مرکزبزرگی برای

---

۱ ـ مراجعه شود به Dimond: A Hendbook of Mohamme dan Decorative Arts ص ۱۹

۲ ـ مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes ص ۲۰

۳ مراجعه شود بتابلوهای ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ از Blnchet:Les enluminures des manuscrits

٤ ـ مراجعه شود بالواح شکل ٤ و٦-۷
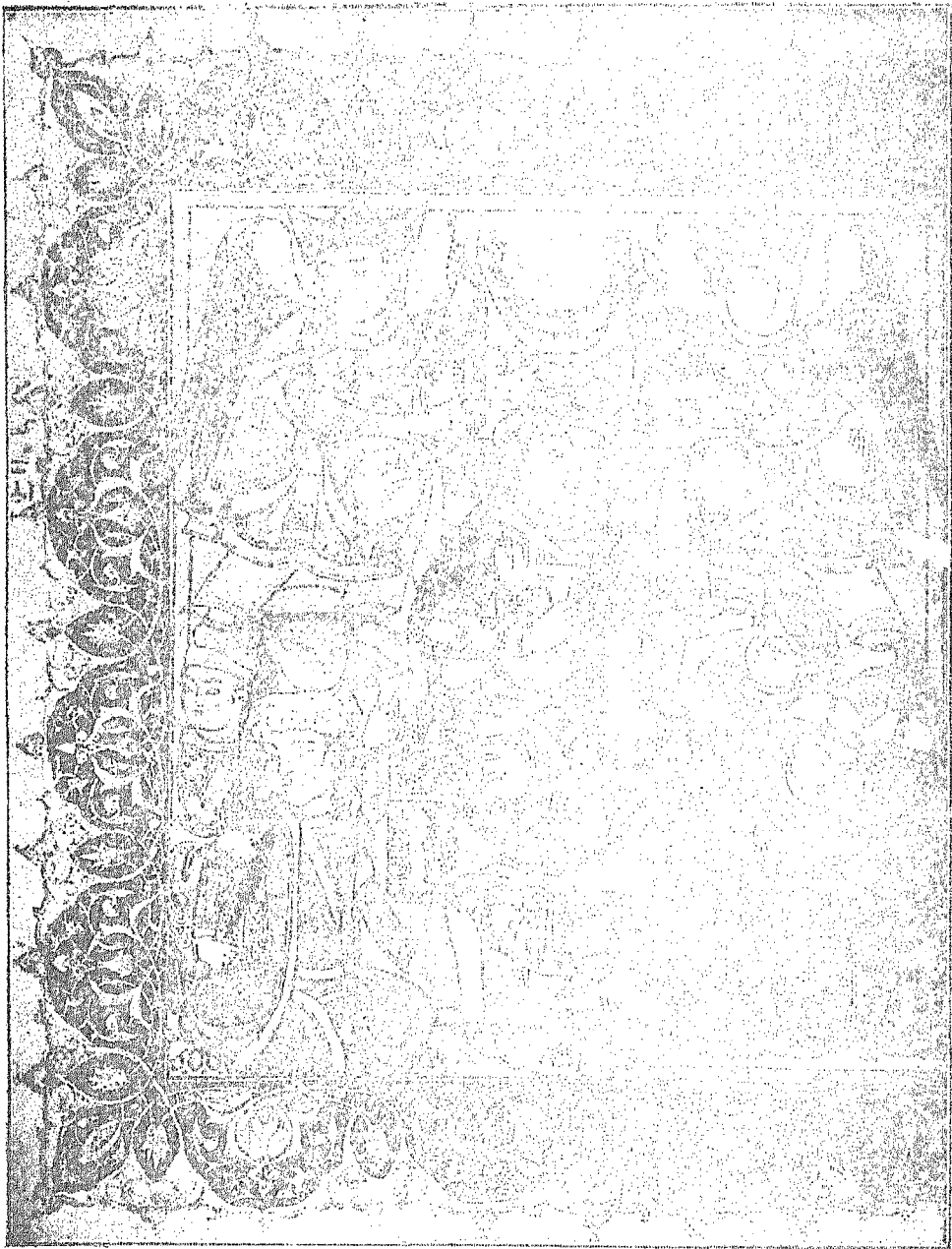
شکل ۸ — امیرعلی بر تخت با نوازندگان هنرستان عراق سال ۷۳۴ هجری از نسخهٔ خطی
مقامات حریری کتابخانه ملی وین

هنر وکتابت گردیده بود ودر آنجا نسخه‌های دیگری از مقامات حریری است که تاریخ آن ازسال ۷۲۳ هجری (۱۳۲۳م) است و آنرا برای عامل خراج دمشق نوشته‌اند و بعضی ازصور اشخاص دراین نسخه ناتمام و رنك آمیزی آنان هم بتمامی انجام نگرفته و از جمله تصاویری است که برای ماطریقه ایرا نشان میدهد که اساتید فنی درطرح ریزی وتحدید واندازه گیری صور آن قبل ازعمل رنك کاری پیروی مینمودند .

درکتابخانه وین نسخه خطی دیگری ازمقامات حریری وجود دارد که جدیدتر از نسخه قبلی است وبر آن امضای (ابوالفضل بن اسحق) دیده میشود تاریخ انجام نگارش آن سال ۷۳۳ ه (۱۳٤٤ م) میباشد وصنعتی در آن شروع شده که سادگی اولیه را از آن برکنار نموده و آندو طریقه تعقید را سیر نموده و میپوید و از بدیعترین صوراین کتاب خطی دوصورت است : اول آن صورتی است که تصویر امیری‌را بروی تخت کشیده ودردست اوجامی برسم شاهان ساسانی دیده میشود ودراطراف اورجال حواشی واطرافیان گرد آمده ودوفرشته اورا با بالهای طلائی پاسبانی میکنند ودرجلو تخت امیر دستهٔ ازسازنده ها و پهلوانان اند که امیررا بشوق و طرب و نشاط و شعف میآورند ، صورت دوم شخصی را نشان میدهد که بدیدن دوست خود آمده وکسالت مزاج اورا ببستر انداخته ولباس وپوشش دیدارکنندگان و اهل خانه و تخت خواب مریض بفروع نباتی وشاخه‌ها وگل و بوته وخطوط هندسی آرایش(۱) یافته ودراین نسخه مخطوط نمونه‌ای ازهنروفنون نقاشی آسیای مرکزی تاثیر نموده دانشمندان هنرشناس چنین میاندیشند برخی ازاین تصاویر که نسبت آنرا بهنرستان بغداد میدهند درافغانستان کشیده‌شده و درتحت توجه و عنایت دولت غزنوی بوده که فردوسی شاهنامه خودرا برای آندولت بنظم درآورده و این تصاویر درآنجا نقاشی شده و درغرفه‌ایکه صور ونقوش آنرا زینت مینمود بعمل آمده ولیکن حقیقت امر آنستکه دراین مورد دلیلی مثبت دیده نمیشود که آنزمان درافغانستان یابخارا یاخیوه وری صوریکه باطرز وروش فنی که بهنرستان بغداد نسبت میدهند ساخته شده باشد زیراکه اثرفن ایرانی درآنموقع در قسمت شرقی دولت شاهنشاهی ایران رواج بوده وهم در وسط و مرکز این کشور این فن را معمول میداشتند علاوه براین ظروف سفالی که بمدرسه ری نسبت میدهند

---

۱ ــ مراجعه بصورت ۱۸ از Kühnel : Miniatu–malerei

دارای نقوشی است که درطرز ساختمان ووضع رنك آمیزی شباهتی زیادرا دارا میباشد بطوریکه در این فصل بیان شد صوری درمجموعه (آلبوم) کتابخانه اسلامبول موجود است که آنرا استاد ساکسیان درکتاب خود ازنقاشی ایرانی نشرداده وتاریخ آنرا به نیمه دوم ازقرن ششم هجری (نصف ۲ ازقرن ۱۲م) مراجعه داده ومدعی است که نقاشی نامبرده از جمله صنایع فنی این هنرستان است که در مشرق ایران ظهور یافته (۱) ولیکن این ادعا باعقیده ورأی بسیاری ازمورخین فنی اسلامی مخالف است ودرحقیقت ممکن نیست که این تصاویررا بدوره قبل ازعصر مغول مراجعه داد(۲)

اثر فنی هنرستان بغداد در بقیه اجزاء کشور پهناور امپراطوری اسلامی مانند سوریه ومصرهم امتداد یافته ودرآنجا اوراقی از نسخه کتاب **الحیل المیکانیکیه جزری** است که آنرا درسال ۷۵۵ھ(۱۳٥٤م) محمدبن محمد بن احمد بن ناصر الدین محمد نوشته که در خدمت ملك صالح صلاح الدین ازممالیك ممتاز شایسته ومشهور مصر بوده وتمامی آن مابین موزه‌ها وکلکسیون آثاری اروپا وامریکا توزیع شده ودرموزه لوور پاریس هم یکی از آنان موجود است که ساعت آبی را نشان میدهد وصورت ساعت را بشکل نیم دایره کشیده و آنرا روی دستگاهی جا داده که درآن جامها و طاوس ها دیده میشود (۳)

خلاصه آنکه تمام مشخصات هنرستان بغداد درتصویراشیاء روی اسلوبی قرار گرفته که ساده وبدون تحمیل یاتکلیف است وبیشترچیزی که تاثیرفن مسیحی شرق را درصنعت وکارآنان نشان میدهد طریقه تصویر اشخاص است که آنرا درباره صورت کشی کشیشها و روحانیین وفلاسفه یونان استعمال مینمودند و هم درآنچه که راجع بتمثال اشخاص وچین وتای لباس ملی آنها است این اسلوب بکاررفته لیکن تاثیرایرانی درطرز آرایش آن آشکاربوده ودرمورد نسبت بین اجزاء مختلفه بدن درتصویراشخاص هم معلوم است .

---

۱ مراجعه شود به A. Sakisian : La Miniature Persane ص ٤ و ما بعد آن و تابلوی ۹ شکل ۱۳

۲ ــ مراجعه شود به B. Cray : Persian : Painting ص ۳٦

۳ ــ مراجعه به تابلوی ۲ وشکل ۳ ومطابق با Stchoukine:Les Miniatures Persanes ص ۳۰تا۳۲

فصل سوم

هنرستان ایرانی و تاتار (مغول)

در فصل گذشته ما ازهنرستان بغداد سخن رانده و گفتیم که آن هنرستانی عربی وایرانی بوده که از نقاشی مسیحیان شرق وفن دوره ساسانی متاثر شده بود هم اکنون دراینجا ازهنرستان ایرانی وتاتار شرح میدهیم که هنرستان مزبور بهترین هنرستانهای سه گانه بوده واین سه دوره برجسته درتاریخ ایران ازقرن هفتم تا۱۲ه (۱۳ م–۱۸م) امتیاز یافته و آن دوره مغول وعصرتیمور وجانشینان او وزمان خاندان صفویه است .

ما میدانیم که دراوایل قرن ۱۳میلادی مغول بایران و بلاد جزیره تاخت وتاز آورده و جنگهای طولانی زیاد نموده وفتوحات دور و دراز وبسیار خودرا باستیلای بغداد منتهی گردانید ٦٥٦ هجری (۱۲٥۸م)

مغولها آسایشگاه خانواده خودرا زمستان در بغداد و تابستان در تبریز قرار داده و درعراق عجم شهری بنام « سلطانیه» درحدود آب پخش کن بین دوشهر زنجان وابهر بنانهادند و این سه شهرعمده مراکزفن وکانون هنرنقاشی دردوره مغول بوده .

ازمشخصات مهمه انواع فنون دراین زمان اثر واضحی ازتعلیمات خاور دور و تقلیداتی است که ازنوع کار وهنرمردم آنحدود شده واین نکته پوشیده نیست که از آغاز قرن اول هجری (۷میلادی) روابط تجارتی بین کشورپهناور چین وامپراطوری اسلامی وجود یافته و از فنون ظریفه و صنایع بدیعه چینی درکشور وسیع اسلامی پیروی و تقلید زیادی بعمل آمده بطوریکه آنها بمهارت چینی‌ها و برتری ایشان درپیشه وهنر مثلها میزدند .

دراینجا تعجبی نیست که بگوئیم جنك مغولها برای تشکیل حکومت امپراطوری باعث ازدیاد عناصر واجزاء هنرچینی درنقاشی فارسی وایرانی شده و روابط محکمی

هم از قدیمترین اوقات بین کشور پهناور پسر آسمان (چین) و مابین میهن مغول در
ترکستان وجود داشته و موقعیکه این مردم کشور ایران را در قرن هفتم هجری (۱۳ میلادی)
گرفتند هموطنان ایشانهم زمام امور و مقالید حکومت چین را بدست آورده ایران هم
جزئی از دولت با عظمت امپراطوری مغول گردید و قلمرو دولت مغولها تا آخرین
نقطه آسیا امتداد یافت .

باوجود این عوامل روابط سیاسی مغول چندان قوی نبوده و طولی نکشید که
دولت ایشان رو بزوال نهاد و موجبات انقراض آن فراهم گردید ولی اثر تجارت و دادوستد
و روابط ادبی ایشان بیشتر دوام یافته مغولها در کشور جدید خود مترجمین و کارگران
و اهل هنر وصنعت و اساتید فنی و حرفت ازمردم چین آورده و اثر هنر و پیشه خاور دور
در این کشور مباشرت یافته و رواج پیدا نمود .

اثر فنی چین درباره نقاشی وصورتگری ایرانی نه تنها منحصر بچیزهائی است که
یرانیان از صنایع و فنون چینی بقرض و عاریت گرفته اند بلکه علاوه براین باعث شناسائی
آنها بچیزهائی شده که بعدها بواسطه آن توانستند دراین هنر ترقی و پیشرفت نمایند
رواقع مینیاتورهای ایرانی (صورتکشی های ریز و کوچك یاظریف کاری) بعداز سقوط
نداد ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ م) مابین ایرانیان ریشه دوانیده چنانکه پیش ازاین تاریخ هم
بن عمل بین آنها وجود داشته علاوه براین صوریکه بهنرستان ایرانی و تاتار نسبت
اده شده چندان زیاد نیست زیرا که زمان مغول (۶۵۶ـ۷۳۵) (۱۲۵۸ـ۱۳۳۵) تمامی
ازیك سلسله حوادث جنك و جهانگیری بوده ، نهایت آنکه در اوایل قرن هشتم
جری (۱۴ م) کتب خطی تاریخی را با تصاویر و نقشه میدان جنك و مجالس بزم و
راب و مناظر صید و شکار آرایش مینمودند .

از جمله چیز هائی که نباید فراموش نمود آنست که فتوحات مغول بهنرستان
داد خاتمه نداده و این هنرستان بعداز آنهم باقی بود باین دلیل که ما ازصنایع فنی
ن هنرستان که آمیخته وممزوج با بعضی ازتقلید های چینی ونقاشی ایرانی است در
زمان از آنها کسب و تقلید نموده و این دوصنعت پهلو بپهلوی یکدیگر ظاهر و آشکار

میشود ، گاهی تنها دریك نسخه خطی تصاویری وجوددارد که طرز صنعت آن قسمتی بغدادی وقسمتی دیگرایرانی تاتاری است .

درکتابخانه (مرگان) نیویورك نسخه خطی ازکتاب (منافع الحیوان) ابن بختیشوع وجود دارد که بفارسی ترجمه شده و دارای ۹۴ صورت است و این نسخه بامر و دستور امیرمغول (غازان خان) (۶۹۵-۷۰۴-۱۲۹۵-۱۳۰۴) صورت عمل بخودگرفته و بین سالهای (۶۹۵-۷۰۰هـ-۱۲۹۵-۱۳۰۰م) انجام یافته بعضی از تصاویر آن با نمونه های چینی نقل شده و یا برقم هنر وران و اساتید چینی است و بیشتر چیزی که این صنعت را نشان داده و آشکار میکند تصویرحیوانات وشکوفه ها و نباتات آن است . (۱)

مسلمانان ازخاور دور تقلید طبیعت وطرز دقت را فراگرفته و در ترسیم اشیاء بطوری که بااصل طبیعت موافقت داشته عمل میکردند وصورنباتاتی راکه آنها ترسیم مینمودند و بفن چینی تاثر یافته یکنوع تقلیدی شده که تمیز و تشخیص آن خیلی مشکل است بلکه مابین این صور و بین طبیعت نزدیکی زیادی بوجود آمده و درختان را بطوری جلوه داده اند که گویا با یاد مداعبه وشوخی مینمایند (۲) .

علاوه براین صنعت نقاشی در دوره مغول بطورکلی بهمان عنایت و توجهی که در دربار خلفای بنی عباس پیدا نموده بود برخورد کرده و با آنچه که بعدها هم در دوره تیموریان و دربار صفویه بآن تلاقی یافته در این عصر نیز بآنها برخورد نمود و مقصود ما در اینجا روگردانیدن از این صنعت یا مهمل گذاردن آن نیست بلکه در صنعت مذکور آثار عجله و شتابزدگی یا سرهم بندی را می بینیم که این صنعت در بیشتر ازتصاویر ایرانی تاتاری وجود دارد و علتش این بوده جنگهای زیادی که این دوره بآنها امتیاز پیدا نموده برای امراوبزرگان وقت ورجال دولت مجال نمیگذاشت

---

۱ — مراجعه شود به Dimand : A Hand Book ص ۲۰ و ۲۱

۲ — مراجعه بمراجع عدیده که در آنها اشاره های زیادی بتاثیر خاور دور در فنون اسلامی شده و استاد گاستون ویت G . wiet در ترجمه آنکه از کتاب البلدان یعقوبی نموده اشاره بتصریحی کرده که استاد پلیو P.Pelliot نشر داده و نیز چیزی راکه دلالت دارد براینکه مولفی چینی که پیش ازسال ۷۶۲ میلادی زندگانی مینموده گوید که صنعت های نساجی و نقاشی و صورت کشی واشیاء طلا ونقره کاری را صنعت گران چینی بمسلمانان در شهر کوفه یادداده اند. ومطابق با P. Pelliot:Artisans chinois, Toung Pao, XXVI, p. 110-111.

که اندیشه خود را مصروف کار های دقیق و ریزه کاریها بنمایند و یا خیال خود را بجزئیات هر کاری متوجه کنندکه وقت زیادی بگیرد و کاری بدقت انجام پذیرد .

بنا براین از تصاویر هنرستان ایرانی تاتار چیزی که مورخین فنی اسلامی را بیشترمتوجه نموده وبشگفت میآورد همان طرزاسلوب وروش واستحکام قلم وغرابت اشکال آن‌است و اعجاب اینها بیشتردر دقت صناعت یا توجهی است که درباره کشیدن تصاویر بکار رفته .

وزیر کبیر ومورخ مشهور «رشیدالدین» (٦٤٥_٧١٨__١٢٤٧__١٣١٨) درتبریز بنگاه دانشی وهنری ساخته و ترتیب دادکه آنرا بنام خود نامیده ودرآنجا بسیاری ازخوشنویسها و نقاشان و اساتید پیشه وهنر را برای تدوین مؤلفات تاریخی وطبیعی خود ونقاشی تصویرآنمؤلفات استخدام نمود .

مهمترین چیزی‌که ازتصاویر بما رسیده وجزع نقاشی منسوب بهنرستان ایرانی وتاتارا ست . صورتهای‌نسخه‌خطی‌کتاب «جامع‌التواریخ» وزیررشیدالدین است(۱)که تاریخ آن مربوط بسال۷۱٤هجری (۱۳۱٤) میشود وجزئی ازآن اکنون درکتابخانه انجمن‌آسیائی دولتی لندن بایگانی شده‌وجزء دیگرش درکتابخانه دانشگاه «ادنبرا» میباشد و تصاویر این نسخه مانند صوری است که ما در سایر نسخه های خطی جامع التواریخ رشید الدین می بینیم که تمثالها و صور حوادث و اتفاقات انجیل و زندگانی بودا و سیرت نبوی(ص) وتاریخ چین وامپراطوری اسلامی را نشان میدهد وظاهراً چیزی‌که اسباب تمیز وتشخیص این صور است اثر روشن چینی‌آن است که در ترسیم مناظر طبیعی دیده میشود و شکل و قیافه مغولی است که در رسم بیشتر اشخاص نمودار است و این نسخه اهمیتی زیاد دارد زیراکه ما در بسیاری ازتصاویر آن عوامل اجنبی و نمونه های صنعتی بیگانگان‌را مشاهده میکنیم که فن ایرانی آنرا ازخاوردور گرفته و ازآنهائی است که‌بعدها هم آنرا هضم ننموده(۲) و اثر آن

۱- مراجعه شود به Introduction à l'Histoite des Mongols des Fadl Allah Rashid Ed-Din par E. Blochet و T. Arnold : Painting in Islam ص ٦٤-٧٥

۲- مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray : Parsian Miniature Painting ص ٣٤ و ٤٤ و٤٦ و تابلو های از ۱۸ تا ۲۳

مابین آثار فنی و هنر ایرانی نمودار است(۱)

یکی از صور این نسخه خطی تصویر مبارك حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام و صورت حضرت حمزه عموی پیغمبر ص است که سواره برای جهاد بامشرکین و کفار میروند و بیشتر پیشروی و تقلید از فن هنرستان بغداد در این صور غلبه یافته چنانکه قیافه و سیمای اشخاص آن عربی و اسبهای ایشان لاغر کشیده شده و با اسبهای مغول و سواران آن تفاوتی زیاد دارد .(۱)

در واقع صفحات صور مزبوره بمنزله میدانی است که در آن تقلید خاور دور و هنرستان بغداد و فنون و هنر دیگری که در آنها مؤثر گردیده جمع آوری شده .

در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی دیگری از جامع التواریخ رشیدی موجود است که بیشتر گمان میرود کتاب مزبور را در تبریز بین سالیان (۷۱۰-۷۱۵) (۱۳۱۰-۱۳۱۵) نوشته و نقاشی نموده‌اند و مابین تصاویر آن صورتی است که تصویر جمعی مغولها را در آن کشیده و در رأس ایشان هلاکو قرار گرفته که بغداد را محاصره میکند و در دیگری صورت مستعصم آخرین خلفای عباسی کشیده شده است که از شط دجله عبور مینماید تا اینکه هلاکو را بعد از سقوط بغداد ملاقات نماید (٦٥٦) سومین صورت چنگیز خان است که بین زنان خود و رجال درباری قرار گرفته و جلو او دو پسرش هستند که خم شده و مراسم تعظیم و احترامات لازمه را بجا میآورند .

در تمامی تصویر این کتاب خطی اثر نقاشی چینی که حاکی از آثار طبیعت است آشکارا و نمودار است و در رسم حیوانات موهوم و خیالی و افسانه های چینی و چهره و قیافه که ایرانیان از چین بشکل تقلیدی و صنعتی آن نقل نموده‌اند بدون اینکه خود را در مشاهده قیافه و هیئت و طرز کشیدن صورت و رسم منظره حقیقی آن بزحمت و مشقت انداخته باشند.(۲)

ازجمله چیزی که درصنایع کتب خطی بکتاب جامع التواریخ رشیدالدین شبیه است نسخه شاهنامه ایست که زمان آن راجع به نیمه اول قرن هفتم هجری (۱٤ م)

---

۱ - مراجعه به Künhel MiniaturMalereì تابلوی ٢٤ از

۲- مراجعه به Migeon : Manuel ج۱ص ۱۳۲ وملاحظه تابلوی ۸ دو شکل ۱۱ و ۱۲

میشود پیش از این نسخه نامبرده در امسیو دیموت(Mr. Demotte) مالك بوده و پس از آن برگهای این کتاب ازهم پاشیده و پراکنده شده و از آن اوراق هم اکنون درموزه لوور وکلکسیون های آثاری اروپا وامریکا موجود است تصاویر این شاهنامه بحجمی بزرك در صفحاتی بلند کشیده شده و شاید قدیمی ترین اثری باشد که از تصویر کشی و نقاشی این کتاب شناخته میشود و ازجمله مشخصات آن وجود عوامل فارسی وچینی ومغولی است که درکتاب مذکور هرکدام بهلو بپهلوی یکدیگر قرارگرفته .

در موزه لوور پاریس سه قطعه از این صورتها است که اولی تصویر سپاه و نیروی ایرانیان را نشان میدهد که شاه کابل را رانده و شکست داده اند و شاه در رأس قشون شکست خورده خود قرارگرفته و سردار سپاه ایران فرامرز پسر رستم است که خودی ازطلا بسر نهاده ودردست‌او حربه ایست که آنرا ببالا برده و میخواهد بسر شاه‌کابل بزندکه در جلو بحالت فرار است(۱). در تصویردوم صورت اسکندر کشیده شده که روی تخت نشسته ورجال درباری اطراف اوراگرفته وبدوره سروی دائرهٔ از نور یا هاله احاطه نموده واین طرز تصویر به پاکدامنی و جلالت و تقدیس مقام و مرتبت او دلالت دارد چنانکه تاجهای نور در اطراف سرکشیشها و قدیسین وپیشوایان مذهبی دراعورصورت‌کشی ونقاشی مسیحی(۲) هم دلیل این نکته است و اینگونه تاجها درفن نقاشی اسلامی برای ابراز اهمیت اشخاص و عظمت مقام ایشان بوده و فقط برای اظهار این مقصود بکار میرود .(۳)

تصویر سوم نمـاینده صورت اسکندر است که در جلو درختی ایـستاده و بـا پرندگان حرف میزند و در پشت سر وی جلودار اوست که لگام اسب و استر را بدست گرفته(٤)

ما دراین تصاویر نمونه‌هائی را هی‌بینیم که ایرانیان ازچین در هرصورت‌کشی و نقاشی اخذ و اقتباس نموده اند و طرز لباس اشخاص خود های مغولی که در سر دارند بخوبی در آنها مشاهده میشود .

---

۱ — تابلوی ۷ شکل ۱۰
۲ — تابلوی ٦ شکل ۹
۳ — مراجعه شود به: Kühnel : Islamische Kleinkuns ص ٤
٤ — مراجعه شود به Stchoukine : Les Miniatures Persanes

شکل ۹ـ اسکندر برتخت ، هنرستان ایرانی وتاتار، اوایل قرن هشتم هجری نسخه ازشاهنامه اوور

تابلوی ۷

شکل ۱۰ جنگ فرامرز باشاه کابل ــ هنرستان ایران وتاتار اوایل قرن۸ هجری شاهنامه لوور

شکل ۱۱ غازان‌خان با بانوان اوائل قرن ۸ هجری

شکل ۱۲ او کتاقآن با فرزندان خود اوایل قرن۸هجری نسخه
خطی تاریخ رشیدالدین– کتابخانه ملی پاریس– ساکسیان
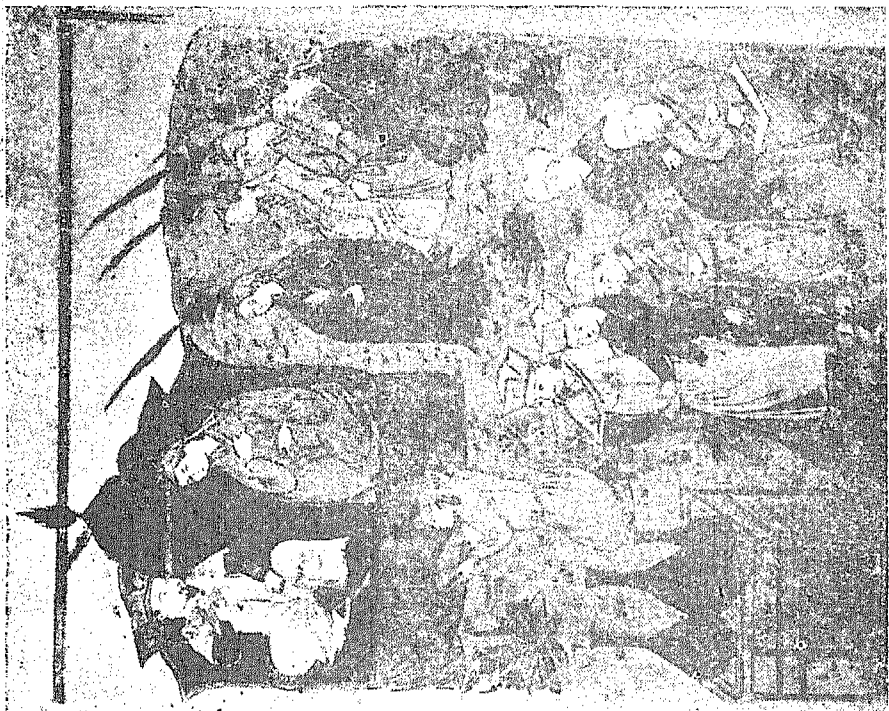
شکل ۱۳ — از کلیله ودمنه . در بالا سگی است که طعمه خود را ازدست داده تاآنرا
از صورت خود که درآب است بگیرد — در زیر شیری است که گاورا می‌دراند
درکتابخانهٔ یلدوز استانبول قرن هشتم هجری_ از صاکسیان

در کتابخانه ملی پاریس نسخه خطی از تاریخ مغول علاء الدین جوینی موجود است که در سال ۶۸۹ (۱۲۹۰) نوشته شده و بر آن فقط یك صفحه تصویر کشیده که مولف نسخه از کتاب خودرا به «ارغون خان مغول» تقدیم مینماید (۱)

و نیز در آن کتابخانه نسخه های خطی چندی از تاریخ طبری و نسخه از کتاب شاهنامه است که استاد شولتز(Schultz) دارای آن بوده و در تمامی صوری است که صنعت آنان بابسیاری از آنچه که ما دراین فصل از آن سخن میرانیم تفاوتی ندارد

خلاصه کلام آنکه مغول علی رغم چیز های که از خرابی و تدمیر و عادت و کشتار و ویرانی و ادبار داشته و رهین آن شده و بآن اوصاف معروف گردیده اند بدین وصف نیز آنها خود را معرفی نموده اند کـه چگونه از ارباب هنر و صنعتگران قدردانی کرده و به پیشه و هنر ایشان اهمیت میدادند و غرابتی ندارد که ما در مصادر تاریخی میخوانیم چگونه آنها شهرها را خراب نموده واز میان مردم آن جز اساتید فنی و ارباب پیشه وهنر کسی را باقی نمیگذاشتند هنرپیشه گانی که فنون اسلامی بوجود ایشان مفتخر شده وتاثیری عجیب پیدا نموده مخصوصاً نمونه کارهای ایشان از نقاشی و پیشه ظروف سفالی و کاشی کاری است که هنوز درسلطان آباد (سلطانیه) موجود است جزو مفاخر آن عصر میباشد .

علاوه براین مصادر و مراجعات تاریخی بما خبر میدهد اول چیزی که ایرانیان از کار هنرپیشه گان کشور چین شناخته و بدان پی برده اند در دوره سامانیان بوده و آن موقعی است که « امیرنصر بن احمد » رودکی شاعر مشهور ایرانی را امرفرمود که کتاب کلیله ودمنه باترجمه فارسی بنظم درآورد سپس نقاشانی را از چین خواست تاکتاب نامبرده را برسوم ونقش ونگارهای توضیحی برای آشکارنمودن مطالب متن کتاب آرایش دهند ولی این یك عملی منحصر بفرد بوده وتاثیرفنون نقاشی وآرایش گری خاور دور بطور واضح و آشکار درفنون ایرانی و صورتکشی آن جز دردوره سلطنت مغول جلوه وظهور ننموده (۲)

---

۱ ــ مراجعه شود به Blochet : Les écoles de peinture en Perse در شماره ژوئیه واوت ۱۹۰۵ Revue archéologiqoe ص ۱۲۵ و ۰۰ Migeon:Manuel ج ۱ ص ۱۳۹

۱ ــ مراجعه شود به Arnold : Painting in Islam ص ۶۵ ــ ۶۶

فصل چهارم

عصر تیمور و جانشینان او

دوره تیمور و جانشینانش از برجسته ترین ادوار عصر نقاشی ایران است و آمدن این فاتح ترکستانی و گرفتن او سمرقند را جهت پایتخت خود ازسال (۷۷۲ـ ۱۳۷۰ م) آغاز آرامش نسبی ایران است که بعد ها این امر باعث پیشرفت و ترقی کشور شده و دوره پسر وجانشین او « شاهرخ » بآن شناخته میشود و این آرامش وسکون را مدت زمانی بودکه‌کشور ایران بخود ندیده بود .

تیمور باوجود بیرحمی وسنگدلی‌که داشت معذلك دوستدارهنر و ادب بوده و عشق زیادی بخواندن اشعار حافظ و نظامی داشت ، او باجانشینانش از بزرگترین مشوق اساتید فنی و هنرپیشه‌گان و حکما وادبا بشمار رفته‌اند .

دوره های‌گذشته نیز برای این‌زمان زمینه را حاضرومهیا نموده بود درحقیقت آنها یکنوع مقدمه‌ای بوده‌که درآن مراحل اقتباس وانتخاب و تاثیر زیادی در هنر وفنون بعمل‌آمده وبرای‌دوره تیمور وجانشینان او مقدور شدکه تا پایه وحدی اعلی طراز و روش ایرانی با دوام و استواری را بوجودآورند وآنچه راکه ایران از هنر و صنعت خاور دورکسب نموده بوده بی نیاز شده و اندوخته های پیشین جزء اصلی و اساسی این فن قرارگیرد .

در مصادر تاریخی نگاشته شده که تیمور لنك خواست در سمرقند پایتخت کشور پهناور خود بقدر امکان از اساتید و صنعتگران زبردست و توانا جمع آوری نموده و از وجودآنها استفاده نماید لذا درآنجا صدها نقاش و صورتگر وهنرپیشه‌ها از بغداد وتبریز ودیگرجاها ازشهرستانهای متصرفی خودگردآورده و با این وصف بغداد و تبریزکانون هنر و فنون و مرکز اجتماع اساتید فنی و اهل هنر گردید و

صنعت نقاشی و صورت کشی و فنون مربوطه بآن در ایندو جا رواجی تمام گرفته و پیشرفت زیاد نمود .

اگرچه تاریخ برای ما نام نقاش معروف و شهیر بغدادی « عبدالعلی » را ضبط نموده که دردربار سمرقند بوده ولی ظن غالب بر آن است که سمرقند در دوره تیمور بموقعیت ومقام بزرگی که هرات دراوایل قرن ۱۵۰۰ میلادی دردوره شاهرخ وجانشینان او رسید این شهر بآن مرتبه ومقام نرسیده بود .

ممکن است که اکنون نزد ما کتابهای خطی مصور سمرقند مربوط به دوره تیمورلنك وجودنداشته باشد ولیکن درکتابخانه ملی پاریس رساله‌ای خطی‌وجوددارد که آن را بمدرسه تیمور نسبت میدهند و آن رساله ایست در علم نجوم که در سمرقند نیمه اول قرن ۱۵ برای کتابخانه « اولغ بیك » پسر شاهرخ و حاکم قسمت ماوراء النهر ازسال ۸۱۲ـ۱۴۰۹ تا۸۴۹ـ۱۴۸۶ نوشته شده ، این امیرزاده درسمرقند رصدخانه مشهوری ساخته که درآنجا عده‌ای از بزرگان که درعلم نجوم‌مشغول بودند جمع آوری نموده وتمرکز داده بود (۱)

درموزه متروپولیتان نیویورك نسخه خطی نجومی دیگری وجود دارد که به پنجاه صورت از تصاویر بروج و ستارگان مزین شده ومرجحاتی‌که در پوشش لباس اشخاص و تفاصیل صنعتی دارد آن است کـه این پنج نسخه نیز در سمرقند زمان الغ بیك نوشته شده (۲)

علاوه براین‌دونسخه خطی درموزه بریطانیا وجود داردکه زمان‌آندوراجع بعصرخود تیمور بوده ورشته‌ارتباط بین مدرسه ایرانی وتاتار وبین هنرستان‌تیموریان را بخوبی نشان میدهند : اول این نسخه ـ دیوان قصائد و اشعار خواجوی کرمانی است که درآن علاقه وعشق ورزی ایرانی را بهمایون دختر امپراطور چین‌شرح داده وصورت‌آن را کشیده (۳)

---

۱ ــ مراجعه شود به Blochet : Musulman Painting ج ۱ ص ۱۵٦ و Migeon Manuel از تابلوی ۸۸ تا ۹۳

۲ ــ مراجعه به Dimand : A HandBook ص ۲۷

مربوط به Sakisian ; Le Miniature Persan ص ۳۲ Migeon : Manuel ص ۱۵۲ ج ۱

این نسخه را استادخوشنویس مشهور ایرانی «میرعلی تبریزی» در بغداد سال ۷۹۹ هـ (۱۳۹٦ م) نوشته و بریکی از صورتها امضای استاد ایرانی «جنید سلطانی» است که درخدمت «سلطان احمد» ازامرای خانواده جلایر دربغداد بوده (۱)

نسخه دوم ـ راجع بهمان زمان خود تیمور و شامل چندین قصائد است که از آنجمله تاریخ منظومی‌است که احمد تبریزی‌درچندباب راجع بفتوحات‌چنگیزخان نگاشته و درتصاویر این دو نسخه بسیاری از اوصاف آرایشی و تزیینی است که بعداً ازمشخصات‌مدرسه هرات درقرن نهم هجری(۱۵ م) شده ودرضمن آن صورت‌درختان رسا ونظرگاههای طبیعی است که در بین آنان کوهها وتپه‌ها بوده و بشکل اسفنجی (ابر) آنانرا ترسیم نموده و نباتات ریز ریزی است که آرایش و زینت تصویر بآن زیاد شده وبآن روشی خاص و نقشی مخصوص میدهد ودراین تصاویر رنگهای ثابت وتندی بکار رفته‌که تندی وحدت آنرا هیچگونه‌گردش روزگار وتغییرات زمان بهم نمیکشند و تمام اینها مابه‌الامتیاز وماده تفاوت وتفرقه بین تصاویر این دونسخه وبین صوراولیه‌درقرون ۷و۸ هجری است (قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱٤ میلادی) .

بااین‌وصف بهتر آن است که ماتصاویراین دونسخه خطی‌را بهیچیك‌ازهنرستان تیموری نسبت ندهیم زیراکه هنرستان تیموری در واقع متمثل بآخرین دوره تطور هنرستان تاتاری‌گردیده وبنابراین دوره مغول تا اوایل قرن ۹هجری (۱۵ م) امتداد مییابد و خانواده جلایر دسته‌ای از مغول بودندکه در عراق عرب حکومت نموده و بغدادرا برای خود پایتخت قرار داده و این شهررا درتمام طول قرن۸هجری (۱٤) و قسمتی‌ازقرن۹ (۱۵)شهری مغولی گردانیدند و این عمل علی‌رغم استیلاء تیمور بر آن شهر در۷۹۵ هـ (۱۳۹۳ م) بوده .

مصادرتاریخی‌نشان میدهد که‌سلطان‌اویس آخرین‌ملوك خاندان جلایرازجمله ملوکی بوده‌که فن نقاشی را اصلاحات زیاد نموده و درآن موفقیتی زیاد پیدا کرده س اشتباهی‌که بین این‌صور وبین‌تصاویرتیموری پیدا شده راجع بآن خواهد شدکه که اولی بدیگری مشابه ومتمثل شده و چنانکه ما قبلا متذکرشدیم واین‌خود حلقه

٤ـ مراجعه شود به‌تابلو های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲

شکل ۱۵ منظره باغ از نسخه خطی منظومه خواجوی کرمانی موزه بریتانیا — مارتن
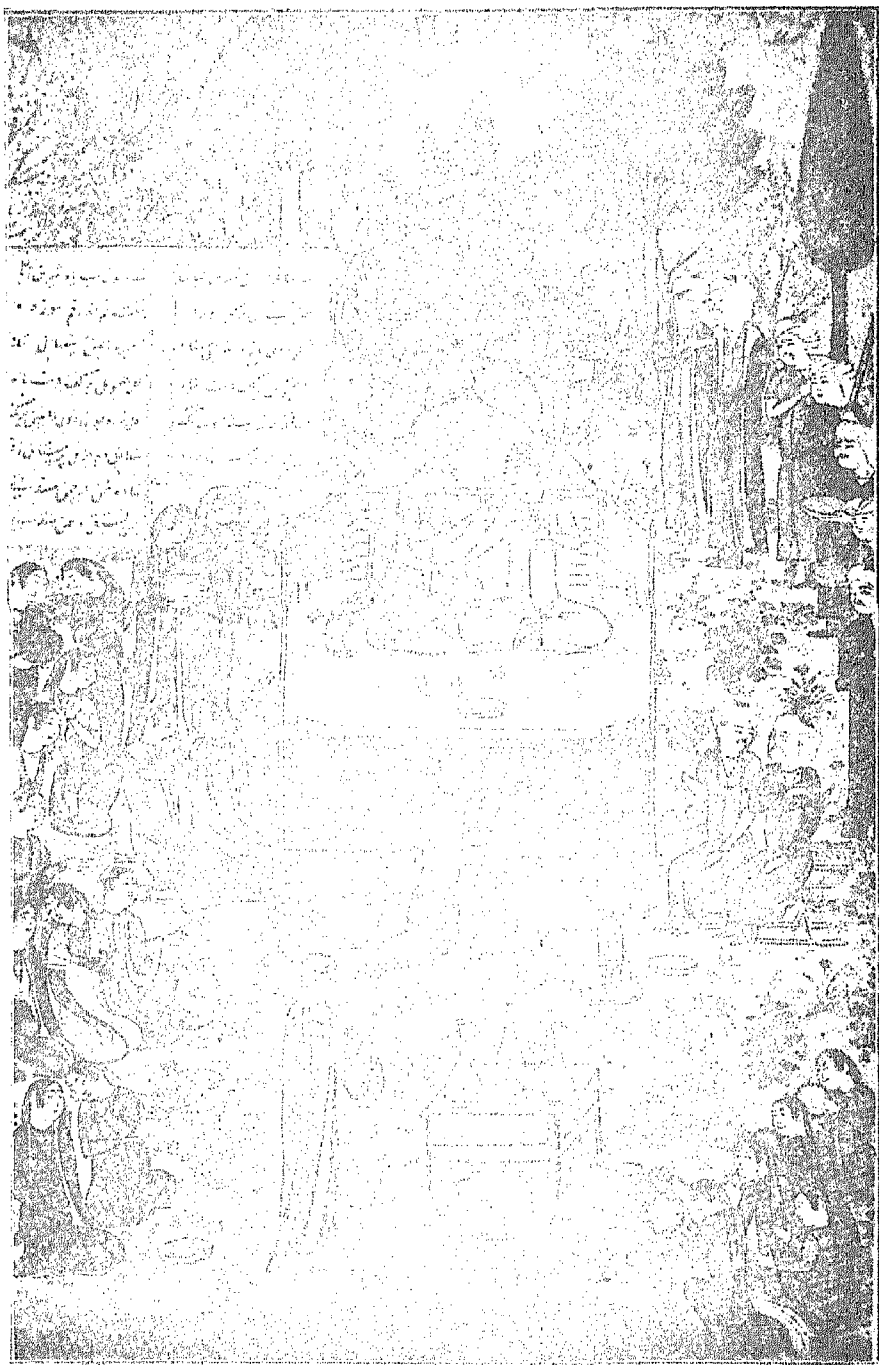
شکل ۵۱ نمایشگاه در باغ

از نسخهٔ خطی منظومات خواجوی کرمانی در موزهٔ بریتانیا مورخ ۷۹۹ هجری از هاوتن
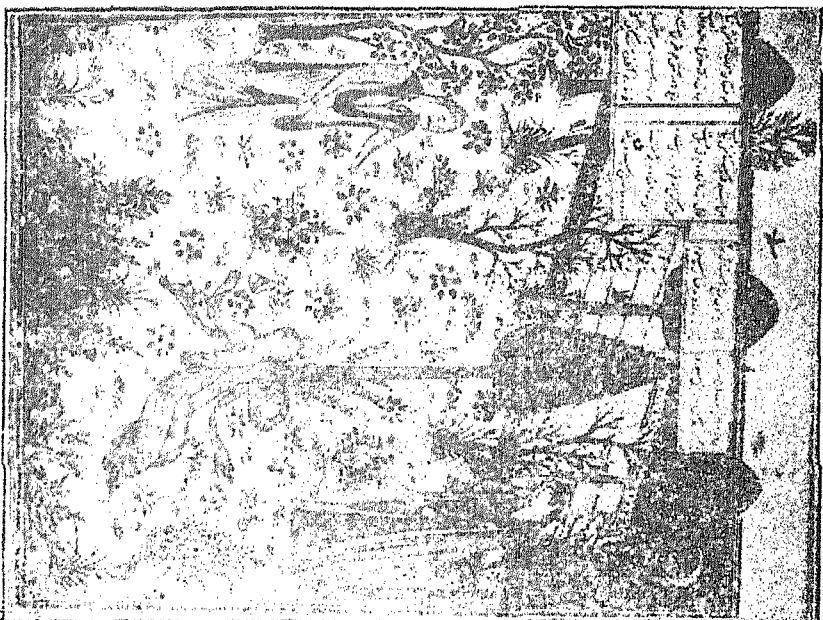
شکل ۱۶ــ دوسوار ودو اسب که بایکدیگر میجنگند
از منصور جنید نقاش در بغداد سال ۷۹۹ ه

منظره باغ . از نسخه خطی منظومات خواجوی کرمانی
در موزه بریتانیا
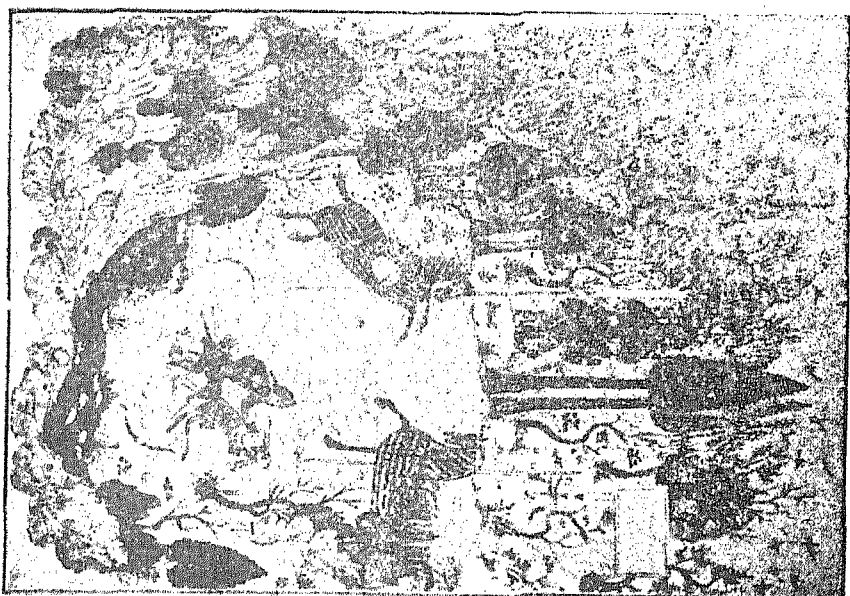
پیوستگی و اتصال بین هنرستان ایرانی تاتاری و بین مدارس تیموری شده و درحقیقت خود تیمور گذشته ازعشق وعلاقه ایکه بفنون جمیله وهنرهای زیبا داشته شخصاً در ایجـاد و پیدایش طراز تصویری که مابنام او نسبت میدهیم مباشرت ننموده خلاصه آنکه تیمور چندان عامل قوی دراین هنر نبوده که این دوره بنام او تمام شده و پیشرفت و رشد طبیعی که برای هنر نقاشی در قرن ۸ (۱٤) روی داده این فاتح را دستی زیاد در آن نبوده بلکه نامگذاری عادلانه آن رعایت و توجهی عالی بود که شامل احوال خلفاء وجانشینان تیمور میگردد که از نقاشان وصنعت نقاشی بعمل آمده .

درکتابخانه ملی مصر نسخهٔ از شاهنامه فردوسی وجود دارد که آنرا لطف‌الله بن یحیی بن محمد درشیراز سال ۷٦٦ ه (۱۳۹۳ م) نوشته و در آن صفحه‌ای تذهیب شده و رنگین ترتیب داده‌اند که ٦۷صورت کوچك‌را داراست ودرصنعت وطرز نقاشی مناظرطبیعی وپوششها وشکل وشباهت به‌نسخه خطی کلیله ودمنه‌ای‌شبیه و مانند است که اکنون آن نسخه درکتابخانه ملی پاریس موجود است .(۱)

در مجموعه مستر شستربیتی (ChesterBeatty) شاهنامه دیگری بوده که در سال۸۰۱ ه درشیراز نوشته شده (۱۳۹۷ م)وحالیه درضمن يك‌مجلد باجزئی ازنسخه خطی دیگردرموزه بریطانیا مضبوط است وآن‌شامل چندقصیده ونظم بطرزواسلوب وروش‌کتاب شاهنامه میشود وتصاویر این دونسخه درصنعت و اصول فنی دقیق‌تر از صور موجوده در شاهنامه کتابخانه ملی مصر بوده و تناسب رنگهـای آن زیادتر و رسمهای آن تازگی وتنوعی فراوان دارد .

خلاصه کلام آنکه مجموعه نسخه های خطی که در آخر قرن هشتم هجری (دەسال‌های آخرازقرن۱٤م) نوشته شده برای آن مشخصاتی‌است که نباید آنهارا حقیر شمرده و خوار گرفت یابنظر بی اعتنائی بآنان نگاه نمود چونانکه درآنان رنگهـائی تابنده و درخشان‌دیده میشود که‌مناظر باغات‌وگلها وبهاررا نشان میدهد واین مشخصات بعدازآن ازخصایص ومميزات هنروفن ایرانی گردیده واساتیدفنی دراین‌مورد بایجاد تناسبی شایسته رسیده وبنگارش صوری‌زیبا جهت اشخاص وتوافق وسازشی پسندیدهٔ

۱- مراجعه‌شود به: Binyon, Wilkinsno&Grey : Persian Miniature Painting ص ٦۲ (٦)

ومطلوب بین موضوع نسخه کتاب و بین صورتهای مینیاتوری وتصاویر کوچك مبادرت نموده‌اند ودربعضی ازاین صور رسوم ونقشه‌هائی است که برای منسوجات (پارچه‌ها) وقالیچه وجانمازها تدارك شده ولیکن از آنها چیزی بدست مارسیده است وبزرگترین مزایا وبرتری دراینمورد نسبت بتوجه وپیشرفت نقاشی ایرانی مربوط بامرای خانواده جلایر شده و راجع بآنها میگردد .

هنرستان هرات

علاوه براینکه نقاشی ایرانی بعصرطلائی دوره جانشینان تیمور : پسرانش شاهرخ ونواده‌های وی : بایسنقر- ابراهیم سلطان واسکندر بن عمرشیخ پیوسته میشود جای تعجب وشگفت نیست که در زمان ایشان وحدتی بانیرو و تکاملی قوی بوجود آمده که نقاشی روح ایرانیگری بخود گرفته وبطوری خودرا نشان میدهد که کشف نمونه‌ها وعوامل اجنبی درآن خیلی دشوار ومشکل است !

آئین سیاست دولت امپراطوری تیمورلنك بایجاد وتاسیس هنرستان های فنی چندی اقتضا نمود ودرعین اینکه او درپایتخت دولت امپراطوری خود مشغول باداره نمودن امورکل کشورپهناورخویش بوداینگونه هنر وفنون را نیزرواج ورونق میداد . در نواحی مختلفه هم امرائی بودند که حکومت کرده و قلمرو فرمانفرمائی خود را شبیه‌ترین چیز بکشورهای متحده مینمودند چنانکه هرامیر از خود درباری داشته و دربعضی احوال نظام وراثی امورحکومتی وفرمانفرمائی همانطور بود که درپایتخت کشور پهناور امپراطوری اجرا وپیروی میشد .

مثلا می بینیم که شاهرخ در دوره زندگانی پدرش تیمور لنك حاکم خراسان بوده وچون او وفات یافت پسرش جانشین وی شده اونیز درخراسان اقامت گزیده و هرات را پایتخت کشور خود نمود حکومت نواحی ماوراء النهر که سمرقند مرکز آن بود بالغ بیك داده وابراهیم سلطان را حاکم شیراز وحدود فارس نمود .

شاهرخ پادشاهی بزرگوارورشید وباوقار بوده وکشورایران دردوره شاهی او بآرامش و امنیت گذرانیده و شهرهرات مرکزی مهم ازبرای پیشه‌وهنر نقاشی گردید واین پادشاه درآنجا کتابخانه مهمی تأسیس نمود .

موقعی که پسرش بایسنقر حکومت عمومی قسمت هرات گردید او هم کتابخانه دیگری باهنرستان و دارالفنون از برای ترویج و تکثیر پیشه وهنر ترتیب داده و در آنجا نقاشان و تذهیب کارها و خوشنویسان وجلدسازهای زبر دست و سرآمدی را جمع‌آوری نمود واین بنگاه هنری کارهای مهمی را بنوبت خود درعمل نقاشی و کار تذهیب‌انجام داداساتید مذکور کسانی بودند که ازشیراز وتبریزوسمرقند بهرات آمده و درانجام انتقال و تمرکزپیدا نمودند روابط ایران باکشور های خاور دور ازجهت استوارنمودن بنای دوستی و ارتباط هیچگاه وزمان بآن پایه نرسیده بود که در دوره شاهرخ رسیده زیراکه در این دوره هیئت ها و مأمورین علمی و فنی اعزامی مابین ایران وممالك خاور دور آمد و شد نموده و مبادله میشدند و شاید این امر مربوط بتغییردوخانواده ای باشد که درآندوره حکومت مینمودند .

پس همانطور که حکومت مغول ایران‌دراواخرقرن هشتم هجری (١٤ م) بانتها و پایان رسید در همین بین حکومت خاندان یوان (Yuan) مغولی خاتمه پدیرفت ١٢٨٠ م -- ١٢٦٧ م وبجای آنها خانزاده منگ (Ming) (١٣٦٨ م -- ١٦٤٦ جانشین ایشان گردید .

ازجمله چیزی که بیشتر جلب‌نظر میکندآن‌است که بایسنقربایکی ازاین هیئت اعزامی علمی که بچین سفرکرده ٧٢٣- (١٤٢٠) نقاشی‌راکه نام او «غیاث‌الدین» بود همراه نموده واورا مکلف ومأمور داشته که هرچه را از آثار بدیعه درراه وخط سیر خود می‌بیند صورت‌آن راکشیده وچگونگی آنرا شرح ووصف دهد .

غیاث‌الدین این‌مأموریت‌را انجام داده وتوصیف‌عمل اوراکمال‌الدین عبدالرزاق درکتاب « مطلع السعدین » خود که آنرا مستشرق معروف کاترمیر « Quatremère » بفرانسه ترجمه نموده ونقل وحکایت کرده ، بعید نیست که غیاث‌الدین موقع برگشتن خود ازآنجا بعضی ازاستادان فنی وسرامدان چینی‌را یابرخی ازکارها ونمونه‌عملیات

و هنر ایشان را باخود بهمراه آورده باشد(۱) در هرصورت نقش و رسم چینی وهنر صورتگری آنان درایران معروفیتی تمام یافته امراء و رجال فنی از آن تقدیرها کرده ودرپی این کوششها مینمودند و در جمع آن اصرار داشتند و برای این فن تاثیری زیاد بوده که کشف و ایضاح وتمیز و تشخیص آن برای ما بی اندازه مشکل است ولیکن وقتی که ما آنرا دردست گرفته ومشاهده نمودیم ودرباره وجود آن قطع پیدا کردیم خواهیم دید دقت ومراقبتی راکه صنعت تصویر ونقاشی بدان نائل گردیده ودرهنرستان هرات بوده علاوه براین بعضی از صورکه بنظرما رسیده دیده ایم که در آنها عوامل چینی و ایرانی دوش بدوش یکدیگر قرارگرفته ولیکن باهم اختلاط و آمیزش یافته ووحدتی قوی وتمام چنانکه درهنرستان تیموری داشته دراینجا ترتیب نداده است .

واضحتر ازتمام صور صورتی است که در آن شاخه درختی ترسیم شده که بر آن گنجشکها نشسته اند و شخص تصورمیکندکه صورت مذکور از مصنوعات عصری منگ(۱) (Ming) درچین است سپس در زیر آن خسرو وشیرین دو عاشق ومعشوق ایرانی بلباس ایرانی و صورت چینی ترسیم شده وبطوری مبهم است که مورخین فنی ازجزم باینکه استاد سازنده این تصاویر ایرانی است که فن وصنعت چینی را تقلید نموده ویا چینی است که از هنروکار ایرانی تقلید کرده عاجزند .(۲)

ولیکن ظاهرترین چیزی که موجب ومسبب تاثیر فارسی درفن دوره تیموری است عمل جلد سازی آن زمان میباشدکه باتصویرحیوانی که بااسلوب فن چینی زینت شده انجام گرفته و ازجمله مشخصات مینیاتور وصورهای کوچك مدرسه هرات ترسیم و نقش سرهای انسانی وحیوان است که برای آرایش در مینیاتورهای ارمنیه با صور کوچکی که استادان ارامنه کشیده‌اند دیده وشناخته میشوندکه تاریخ آن باواخرقرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری مربوط است (اواخرقرن۱۳ و اوایل قرن۱٤ م)

ازجمله صورمهمه ایکه بهنرستان هرات نسبت داده‌اند صورتیست که در موزه

---

۱ – Binyon, Wilkinson& Gray : Persian Miniature Painting ص۵٦-۵۷
نقاش مینیاتور ایرانی

۲ – مراجعه بتابلوی ۱٦ شکل ۱۲

۳ – مراجعه شود بتابلوی ۱۸ دو شکل ۲٤ و ۲۵

هنرهای زیبای پاریس وجود دارد که صورت مزبور رسیدن امیرهمای را بدربارچین نشان داده و تاریخ آن راجع بسال ۸۳٤ ه است (۱٤۳۰ م و درآن صنعتی مخلوط و متناسب از صنعت لطیف و اسلوب ظریف ایرانی و جمال وزیبائی فن چینی در دوره منگ (Ming) ملاحظه میشود .(۱)

علاوه براین اثر آمیزش اسلوب فنی چینی درزمان منك بتقلید فنی ایرانی در تصاویر نسخه خطی « معراج نامه »که اکنون درکتابخانه ملی پاریس محفوظ است مشکل نبوده وبآسانی واضح خواهد شد .

نسخه مذکوردرسال ۸٤۰ هجری (۱٤۳٦ م) درهرات برای شاهرخ نوشته شده وبیشترتصویر آن دارای وضع مربعی شکل وازمتن نسخه خطی جدا ومستقل میباشد ودیده میشود که حضرت پیعمبرصلی‌الله علیه و آله روی براق سوار گردیده وجبرئیل درجلوآن حضرت قرارگرفته و فرشتگان اطراف اورا احاطه کرده ودرآسمانها سیر وگردش میکنند و پیغمبران دیگر بآن حضرت روبرو و مقابل میشوند و در صور فرشتگان ملاحظه میشود که صورتهای ایشان گرد و مستدیر و چشمان آنها کوچك و ریز ومنحرف میباشد وتاثیر شکل وقیافه‌فن چینی را در صورت ازخود نشان میدهد چنانکه تاثیراین فن بفن چینی دراشکال وتقلیدی‌که براین روش ترسیم شده هویدا و ظاهراست بطوریکه ما می‌بینیم درصورت‌حضرت‌رسول ویاران‌اویکنوع طرح زیبائی وظرافت کاریست که نمونه صنعت عربی و ایرانی را ازخود نشان میدهد .

این صورتها روی همرفته جزء هنرهای زیبا بوده که زیاده دلفریب وقشنك‌است ورنگهای فیروزه‌ای وطلائی‌جلاء وبهای آنرا بی‌اندازه زیاد نموده ولی‌چیزیکه هست تکرارموضوعات آن تاحدی خالی ازملال نیست(۱)

شبیه باین صورتها در فن نقاشی و کار دوازده صورت کوچکی مینیاتور است که در موزه (متروپولیتان) نیویورك امریکا موجوداست وآنها درضمن نسخه شاهنامه ایست که میتوان آن را بنیمه اول قرن نهم هجری (۱٥ م) نسبت داد و از بدیعترین

---

۱ - مراجعه بتابلوی ١٤ شکل ۱۹

۲-مراجعه شودبه Migeon : Manuel ج ۱ص ١٥٦ و E. Blochet;Les Enluminures des Manuscrits Orientaux de la Bibliothèque Nationale ص ۸۳-۸٥ کتابهای خطی شرقی کتابخانه ملی

ناویر آن صورتی است که نقش رستم را کشیده وعنان اسب خود (رخش) را دردست گرفته ودرطرفین آندو درخت باسلوب فن چینی نقاشی شده و دربالای آن دومرغ آبی بحالت پروازند و درصورت دیگر نقش راکیکاوس کشیده که قصد دارد بوسیله ،وکرکس که تخت خودرا بپای آنها بسته بجانب آسمان پرواز کند (۲).

در موزه (متروپولیتان) نیویورك نسخه خطی دیگری از منظومات (خمسه ظامی) وجود دارد که در سال (۸۵۳) نوشته شده (۱۴۴۹) و دارای سی صفحه ،ورت است که هر کدام آن بواسطه رنگهای زیبا ودرخشان وصورتهای دلربای خود متازاست وشاید چیزی که ازاین تصاویر بیشتر جالب توجه ونظر میشود صورت فرهاد معشوقه او شیرین و اسبی که بر آن سوار است بوده باشد . (۳)

باوجود این لازم است ما دراینجا مابین صور مصنوعه هرات و تصاویری که در بر آن از شهرهای ایران کشیده شده مانند شیراز و آنچه بدوره تیمور و جانشینان ، است تفاوتی بخاطر نگذرانیم زیرا بطوریکه گفته شد سیاست حکومت در دوره نها بهترین مشوق برای پیدایش مراکزفنی وبنگاههای هنری درکشورهای مختلفه پراطوری بوده که هریك را افرادی ازخانواده سلطنتی اداره مینمودند و همین امر عث تحول کار وتبادل نظر بزرگان و اساتید فنی بوده وآنها را وادار نموده که در بر وحرکت درآمده مسافرت کنند وبرای تکمیل هنر بهرطرف نقل و انتقال نمایند شاید مشهورتر ازهمه آنها کسی بوده که بیشتر مسافرت مینموده یا در نقل وتقلید ،ت داشته درصورتیکه بهره و نصیب اساتید فنی وهنروران عادی که در وطن خود زیستند وسفر نمینمودند جنبه دهاتی داشته وبرتری آن فقط دراین سبك و اسلوب ده و ما از این قسمت نمونه هائی در نسخه خطی منظومه خمسه نظامی که اکنون اونیورسیته (ابسال) وجود دارد(۳)مشاهده مینمائیم که تاریخ آن مربوط بسال

---

۱ – مراجعه شود به Dmiand : A Handbook ص ۲۸

۲ - مراجعه شود به Dimand : A Handbook ص ۲۹

– مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & : Gray : Persiatn Miniature Painting ، ۷۳

(۸۴۳ه) و(۱۴۳۹میلادی) است و در قسمت موزه های برلن نیز تصاویری ازمجموعه اشعارفارسی‌موجود است که آنرادرسال۸۲۳ ه(۱۴۲۵م) محمودکاتب‌حسینی درشیراز برای‌کتابخانه (امیربایسنقر) نوشته وزیباتر ازهمه تصاویرآندو صورت است :

یکی دیگرصورت خسرو است‌که بالای سر شیرین آمده وازچگونگی احوال او اطلاع می‌یابد ودیگری تصویرجنگی است که بین سپاه‌کسری (پرویز) با (بهرام چوبینه) واقع شده(۱)

از تصاویری‌که بدوره تیموری نسبت داده میشود جزعده قلیلی شناخته نشده حتی درنمایشگاه هنرهای زیبای ایرانی در لندن در سال (۱۹۳۱) که نزد طرفداران ومورخین فنی عده زیادی ازتصاویر وجود داشت وهمچنین ازطرف دولت اعلیحضرت شاهنشاه ایران نفیس‌ترین چیزی که داشته باین نمایشگاه فرستاده شده بود در میانه آن اشیاء چیزی ازآن تصاویر دیده نمیشد .

و دراینجا چون برای ما مجالی جهت تتبع وتحقیق اینگونه تصاویر نیست لذا بآن اکتفا مینمائیم .

و خواننده را بمؤلفات و مقالاتی حواله میکنیم که در باره نمایشگاه مذکور نوشته شده .

خلاصه گفتار آنکه فن نقاشی در دوره تیمور و جانشینان او ترقی و نشو و نما یافته وباعلی درجه کمال رسید و بعدها درعصر بهزاد و شاگردان او بحد اکمل بالغ گردید ولی بعد از وفات شاهرخ سال ۸۵۱ - (۱۴۴۷) م امپراطوری تیموری را که زحمتی بسیاردرراه وحدت واتحادواعلای عظمت وشأن آن کشیده‌شده بودانحلال بجانب آن راه‌یافته جانشینان شاهرخ‌داخل منازعه‌وکشمکش گردیدند وطولی نکشید که قسمت غربی کشور ایران دردست دشمنان ایشان و قبایل ترکمان معروف بآق‌ـ

۱ــ مراجعه شود بتابلوی ۱۳ شکل ۱۸ و مربوط Kühnel : Islamische Kunst در جزء ششم از تابلوی ششم Springer : Handbuch der Kunstgeschichte ومراجعه بمقاله دکتر کونل در Jahrbuch der Preusischen Kunstsammlungen جزء ۲ ۵ ص ۱۳۳ و مابعد آن

قویونلو (صاحبان گوسفندان سفید) و قراقویونلو (صاحبان گوسفندان سیاه) افتاد و این عنوان شعار جنگی آن دو طایفه بود .

« سلطان ابوسعید » در سال ۸۷۳ وفات نموده (۱۴٦۸ م) و او قصد داشت که کشورهای اقالیم ازدست رفته را مسترد سازد و امپراطوری (اوزبك) هم درقسمت ماوراء النهر پیدایش وظهور یافت ودراواخر قرن ۱۴م توانست دراین قسمت‌ها و درنواحی شرق ایران بنفوذ تیموریان خاتمه دهد وتنها هرات پایتخت جانشینان تیمور باقی ماند واین محنت‌ها جز برپیشرفت ودرخشندگی وجلای هنر نقاشی نیفزود :

حکومت «سلطان حسین بایقرا» ۸۷۳ ـ ۹۱۲ (۱۴٦۸ ـ ۱۵۰٦) ازدرخشنده‌ترین دوره تیموریان است زیرا که دراین عصر رجال ادب و هنر و تاریخ بجانب هرات با همدیگر مسابقه گذاشته وپیشرفت مینمودند و سلطان بدینواسطه توانست که تخت و تاج آبا واجدادی خود را نگاه دارد وبازوی توانا ومددکار عمده وی وزیر و رفیق وفادار زمان کودکی او (امیرعلیشیر) بوده که او مانندشاه شاعروادب دوست ودانش‌پرور و طرفدار بزرك ادباء ورجال پیشه وهنر بوده .

بهرحال درخدمت سلطان حسین بایقرا ـ ووزیر او ـ امیرعلیشیر ـ بزرگترین نقاش‌ها واساتید فنی ایرانی و مشهورترین رجال هنرور اسلامی که « بهزاد » سرآمد همه ایشان است بروز وظهور یافته‌اند .

شکل ۱۸ـ خسرو در کشتن بهرام (هنرستان ایران و تاتار ۸۲۳ هجری) نسخه خطی کتابخانه بایسنقر (موزه برلن)
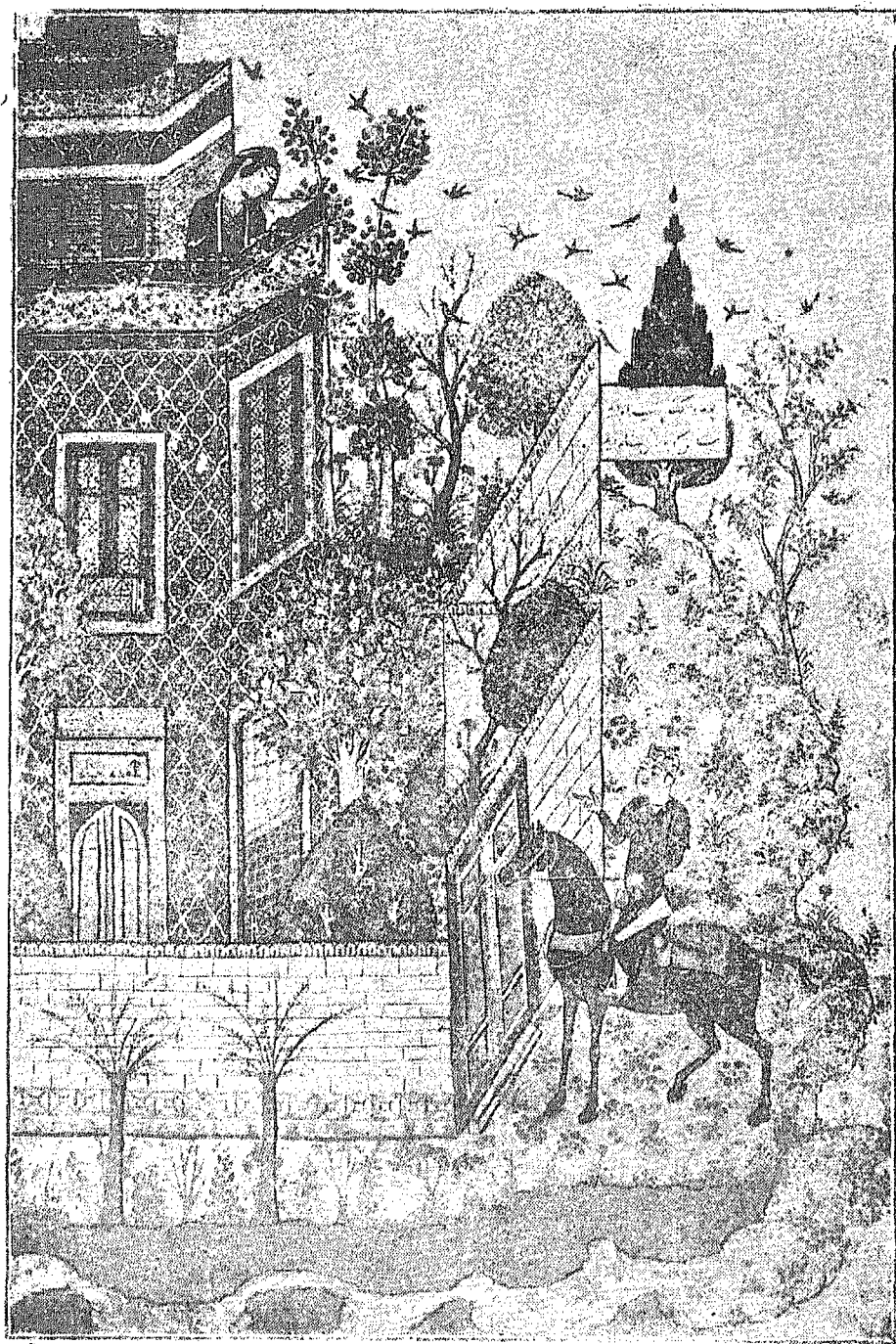
شکل ۹ ۱ دیدار هما و همایون در باغ قصر هنرستان تیموری ربع اول قرن ۹ هجری

تابلوی ۱۵
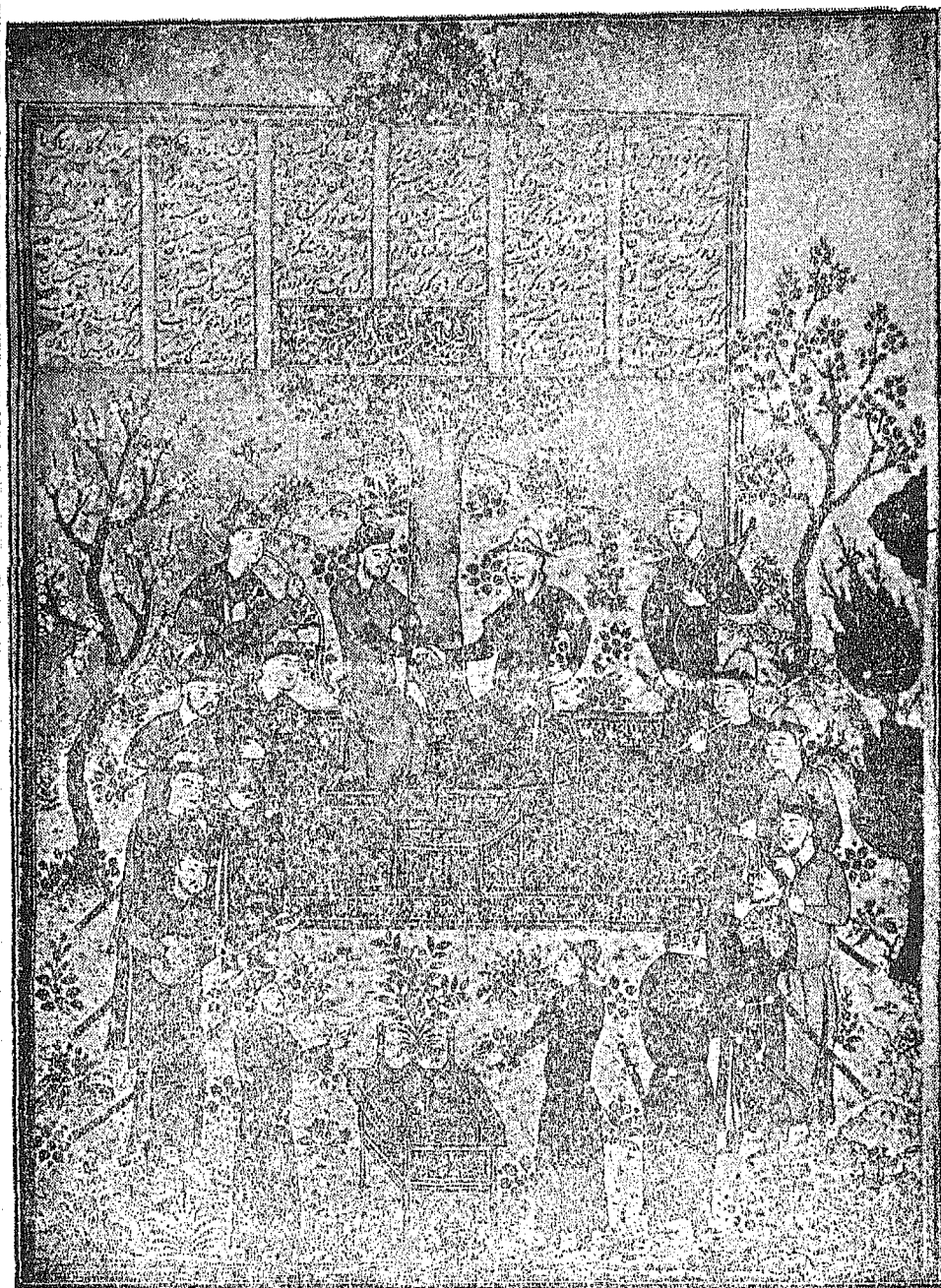
شکل ۲۰- رستم و اسفندیار پیش از جنگ (هنرستان تیموری ۸۳۳ هجری) از شاهنامه موزه گلستان تهران

شکل ۲۱ خسرو و شیرین — هنرستان تیموری در اوایل قرن ۹ هجری مجموعه ویور

شکل ۲۲ و ۲۳ نقاشی بطرز چینی — هنرستان هرات در نیمه اول قرن ۹ هجری استانبول — از سا کسیا
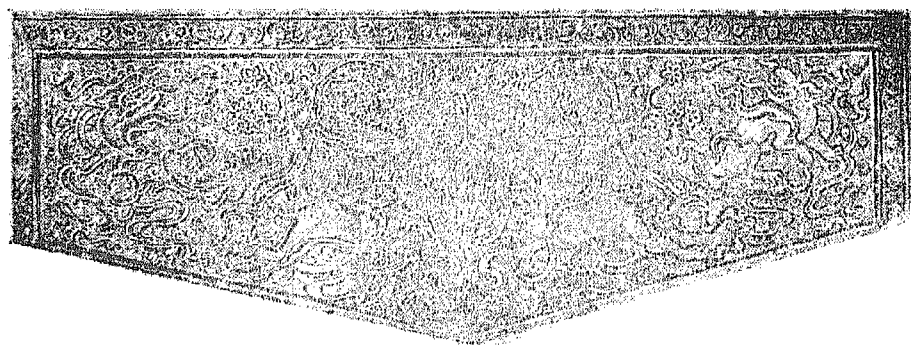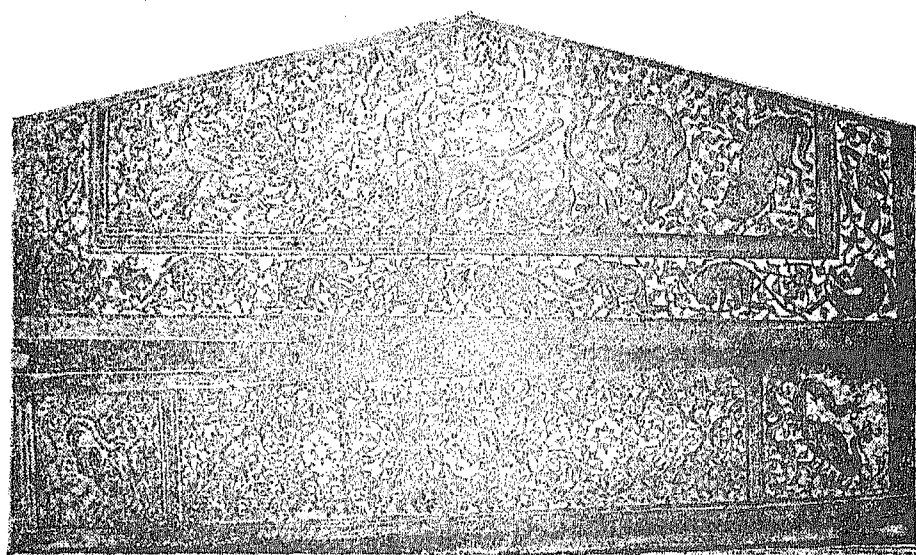
دوشکل ۲۴و۲۵ – زبانهٔ مجلد خطی بنام شاهرخ

هنرستان هرات سال ۸۴۲ کتابخانه سرای باستانی استانبول ساکیبان

شکل ۱۲۶ پیاده شدن شاه از زورق — هنرستان هرات آخر قرن ۹ هجری مجموعه ساکسیان
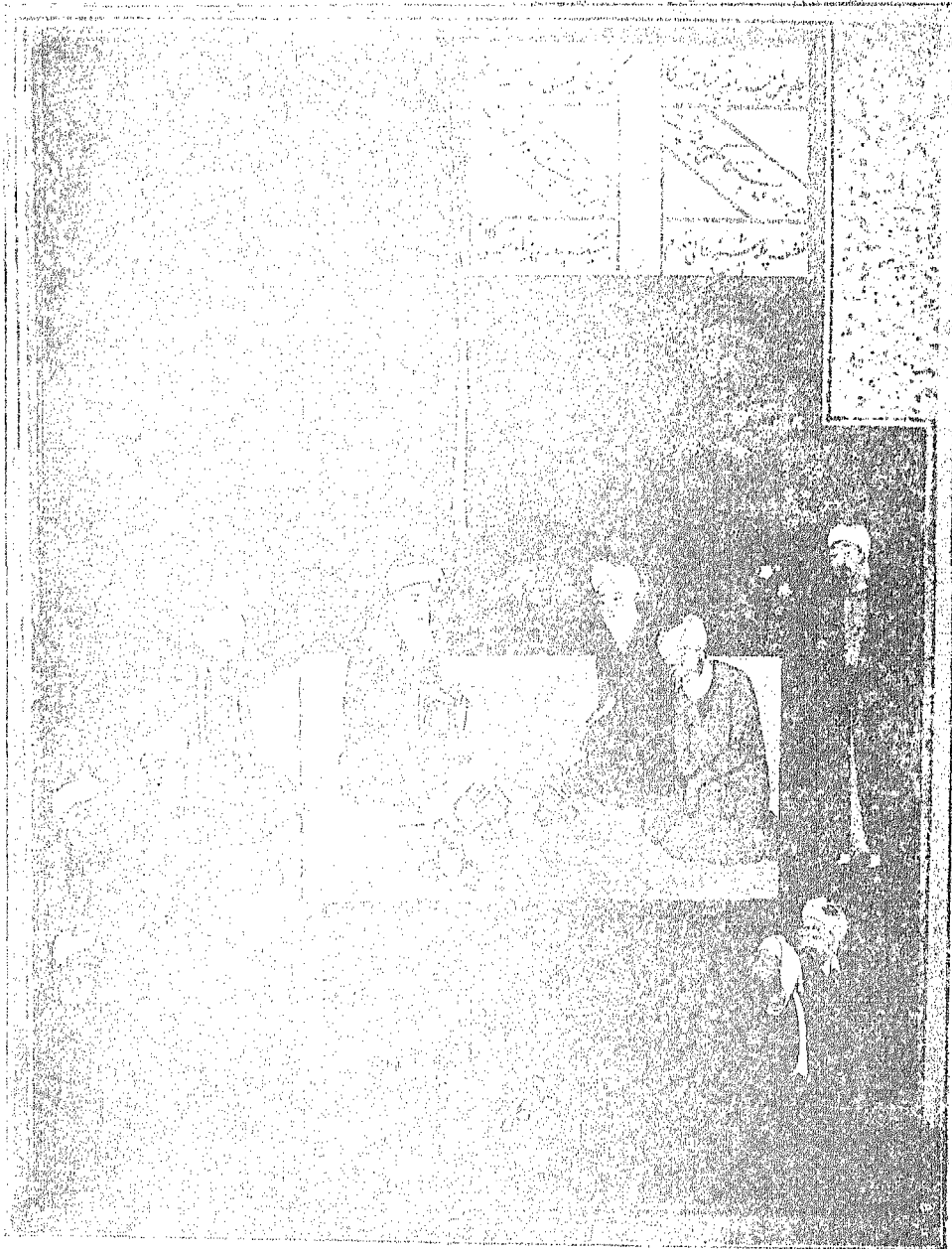
شکل ۲۷ــ جماعتی از صوفیه در باغ از مصور قاسم‌علی سال ۸۹۰ هجری کتابخانهٔ بودلی اکسفورد

فصل پنجم

بهزاد و معاصرین او

هنرستان بخارا

بهزاد در سال ۸۵٤ هجری ـ ۱٤٥۰ درهرات تولد یافته و هنر نقاشی را نزد (**پیرسید احمد**) تبریزی فراگرفته ودیگران گویند که بهزاد نقاشی را نزد **میرك** نقاش درهرات آموخته بود درهرصورت اودرتحت توجه ورعایت وقدردانی وتشویق **سلطان حسین بایقرا** و وزیر او **امیر علیشیر** بمقام عـالی هنر رسیده و تعلیماتی شایسته یافت .

بهزاد در هرات بود تا اینکه ستاره تیموریان غروب نمود و دولت آنان زوال پذیرفت و انقراض آن دولت بدست **محمد خان شیبانی** که بر پایتخت آیشان استیلا یافت در۹۱۳ (۱٥۰۷) فراهم آمد .

دراین وقت بهزاد جایگاه خود راکه درهرات داشت ترك ننموده و بدینگونه بود تا **شاه اسمعیل صفوی** در۹۱٦ (۱٥۱۰) برهرات دست یافته وبهزاد باشاه اسمعیل به تبریز انتقال گزید .

بهزادنزد پادشاه صفوی وجانشین او **شاه طهماسب** اهمیت ومکانتی بسزا یافت و بمقامی نائل گردید که کمتراستادی ازاهل پیشه وهنربدان پایه ومقام رسیده است .

« روایت میکنند : وقتی که بین شاه اسمعیل وترکهای عثمانی جنك در گرفت (۹۲۰ ـ ۱٦۱٤) شاه ازفرط الفت وعلاقه ایکه ببهزاد داشت بیم ودهشتی که نسبت بوی پیدا نموده بود خواست که اورا با همکارش **شاه محمود نیشابوری** خوشنویس مشهور برای ترسی که ازاتلاف اندوداشت پنهان کند لذا امرداد آندو را در صندوقی نهادند و موقعی که جنك تمام شد اول اندیشه شاه اطمینان برسلامتی آندو استادبود

درسال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۲) شاه اسمعیل بهزاد را مدیر کتابخانه سلطنتی و رئیس کل امنای کتابخانه و کتابدارها وخوشنویسان و نقاشان وتذهیب کارها گردانید .

خواند امیر مورخ فرمان انتخاب وتعیین اورا برای ما درتاریخ خود ضبط نموده واین وثیقه واعتبارنامه مهم باترجمه فرانسه آن درجزء ۲٤ ازجمله (العالم الاسلامی۱) انتشاریافته(۲)Revue du Monde Musulman ونیزاستادارنولد) فرمان مزبور رادر آخر کتاب خود نقاشی بانگلیسی در اسلام) ترجمه نموده .

بهزاد شهرتی زیاد احرازنموده و اشتهاراو ازنقاشان دیگرازمعاصرین یا اخلاف وی زیادترشده وقیاصره وامپراطوران مغولی هندوستان درگرد آوردن هنرهای یدی این استاد واعجاب باشگفت بآنها سبقت گرفته و لیکن روی همین بهره ونصیب بود که نقاشان واساتید فنی وادارشدندکه از او تقلید وپیروی نمایند و خوشنویسان و هواخواهان این هنر درصدد برآمدند صوری راکه کاراونبود باونسبت دهند وامضای اورا برای ربح مادی یاافتخار ادبی تقلید کنند لذا بیشترتصاویری را که پرتوی از نورعملیات این استاد بزرگوارمیگرفت مورخین فن اسلامی درصحت آن نسبت باین استاد بشك وتردید افتاده‌اند :

بااین وصف (بهزاد) ازاساتید درجهٔ اول ایران است واوماِبین اهل پیشه‌وهنر اول کسی است که آنچه را نقاشی کرده بامضای خود رقم نموده ومعروف این است که امضا در فنون و هنر شرقی بآن اهمیت که هنر و فنون غربی بدان رسیده بالغ نشده وشخصیت او اهل پیشه وهنررا رشد وترقی وپیشرفت داده واو بحقوق افتخاری خود نسبت بهنری که بدست خود انجام میداده آگاه شده(۲) این است ، طرفداران بهزاد و مورخینی که داخل دربحث و رسیدگی بتصاویر وکار های نقاشی میشوند عملی را ببهزاد نسبت داده و صحت آنرا تصدیق میکنند که دارای امضاء او است واینگونه عمل و کاررا مورد توجه قرارداده وخواهند داد چنانکه نمایشگاه

---

۱ – تحت عنوان Deux documents indits بقلم Mirza Mohammed Qazwini
rlaatifs à Behzad et L. Bouvat

۲ – مراجعه شود به Kühnel : Miniaturmalerei ص ۱٦ و Arnold:Painting in Islam ص ۷۱

تابلوی ۲۱
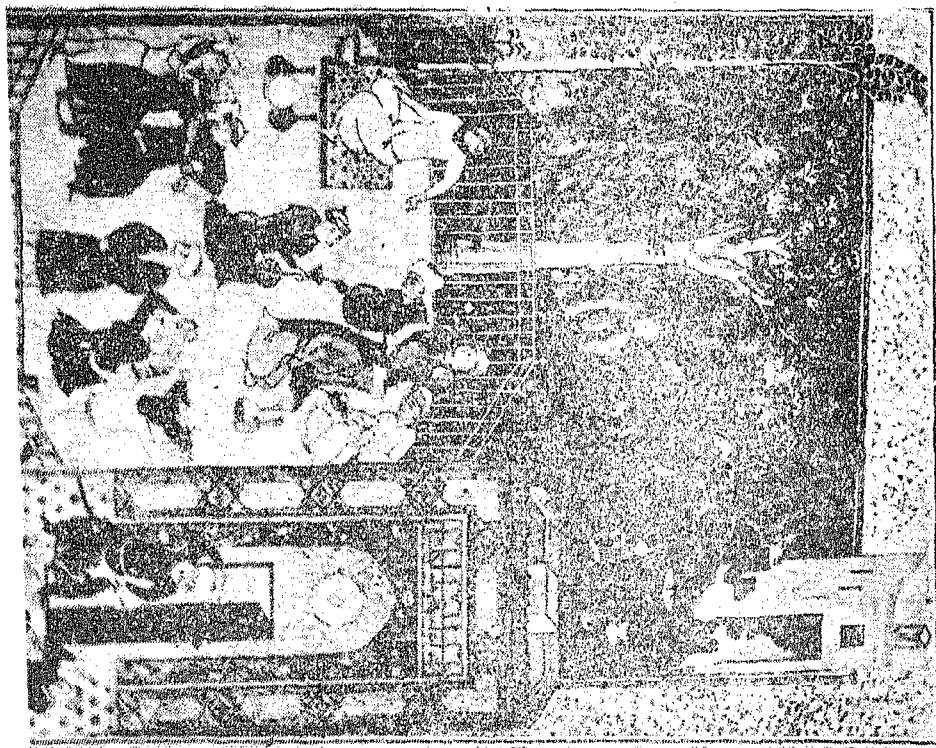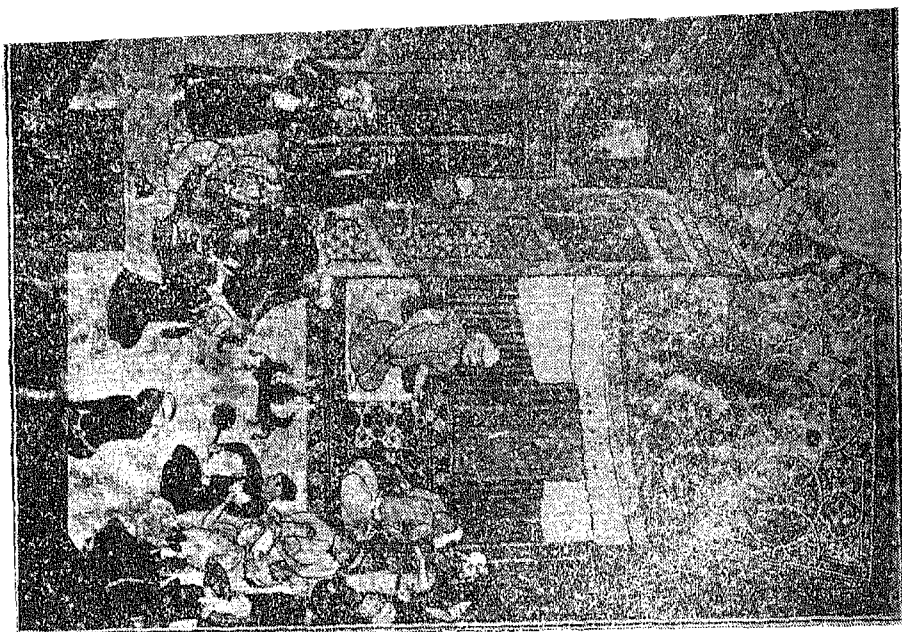
شکل۲۸و۲۹ ، از سلطان حسین میرزا درمهمانی
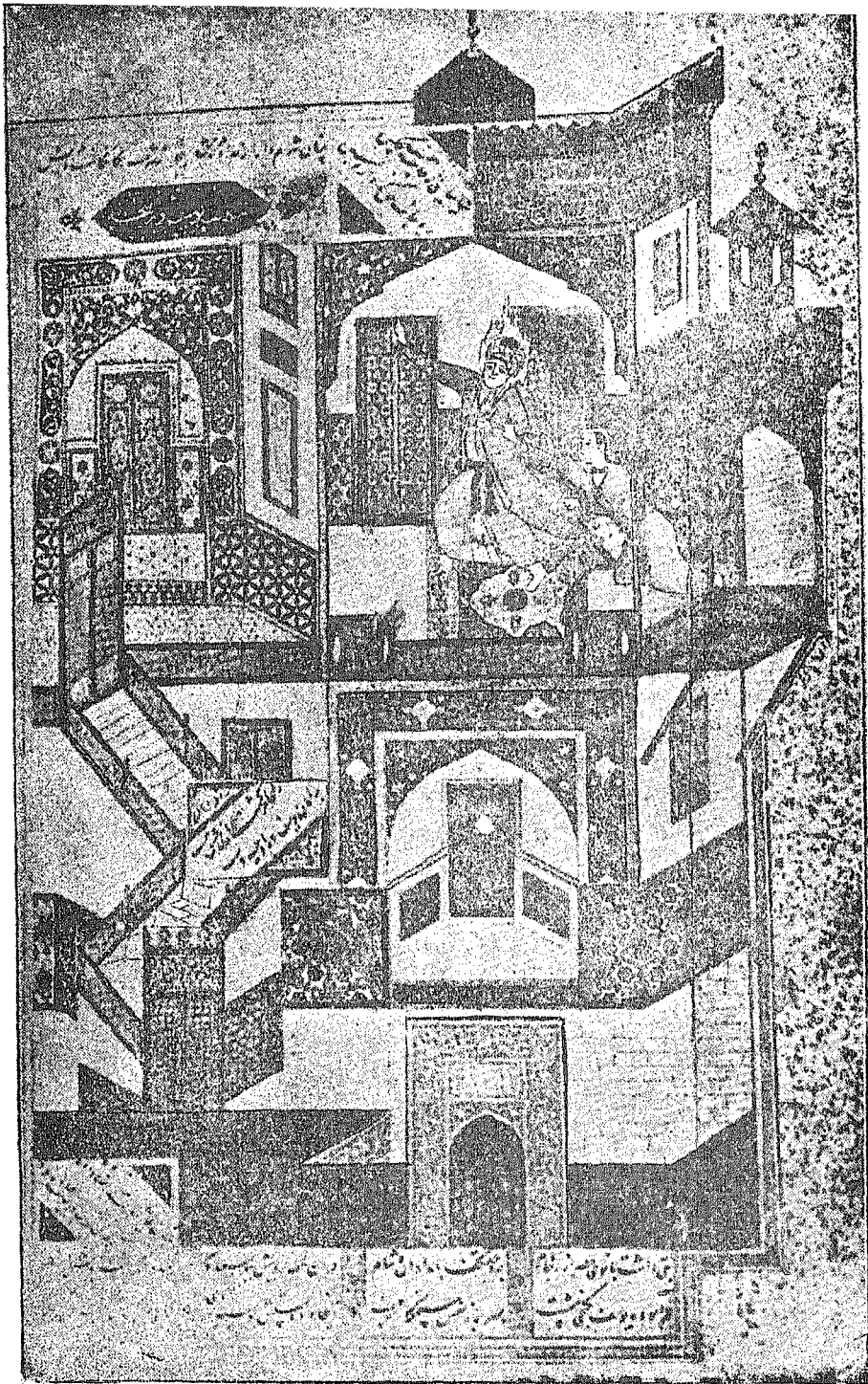
شکل ۳۰ فرار یوسف از زلیخا عمل بهزاد - از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر مورخ ۸۹۳

شکل ۳۱ شبان ودارا پادشاه ایران از نسخه خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر ۸۹۳ هجری

تابلوی ۲٤

شکل ۲۲ ــ منظره‌ها در مسجد از بهزاد نسخه‌خطی بوستان سعدی کتابخانه مصر مورخه ۸۹۳ هجری

فقہاء درحالت مباحثہ عمل بہزاد از نسخہ خطی بوستان سعدی کتابخانہ مصر مورخ ۸۹۳

تابلوی ۳٦

شکل ۳٤— تصویر درویش بغداد (بهزاد) مجموعه شستریتی

شکل ۳۵ ــ تصویر ایرانی از تابلوی منسوب بژنتیلی بلینی نقاش بندقی قرن ۱۱ هجری
مجموعهٔ دیتای قاجار

صنعتی وفنی ایران درلندن درسال ۱۹۳۱م بزرگترین توجه خود را دراینباب برعایت امضاء مینموده اگرچه همیشه بین آنها وبین رسیدن به نتیجه قطعی مراحلی زیاد و مسافاتی بعید بوده .

دیگر از جمله چیزی که دلالت بر بلندی مرتبه و جایگاهی دارد که بهزاد بآن رسیده این است که او برای خوشنویسان و اساتید خط هیچگونه نفوذی نسبت بخود قرار نداده و تقریباً جای خالی از برای ایشان در صفحات کار در نسخه های خطی باقی نمیگذاشته که در آن تصرفی بنمایند و یا برای روشن کردن موضوع که آنرا توسط تصاویر بایضاح میرسانیدند در مورد خود حکومتی نموده و چیزی را انتخاب کنند بلکه او خودش شخصاً آنچه راکه پسند او بوده انتخاب مینموده وازاینجهت اگرگاهی برای اساتید خط درصفحات مصوره جزچند سطرخالی میماند این در صورتی بوده که خود مستقلا در آن صفحه کار نکرده یا از آن دورتر شده وهمیشه جهت تصویر دوصفحه برابر یکدیگر را اخذ مینموده و در آن صورت می کشیده .(۱)

در کتابخانه (یلدوزاستانبول) تصویری از کار بهزاد وجود دارد که شخصی طبیب را نشان میدهدکه خجالت اورافراگرفته وحالت شرم وحیا را ازخودمینمایاند و زمان این تصویر بدوره سلطنت خانواده صفویه راجع است و استاد (ساکسیان) درکتابخود «مینیاتور های ایرانی» آنرا نشر داده (۲).

اکنون که ما برای نمایش دادن کارهائی که بنقاشی بهزاد منسوب است صعود نموده و بالا میرویم لازم است که آنرا بایك نوع محافظه کاری انجام داده و علاوه براین ما جزآنچه را که تقریباً باتفاق علماء و اساتید فنی برصحت نسبت آن ببهزاد است اسم نبریم .

از آثارقسمت اول زندگانی بهزادیعنی ازجمله کارهای اودرهرات دوصورت است

---

۱ – مراجعه به Kühnel : Miniaturmalerei ص ۷ و Kühnel : Islamische Kleinkunst ص ۵۰ و ما بعد آن

۲ – مراجعه به Sakisian : La Miniatute Persane تابلوی ۷٤ شکل ۱۳۰

که برای (سلطان حسین بایقرا) و (محمدخان شیبانی) کشیده که یکی از آنها ناتمام است و برای این دوصورت ارزش و بهائی خیلی زیاد است واین دوصورت اول چیزی است که ما درقسمت نقاشی ایرانی از تصاویر شخص حقیقی می بینیم که در آن شخصی را بشکل اصلی وهیئت و صفات جسمانی خود بدقت کشیده وتتبع وتحقیق را بکار برده و از جمله صوری است که کشیدن نظیر آن در آن عصر از اساتید فنی آسیا جز چینی‌ها وژاپونی‌ها برای دیگری مقدور نبوده واز استادان آن زمان احدی بمانند آن دراین حدود نقاشی ننموده . (۱)

استاد دکتر کونل (Dr. Kühnel) بطوریکه ملاحظه نموده دراینجا علامتی است که بیشتر صور ترسیمی ازکار بهزاد را تمیز وتشخیص میدهد و آن صاحب شکل و قیافه و صورت بربری است که شاید نقاش عالی مقام ما در آن بهترین وسیله را برای نشان دادن تفاوت وفرق بین قیافه بربری باقیافه دیگر اشخاص از جنس سفید پوست بنظر گرفته وگاهی ملاحظه شده که بهزاد از کشیدن صورت زنان بقدری که توانسته اجتناب وخودداری نموده .(۲)

شایسته آن است که کتابخانه مصر (دارالکتب المصریه) به نسخه خطی خود ازکتاب (بوستان سعدی) که شامل پنج تصویراست افتخار نماید که دراین عصرحاضر تقریباً متین ترین اساسی است که استادی و مهارت و برتری بهزاد را میتوان بآنها استناد نمود زیرا اطمینان و اعتماد ما بصحت نسبت این صور بهزاد بیشتر از وثوق و اعتمادی است که در دیگرصورتها مشاهده میکنیم چراکه این نسخه خطی در نهایت بداعت و منتهای دقت در صناعت است و آنرا بزرگترین خوشنویسان آن زمان (میرعلی کاتب) در۸۹۳(۱٤۸۸) جهت (سلطان حسین بایقرا) نوشته و صورت او در اول این نسخه ترسیم گردیده . (۳)

طبیعی است که نقاشی مانند این چنین نسخه نفیس واینگونه تحفه بسیارممتاز

---

۱ - مراجعه شود به Sakisian : ibid ص ٦٧ - ٦٨

۲ - مراجعه شود به Kühnel : Islamische Kleinkunst ص ٥٠

۳ - مراجعه بتابلوی ۲۱ دو شکل ۲۸ و ۲۹

بخود بهزاد واگذار شده و درهرحال درآن چهار صورت است که بهریك امضاء این استاد بعنوان (عمل العبد بهزاد) تصریح گردیده (۱).

دراین صورت مهارت وزبردستی فوق‌العاده ای پدیدار میشود که چگونه بهزاد درترکیب رنگها وحکایت نمودن ازطبیعت در اینجا امتیاز یافته و توجه در تشخیص هریك از اشخاص نسبت بیکدیگر و تعبیر و بیان حالات مختلفه و روحیه هریك را چگونه نموده و درصورتیکه تمثال ملك دارا را با شبان اسبان یا رمه بان وی نشان میدهد(۲)وچگونه‌موفقیت بهزادرا درکشیدن‌صورت طبیعی‌ریفی ووضعیت دهکده‌ای و برتری واستادی آن درترسیم صور اسب ها بخوبی معلوم مینماید ودرچهار صورت دیگریکی تصویر حضرت یوسف را کشیده‌که از زلیخا زن عزیز مصر فرار میکند. درآن موقعی که زلیخا برای فریفتن یوسف قصری هفت طبقه که دارای‌هفت دستگاه و ایوانی هفت گانه بوده. ساخته و در غرفه های داخلی هردستگاه صورتهائی کشیده شده‌که زلیخا بین دودست یوسف قرار گرفته و اندیشه اواین بوده وقتی‌که یوسف آنها را دید ناچار بدام او میافتد لیکن یوسف بمکر وتزویر او متوجه شده و خود را مشغول نماز نموده و درها را بازکرده ویوسف‌ازشر زلیخا نجات یافته ودر ترسیم این صورتهاآنچه راکه‌عادت ورسم ایرانیان‌در تصویر بوده ازپوشانیدن روی پیغمبران و برقع گذاشتن برروی ایشان و احاطه دادن سرهای انبیا را بدایره از نور مشاهده مینمائیم (۳):

درصورت دیگر بعضی ازعلماء مذهبی و روحانیون را نقاشی نموده‌که در میان مسجد بمناظره ومباحثه علمی مشغولند (٤). ودر صورت مناظر دیگری رادرمسجد

---

۱ -- چنانکه در اول این نسخه خطی چهار صحفه رنگین (سرلوح) با رنگهای آبی و وطلائی و در کنار یکی ازاین صفحه ها عبارت زیر است «عمل‌العبد ماری‌المذهب» مراجعه به G. Wiet : L' Fxposition persane de 1931 ص ٧٤ و مابعد آن

۲ - مراجعه بتابلوی ۲۳ شکل ۳۱

۳ - مراجعه بتابلوی ۲۲ شکل ۳۰ وملاحظه‌به Arnold:Painting in Islam ص ۱۰۵ و ما بعد آن

٤ -- مراجعه بتابلوی ۲۵ شکل ۳۳

نشان میدهد (۱)

درموزه بریتانیا سه صورت در نسخه خطی کوچك از منظومات خمسه نظامی است که امضای بهزاد بر آن رقم شده و صنعت آن از ابداع و اختراع و دقت نظر بطوری است که مجال زیادی برای شك در صحت و درستی این نسبت نمیگذارد ودو صورت آن دو میدان جنك را نشان میدهد که فن نقاشی ایران بجانب تصویر مانند آندو صورت در قوه ونیروی تعبیر وبیان وآزادی فنی نخواهد رسید.

در آنجا صورتی در نسخه خطی از کتاب بوستان سعدی است که اکنون (مستر شیستر بیتی) دارنده آنست ودر بعضی از آن امضای بهزاد وجود دارد لیکن ما نمیخواهیم در اینجا هرچه راکه باین استاد نسبت داده میشود بمورد بیان و اظهار بیاوریم زیرا که مارا فرصت ومجالی برای مناقشه صحت این نسبت یا خطا واشتباه آن نیست(۲)

بعضی از مورخین فنی چنین اندیشیده اند: (بهزاد) شایسته آنهمه شهرتی که بآن نائل شده است نبوده وحق این است که مشکل است ما درکارهای اواز مهارت و زبردستی و توانائی خارق عادت چیزی را بیابیم که شایسته تمام این شهرتها باشد چنانکه نیز مشکل است او را مؤسس هنرستان یا طرازی نو بمعنای جدیدی که ما میفهمیم اعتبار نمود ولیکن باوجود این بهزاد نقاشی توانا وصورتگری قابل و ماهر بوده که در نزد وی تبدلات و تنوع نقاشی ایرانی وگوناگون شدن این فن در دوره هنرستان ایران وتاتار وهنرستان تیموری بدرجه کمال رسیده او تقدم خود را دراین خصوص باعلی درجه امتیاز رسانیده وپس از آن این استاد زبردست توانسته که بقدرت عجیبه وزبردستی ومهارت فوق العاده خود درتناسب فنی وترکیب نقاشی ورنك آمیزیها ومراعات اصول طبیعت و ملاحظه بکاربردن نکات و دقائق و اسرار صورت اشخاصی که کشیده و کار نموده آنها را تمامی متناسب باعملیات و حالات روحیه آنها قرار دهد.

۱-مراجعه بتابلوی ۲۵ شکل ۳۳

۲ - مراجعه بتابلوی ۲٤ وشکل ۳۲ ومطابق با Binyon, Wilkinson & Gray:ibid ص ۹۸ - ۹۹ و Wiet : L'Exposition persane de 1931 ص ۷٤ — ۷۸

۳-مراجعه بمقاله ایکه استاد اتنکهوزن R. Ettinghausen از بهزاد درذیل دائرة المعارف الاسلامیه صفحه ٤۰ - ٤۲ ازنسخه فرانسه نوشته ومطابق با Arnold : Painting in Islam

ما میتوانیم بگوئیم که بهزاد بواسطه تمام این عملیات توانسته که خوشنودی و رضای خاطر معاصرین خودرا فراهم نماید وبشهرتی برسدکه هیچیك ازاساتید فنی دیگر دردنیای اسلامی با او برابری ننمایند .(۱)

قاسم علی :

دراین موقع استادی دیگری درنیمه دوم قرن نهم‌ه(۱۵ م) درهرات بحدکمال رسید که برای مورخین فنی اسلامی نام او ناشناخت ومجهول مانده وگاه میشودکه بین آثار وکار اوبا آثاروعمل بهزاد اشتباه میکنند حتی اینکه استاد(ساکسیان) برای تحقیق ورسیدگی تصاویریکه ازاستاد مذکورنمایش داده وامضاهائی‌که منسوب باو دانسته بخطا رفته وخطای او آشکار شده .

در نسخه خطی از اشعار خمسه نظامی که تاریخ آن ۸۹۹ (۱۴۹۳) است و اکنون در موزه بریتانیا بایگانی شده امضاء (قاسمعلی نقاش) در تصویری ازاین نسخه رقم شده‌که برای امضاء دروغی منتسب به بهزاد هم وجود دارد .(۲)

باوجود اینکه امضای قاسمعلی جز در یکی ازهفت صورت از صور این نسخه بظهور نرسیده ساکسیان عقیده داردکه شش صورت در این نسخه تصویری باشدکه مدرسه درهوای آزاد را نشان میدهد . (۳)

دراینجا معلم پیری دست دراز نموده تاکتابی راکه یکی ازشاگردان باونشان میدهد بگیرد و این شاگردکه آنرا زحمت رنج و تعب لاغر و ناتوان نموده وحالت خواب وپینکی برای او دست داده ودوشاگرد دیگرکه داخل درموضوعی شده اند که هیچگونه علاقه وپیوستگی بدرس وبحث ندارد وآندودختر جوان‌که بنحوی از غنج و دلال و شرمندگی وانفعال درگفتار با همکار خود استعانت و یاری میجویند و درخت کاج پرشاخه ایکه برسر معلم وشاگردان سایه افکنده تمام اینها ازجمله آثار جمیله و زیبائی است‌که درکانون دلها جا میگیرد وقلوب را بجانب خود میکشاند .

---

۱ - ایرانیها نبوغ تصویر را بمانی و بهزاد مثل میزنند

۲ - Sakisian : La miniatute Persane ص ٧٤ و ما بعد آن

۳ - مراجعه بتابلوی ۲۹ شکل ۳۹

و نیز از جمله صور زیبا وممتاز صورتی است که جمعی از زنان را در خزانه حمام نشان میدهد که برخی ازایشان درحال طرب و شادی بوده و عود مینوازند و یکی ازآنان دست رفیق خودرا گرفته و اورا برای فرود آمدن درآب میخواند و از روزنه ایکه ببرکه آب وخزانه حمام پیوسته است نظر بیگانه بجانب آنها نگران شده و در طرف چپ این صورت باغی است که در آن بدرختهای سرو و نیم درخت های گلدار و پرشگوفه نمودار است .(۱)

امضای قاسمعلی در صورتی از نسخه خطی کتابخانه بودلیان اکسفرد بدست آمده که تاریخ آن ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵) است و این صورت جماعتی از صوفیه را نشان میدهد که در باغی گردهم برآمده بصحبت و اختلاط مشغولند (۲) .

درهرصورت صوری که درنمایشگاه ایرانی لندن بنمایش گذارده شده ۱۹۳۱ مؤید مطالبی است که مورخ مشهور (خواندامیر) (۳) ازقاسمعلی ذکر کرده و مهارت فوق العاده او را در ترکیب و طرز رنگ آمیزی و طرح و رسم صور اشخاص اظهار نموده .

ازجمله کسانیکه از شاگردان بهزاد نقاش اشتهار یافته اند شیخ زاده خراسانی و میرمنصور سلطان و آغا میرك ومظفرعلی است که عنقریب در فصل آینده از ایشان سخن بمیان خواهد آمد (٤) .

هنرستان بخارا

قرن دهم هجری

هرات در سنه ۹۱۳ (۱۵۰۷ م) در دست غارتگران و یغمائیان ازبك که در رأس ایشان خان شیبانی بوده سقوط نموده وحاکم هرات که در آنوقت (امیربدیع -

---

۱ - مراجعه بتابلوی ۲۹ شکل ۳۸

۲ـ مراجعه بتابلوی ۲۰ شکل ۲۷

۳- مراجعه به Wilkinson و Binyon و Arnold Paioting in Lslam ص ۱۳۹-۱٤۰ & Gyrayibid ص ۱۹

٤ - مراجعه به Arnod ibid . ص ۱٤۱- ۱٤۵
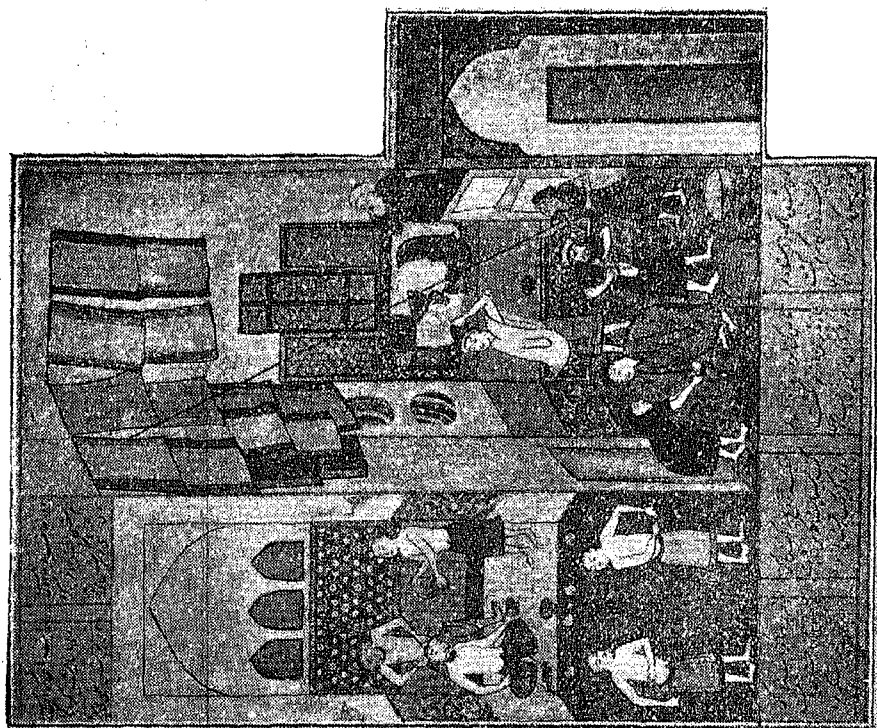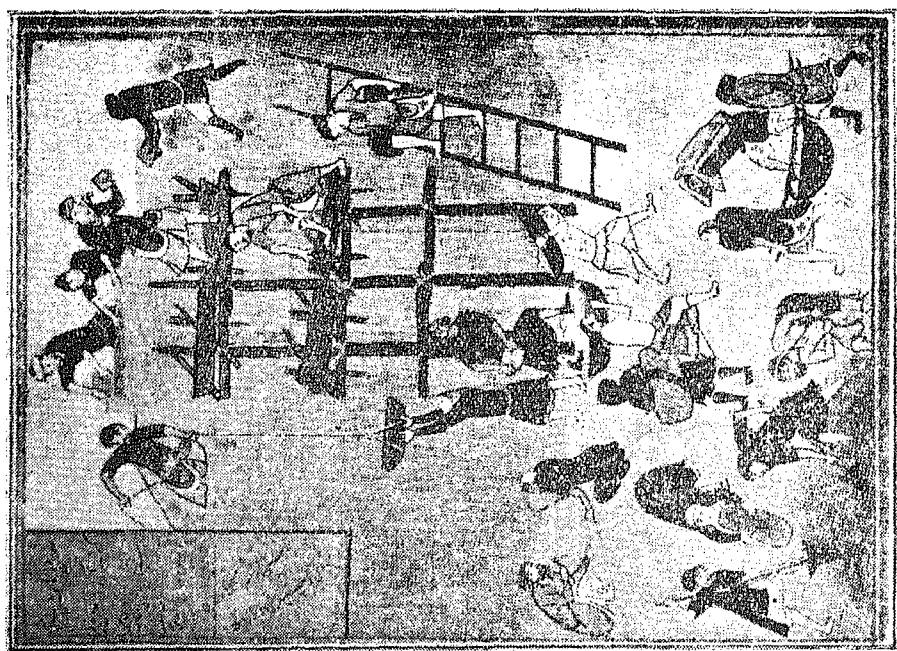
شکل ۳٦ منظره در حمام (گرمابه)

شکل ۳۷ بنای مسجد از نسخه خطی موزه بریتانیا

شکل ۲۸ ــ زنها درحمام و نظر بیگانه بایشان

شکل ۲۹ــ آموزشگاه درهوای آزاد

عمل قاسم علی سنه ۸۹۹ھ از نسخه خطی خمسه نظامی سلطان حسین میرزا ــموزه بریتانیا

تابلوی ۳۰
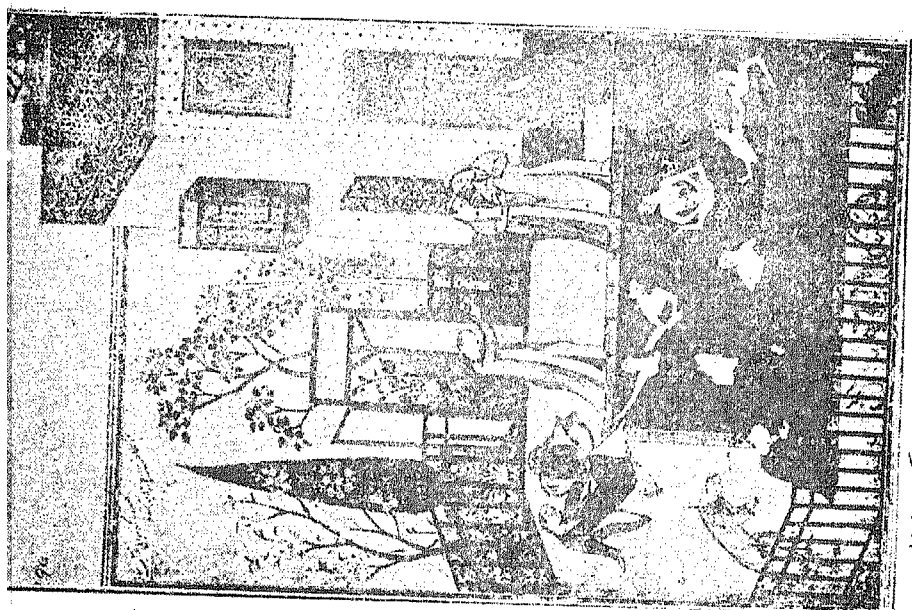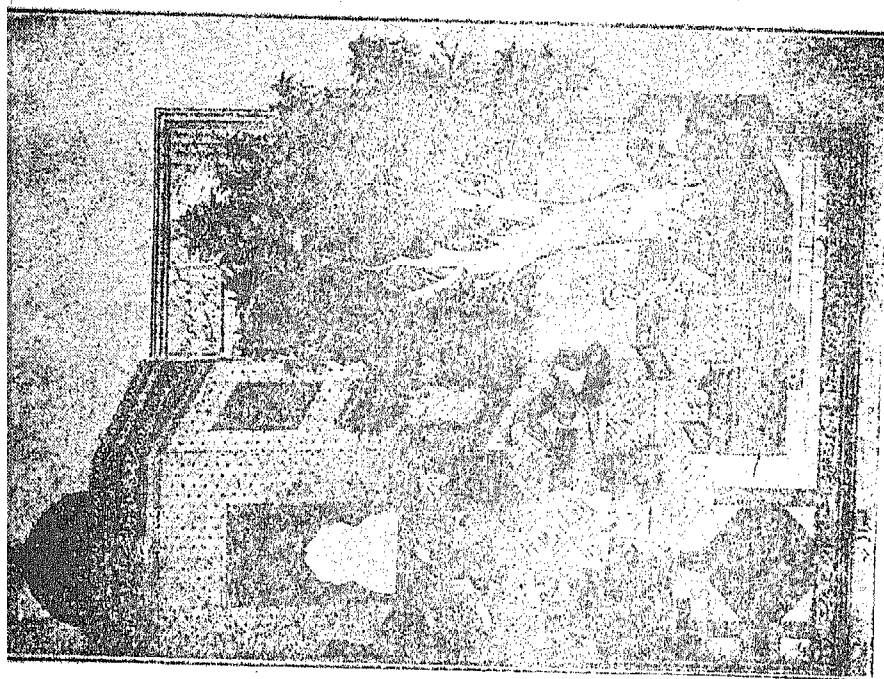
شکل ۴۰ پیرزن و داد خواهی او از سلطان سنجر عمل محمود مذهب هنرستان بخارا
کتابخانه ملی پاریس

شکل ۱٤ سلطان سنجر هنرستان بخارا عمل محمود مذهب از مخزن الاسرار نظامی
کتابخانهٔ ملی پاریس

تابلوی ۳۲
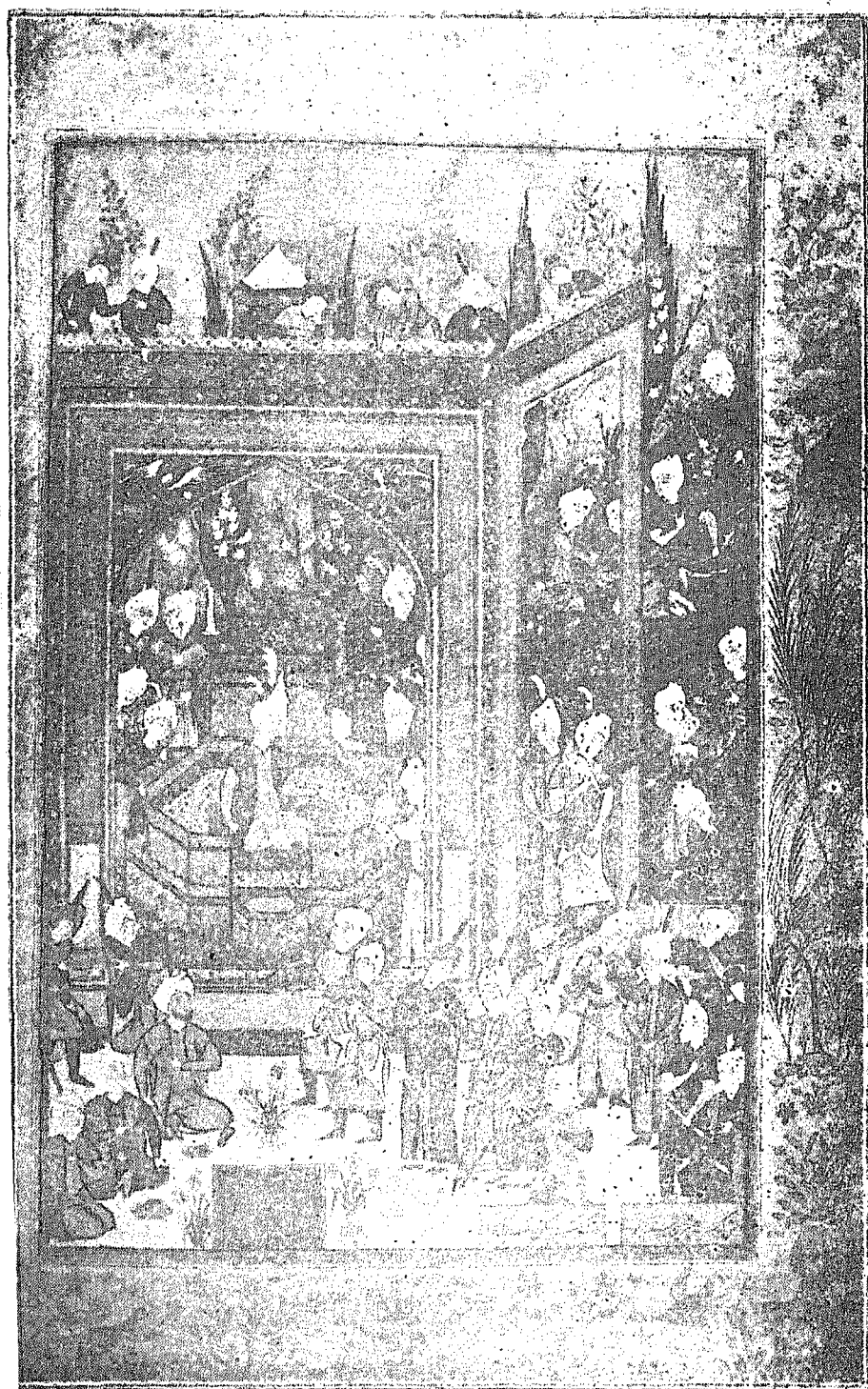
شکل ۳۶ مناظره دو پزشک هنرستان صفویه قرن ۱۰ هجری نسخه خطی شاه طهماسب موزه بریتانیا

الزمان) بوده به تبریز فرار نمود .

اگرچه سرآمد و رکن ایشان که (بهزاد) بود درهرات ماند در هرحال غلبهٔ وپیشرفت شیبانی‌ها چندان‌دوام نیاورده وطولی نکشید که‌شاه اسمعیل‌صفوی بحکومت آنها خاتمه داده و امیر ایشان محمد خان شیبانی را در جنك مرو سال ۹۱۹ هجری شکست داد ۹۱٦ ه(۱۵۱۰م)سپس‌خراسان‌را بمتصرفات‌خود ضمیمه‌نمود ولی‌این‌تمدن وترقی‌هرات‌بآن‌پایه‌ودرجه‌باقی‌نماند . شیبانی‌ها که‌درسمرقندو بخارا حکومت‌مینمودند از بین رفته و از بلاد ماوراء النهر چیزی در دست ایشان نماند خراسان هم روی خود را بجانب تبریز گردانیده و بسیاری از هنروران و اساتید فنی بطرف تبریز گرائیده و مهاجرت گزیدند و نیزمردمی‌زیادی از دیگر مردمان سمرقند و بخارا هجرت نموده و برخی ازایشان درهرات ماندند چنانکه نسخه‌های‌خطی‌چندی‌که دراوایل قرن ۱۱ (ثلث اول از قرن ۱٦) نوشته شده برآن دلالت دارد وبریکی ازصورآن نام (محمد مؤمن) رقم شده (۱) .

درسال ۹٤۲ (۱۵۳۵) دوباره مقدور شد که ازبك برهرات استیلا یافته آنجا را غارت کند لذا ازبکها بآنجانب تاخت و تاز نموده و تمامی آنحدود را بمعرض نهب وغارت درآوردند و در اثر آن بسیاری از بقایای رجال فنی وهنرپیشه‌گان که در هرات بودند ببخارا مهاجرت نمودند ، شاید چیزی که آنها را برفتن بخارا بیشتر تشویق مینمود آن بوده که مردم خراسان بعد از فتح صفویه پیرو مذهب شیعه شدند و از احتیاجی که باین مذهب داشتند پذیرفتار این‌مذهب گردیدند درصورتیکه شیبانی‌ها مانند اسلاف و گذشتگان خود از تیمور و جانشینان او سنی بودند.

آنچه‌که معروف است تعداد تصاویر هنرستان بخاراکم و اندك است ولیکن باوجوداین‌درنمایشگاه‌صنعتی‌ایران درلندن۱۹۳۱بین اشیاء نمایشی‌مقداری‌زیاد ازآن تصاویررا بمعرض نمایش گذاشته بودند وبعضی از تصاویر نامبرده کار استاد صورتگر (محمود مذهب) بودکه در سر استادان این هنرستان قرار داشته و سرآمد اساتید هنر بوده .

---

۱ — مراجعه به Sakisian La Miniature persane ص ۸۸

علاوه بر این بدیعتر چیزی را که ما از کار این استاد هنر میشناسیم تنها صورتی است که در نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس موجود است و آنرا جهت قسمتی ازمنظومه خمسه نظامی(مخزن‌الاسرار)کشیده این نسخه‌را دربخارا سال ٩٤٤ (١٥٣٧) خطاط مشهور (میرعلی) نوشته لیکن تاریخ تصویری‌که درآن است ٩٥٣ هجری (١٥٤٦ م) میباشدکه درآنصورت (سلطان سنجر سلجوقی) راکشیده و شاه با حواشی و اطرافیهای خود براهی روان است و پیرزنی دامن سنجر را گرفته و دادخواهی میکند تا ستمی راکه بوی رسیده بازخواست نموده و رفع آن ناروائی را از وی بنماید(١) .

صوری‌که درنیمه اول قرن دهم هجری (١٦ م) دربخاراکشیده شده بواسطه ثابت بودن رنگها وتابش آن وپدیداری اثر بهزاد در آنان از دیگران ممتاز گردیده واین موضوع تعجبی ندارد زیراکه هنرستان بخارا جزدرطول وامتداد دوره تیموری نبوده و از اولین نمونه آن نسخه‌ای از (بوستان سعدی) است که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و نیز کتابی است‌که درسال ٩٦٤ ه (١٥٥٥ م) در بخارا نوشته شده و با تصاویر زینت و آرایش یافته‌که شباهت بسیار بکار بهزاد درنسخه بوستان سعدی داردکه در دارالکتب مصریه (کتابخانه‌ملی مصر) موجود است(٢)

گذشته ازاین درآن‌کتابخانه نسخه خطی از (دیوان جامی) موجود است‌که جزءکلکسیون (مجموعه) دیمرت (Demotte) قرارگرفته وتاریخ آن مربوط بسال ٩٨٣ (٥٧٥) میگردد ولیکن این‌نسخه شامل صورت بسیارظریف وممتازی است‌که چهره و سیمای مرد و زنی را نشان میدهدکه با یکدیگر برخورد و ملاقات میکنند، و بر آن امضای استاد معروف (عبدالله نقاش) است که در صورت مذکور تمام مزایا و خصایص فن نقاشی اواخر قرن نهم هجری (١٥ م) موجود است

---

١ ـ لوحه سه شکل ٤٠ و ٤١ که در آن ملاحظه سرپوشها در صور مدرسه بخارا بعمل میآیدکه ازکلاههای بلند ترک‌دار بوده بعمامه در قسمت زیرین خود احاطه دارد مراجعه بصورت (پیرزن و سلطان سنجر) L' Binyon the Poèms of Nizami ص ١٥

٢ ـ Blochet : Les Enlusminures دو تابلوی ٥٧ و ٥٨

حق این است که نقاشی در بلاد ماوراءالنهر دامنه وسیعی نیافته و مدت زیادی در آنجا رونق و جلا نداشته معذالك هنرستان بخارا جمود و وقفه وعدم تنوع و تطور خود را حفظ نموده و در آن فنا و اضمحلال و نطوری که در قسمت نقاشی و طرز و اسلوب آن در دوره صفویه از نیمه قرن دهم شروع شده اوبحال خود باقی مانده و این وضعیت را محفوظ داشته .

خلاصه بهرطوری که بوده دوره نقاشی بخارا تقریباً درانتهای قرن دهم خاتمه یافته و بلاد ماوراء النهر از هنرنقاشی ایرانی غریب و بیگانه میشود چنانکه قبل از سقوط و انقراض تیموریان هم آنجا باین فن بیگانه وناشناس بوده است .

---

۱ - مراجعه شود Diamand A . Hand Book ص ٤٤ – ٤٦

فصل ششم

هنرستان صفویه

دورهٔ فرمانفرمائی وسلطنت خانوادهٔ صفویه در ایران عصر رفاهیت و روزگار آسایش وخوشگذرانی وفراوانی نعمت وزمان ترقی وپیشرفت هنر و صنعت است در این عهد پیشرفت ها وتحول زیادی درفنون و هنر رخ نموده و صنایع و فنون مراتبی عمده را پیموده مخصوصاً هنر نقاشی درنیمهٔ اول حکومت طولانی این دودمان بدرجهٔ بلندی از ابداع وتازه‌کاری واستواری رسیده وبرای آن تعجبی نیست زیراکه استیلاء **شاه اسمعیل** برهرات (۹۰۷ ـ ۹۳۰) ـ (۱۵۰۲ ـ ۱۵۲٤) ومهاجرت اساتید پیشه و هنر بپای تخت شاه در تبریز پس از آن انتخاب و تعیین (بهزاد) از طرف شاه بمدیریت کتابخانه شاهی که درآن وقت شبیه ترین چیزها بیك « **هنرستان پیشه و هنرهای زیبا** » بوده مستلزم این گونه پیشرفت بود وگوئیم که اینها تمامی باعث بر تاسیس و ایجاد هنرستان نوینی بود که در سر آن بهترین خوشنویسان و نقاشان و سرامدان هنر قرارگرفته وآنان مابین هنروران هرات گلچین وبرگزیده بودند

واز اینجهت روابط استواری بین فنون هنرستان صفویه در آغاز پیدایش آن وبین تقالید وتبعیت فنی در دورهٔ ایکه بهزاد وهمکاران وهنر آموزان زمان اوبدان برتری وتفوق یافته بودند پیداشده

با این وصف جنگهائیکه همواره **شاه اسمعیل** بآن دچار وگرفتار بوده بهره ونصیب او را در استوار نمودن این کار و تقویت آسایش پیشه وهنر کمتر از سهم و نصیب پسرش **شاه طهماسب** نموده که بعد از وی برفراز دیهیم وتخت ایران جانشین اوگردیده ۹۳۰ هجری (۱۵٤۲ م)

شاه طهماسب تا سال ٩٨٤ (١٥٧٦ م) در ایران فرمانروائی و شاهی داشته و خودشاه هم نقاشی زبر دست و توانا بوده و هنر صورتگری را از نقاش معروف «سلطان‌محمد» فراگرفته وبین‌او با بهزاد و آغامیرك رابطه ای‌شایسته ودوستی وصداقتی ممتاز وپسندیده بودهٔ (١)

معروف است که کوچك شماری و استحقاق یا تحقیر و بی اعتنائی بنقاشان و هنرپیشه گان درخانواده صفویه تقلیل یافته واهمیت پیدانمودند درصورتیکه پیش از آن حق آنها ضایع وجاه ومنزلت ایشان پست وبی اهمیت بوده و اعتنائی باین هنر پیشه‌گان نمی نمودند واین تحول راباعث وسبب چنین‌شدکه امراء وبزرگان رجال دولت و اشراف کشور درجمع آوری عمل وآثار هنرپیشه‌گان پیروی نموده واهتمام زیاد درنگاهداری‌آن بخرج میدادند ودردنبالهٔ این‌کارنسخه های‌خطی وزیباونفیسی بوجود آمد که هرکدام دارای شماره ای بسیار از نقوش وصور بودند (٢)

در نقاشی های دورهٔ صفویه شکوه وعظمت این عصر وابهت وجلال این‌زمان هویدا وآشکار خواهد شد و بیشتر موضوعی که برای کشیدن تصاویر و طرح صور نقاشی‌گرفته شده وضعیت زندگانی و چگونگی حیات درباری و طرز روحیات طبقه اشرافی ورسم کاخهای زیبا و باغات دلگشا و شاداب بوده صور اشخاصی‌که در این تصاویر ترسیم شده تمامی باقامت های رسا وقدرعنا وپوششهای فاخر وزیبا امتیازیافته اند ولی رسوم آنها منتهی درجه درنازك‌کاری ودقت وتناسب است‌چنانکه رنگهای‌آن تنوعی زیاد داشته و آمیزش آن بمناسبت شده ودرمیانه‌آنان رنگهائی روشن وتابان و فرح افزا ودرخشان است و از جمله الوانی است‌که هنرستان تیموری بدان امتیاز واشتهار یافته

در این تصاویر رنگهای مناسب وملائمتر دیگری وجود داردکه در مورد آن

---

١ ــ مراجعه شود به Sakisian : La ص ١١٩ و Blochet ; notice sur la Miniature Persaneo collection Marteau ص ١٣٧ ــ ١٣٨

٢ ــ مراجعه شود به فصل اول کتاب Painting in Islam سرتوماس ارنولد

جز توجه بظاهر و برگزیدن موضوعات صور و تناسب و ترکیب تصویری بطور کلی نیست (۱)

ازجمله چیزی که مشخص ومبین نقاشیهای دوره صفویه است مخصوصاً آنچه‌را که پیوسته بازمنه اوایل آن میباشد لباس وپوشش سر اشخاص است که آن عبارت از عمامه‌ای‌ست که بحالت استداره‌وگردی‌درست شده واز بالای آن‌علامت‌یامیلهٔ کوچك سرخ رنگی نمودار میباشد ودرهر تصویری که وجود اینگونه علامت مشاهده شد دلالت دارد که نقاشی آن مربوط بدورهٔ خاندان صفویه‌بوده اگرچه بودو نبود غیر آن مستلزم این نیست که صورت مربوط بغیر این دوره وزمان باشد.

ظـاهر این است که علامت نامبرده درآغازکار از شعار افراد خانواده صفویه وپیروان آنها شمرده شده ورنك این علامت همیشه سرخ‌بوده چنانکه درتصاویریکه مربوط باوایل عصر صفوی است این علامت دیده میشود ولیکن اهمیت ولزوم آن چندان دوام نیافته وطولی نکشید که کمی وتقلیل پذیرفت وخودمردم بانقاشان‌رنك آن نشانه را درموقعی که قدمت‌خانوادگی صفویه پابرجاگردید واگذاشته و متروك داشتند چنانکه ترك نموده وبرای آن مجال مقاومتی‌نماند حتی‌اینکه برای ما ممکن است که هم بعد از وفات شاه طهماسب این علامت رابکمی وندرت دیده و مشاهده کنیم (۱۹۷۶ ـ ۹۸۴ ه)

ـ ازجمله چیزی که قرن دهم هجری (۱۶ م) درتاریخ‌نقاشی ایران بآن‌امتیاز یافته وحدت سیاسی دورهٔ صفویه درصنایع مختلفه مابین‌نواحی مختلفه ومتفاوته‌است که این موضوع در هرجا اختلاف و تفرقه را از بین برده بطوریکه تمیز و تشخیص مابین تصاویریکه درشرق دولت امپراطوری کشیده شده باتصاویری که‌درغرب‌ومرکز کشور تهیه نموده اند مشکل گردیده زیرا استادان فنی و هنروران در تمام اطراف و نواحی یا گوشه وکنارکشور امپراطوری از سرامدان هنر ونقاشان دربار تبریز وقزوین پیروی وتقلید مینمودند و در این بین جز تفاوتی اندك بین محصولات فنی و کارهای دستی استادان در بخش‌های مختلفه‌کشور دیده نمیشد.

---

۱ ـ مراجعه شود به Glück und Diez : Kunst des Islams ص ۹۷ ـ ۹۸

در آنجا چندین نسخه خطی وجود دارد که تصاویر آن دورهٔ انتقال از مدرسه تیموری هرات را بزمان شاه اسمعیل و پسرش شاه طهماسب نشان میدهد واز مهمترین نسخه های خطی نسخه ایست که در کتابخانه ملی پاریس موجود است و آن نسخه در هرات برای امیر علیشیر نوائی درسال ۹۳۵هـ ۱۵۲۷م نوشته شده و احتمال دارد که آنچه از تصاویر در این نسخه اضافه شده در تبریز بدست بهزاد و شاگردان آن انجام گرفته باشد(۱)

درموزه « مترو پولتیان نیویورك » نسخه خطی زیباو نفیسی ازمنظومه خمسه نظامی است که آنرا سلطان محمد نورخوشنویس بزرك مشهورنوشته ودرآن پانزده تصویر کشیده شده که هر کدام بارنگهائی زیبا وتابان شایسته و ممتاز گردیده وبرسوم فنی وتزیینائی اعلی وآرایشی لطیف و دقیق امتیاز یافته وشخص نمیداند بکدام یك ازرموز و دقایق یاریزه کاریها وظرایف آن اظهار تعجب بنماید :

آیا بصورتی که لیلی و مجنون را در مدرسه نشانداده و درآن بیتی بفارسی نگاشته شده که از معلم درخواست میکند ؟ : « باین دخترك خرمائی مو که صاحب موی زیبا است جز گفتار خوش و سخنان دلکش و پسندیدهٔ که او بدان سزاوار است یاد ندهد » (۲) یا بهفت صورتی که « بهرام گور » را با هفت شاهزاده خانم « دختران سلاطین هفت کشور » که از دواج نموده و هریك از ایشان را در یکی از هفت گنبد یـا کاخهائی که هـرکدام بیکی از رنگهای هفتگانه امتیاز یافته : « سیاه ــ زرد ـ سبز ـ سرخ ــ صندلی ــ سفید ــ کبود فیروزه » ملاقات و دیدن مینماید (۳)

مارتن عمل تصویراین نسخه خطی را به آغامیرك نسبت داده و ساکسیان آنرا از محمود مذهب میداند (٤)

---

۱ ــ مراجعه به Binyon, Wilkinson & Gray ; ibid ص ۱۰۷ ــ ۱۰۸

۲ ــ مراجعه به Dimand : A Handbook ص ۳٦ ــ ۳۸

۳ ــ مراجعه به Dimand ; ibid تابلوی اول و مطابق با L.Binyon : The Poems of Nizami ص ۲۷

٤ مراجعه به Dimand:ibid ص ۳٦ - ۳۸ و Sakisian : La Miniature Persane ص ۹۷ ــ ۹۸

گذشته از این زیباترین کتاب ونفیس ترین نسخه خطی قرن ۱۰هجری (۱۶م)
بطور کلی نسخه ایست که شامل منظومهٔ خمسه نظامی شده که آنرا بین سالیان
۹۴۶_۹۵۰_۱۵۳۹_۱۵۴۳) برای شاه طهماسب نوشته اند و بقلم خوشنویس وخطاط مشهور
شاه محمود نیشابوری نوشته شده این نسخه بچهارده صورت و بمجلس بزرك وزیبای عمده
زینت شده و از نفیس ترین آثار تاریخی **موزه بریتانیا** از نفایس شرقی شمرده
میشود وچندان تعجبی ندارد که آن ازانفس نفایس شرقی شمرده شود زیراکه بر آن
امضاهای بزرگترین اساتید فنی وسرامدان هنردوره صفویه که از آن جمله : **سید
علی - سلطان محمد - میرك - میرزا علی - مظهرعلی** است رقم گردیده -
صفحات این نسخه تمامی بهوامش و حواشی تذهیب شده که در آن نقش و نگار نباتی
و رسوم حیوانات طبیعی وخیالی وجود دارد در اغلب صوریکه در این نسخه کشیده
شده بر آنها امضاهائی است که گاه میشود از نگارش نویسندگان خود استادان فنی
وسرامدان هنر نبوده وشکی نیست دراینکه اساتید مذکور با آنها معاصر بوده اند وممکن
است که بصحت این امضاها وثوق پیدا نمود اگرچه استبعاد ندارد که تمام صورتها بقلم
يك نقاش انجام گرفته باشد .

استاد بنیون Laurence Binyon این تصاویر را با تحقیقات وتتبع کاملی در
موضوعات منظومهٔ خمسهٔ نظامی نشر داده (۱)

پنج صورت ازتصاویر این نسخه را به میرك نسبت میدهند وواقعش این است
که مصادر تاریخی ایران وترك سه نقاش را باین اسم نام برده اند :

اول - خواجه میرك که درهرات اواخر قرن نهم هجری (۱۵ م) زندگانی
مینموده و درزمان استیلاء محمد خان شیبانی بر هرات در آن شهر وفات یافته

دوم - حاج میرك است که از خوشنویسان وخطاطان بخارا بوده

سوم - که ازهمهٔ آنها مشهورتر است آغامیرك اصفهانی اصل است که دردربار
شاه طهماسب درتبریز کار میکرده وباوصوری راکه بنام وی امضاشده دونسخه خطی

---

۱ - مراجعه شود به The Poems of Nizami, described by Laurence Binyon 1928

که ما درصدد آن هستیم نسبت داده اند (۱)

سام میرزا برادر شاه طهماسب در سنه ۹۵۷ - (۱۵۵۰ مینویسد **آغا میرك** نقاش دربار است که تالی ندارد و برای آن هیچ رقیبی نیست **واعالی** مورخ ترك ذکر میکند که آغامیرك شاگرد بهزاد بوده ودونفر ازکبار مصورین وسرامدان هنر نزد او کار کرده و درس خوانده اند ـ آندو یکی : **سلطان محمد** تبریزی است که بزودی از آن نامبرده میشود ـ دیگری ، **شاه قلی** است که در دربار **سلیمان خان** قانونی کارمینموده

شکی نیست که مهارت و استادی و زبر دستی و استادی **آغامیرك** و مراتب آگاهی و دانائی او در فن نقاشی در این صور پنجگانه که یکی از نمایش **کسری انوشیروان** را داده که شاه گوش بگفتار دوجغدی میدهد که بایکدیگر روی خرابه های کاخی کهن سخن میرانند ونقاش آنها را بطرزی روشن و آشکارا نشان داده که بخوبی جالب نظر وتوجه است ودرصورت دوم دیده میشود که مجنون ، لیلی را در در صحرا دیدن نموده وگرداگرد مجنون را حیواناتی از درندگان و وحوش بیابانی فراگرفته و استاد صورتگر صورت آنان را درنهایت دقت باظرافت وزیبائی زیادکشیده ودربین این سه صورت باقی مانده مناظری است که در بار شاه وانجمنهائی را نشان میدهد که درآنان آثار عظمت وجلال نمودار است (۲)

دراین نسخه دوصورت رابسلطان محمدنسبت داده اند .اول صورت خسرواست که ناگهانی درحالت تن شوئی و استحمام ببالای سر (۳) شیرین رسیده و دومی بهرام گور است که بشکار شیر مشغول شده و این دوصورت برای متانت و قوت ترکیب ورنك آمیزی کافی است که بالاتر از آن در این مورد تصور نمیرود و نیز مراقبت و دقت زیادی در ایندو صورت نسبت بتناسب آن با طبیعت و مراعات اصول طبیعی بامهارت فوق العاده در رسم صور آدمی وحیوانات مخصوصاً اسب بعمل آمده ودرخود نسخه تصویر دیگری است که پیرزنی را مینمایاند که از **سلطان سنجر** داد خواهی

---

۱ - مراجعه شود به Sakisian ; La Miniature Persane ص ۱۰۹ و ما بعد آن

۲ - مراجعه بتابلوی ۳۱ شکل ۴۲

۳ - مراجعه بتابلوی ۳۵ شکل ٤٦

نموده و از سلطـان میخواهد تابستمی که باو رسیده رسیدگی و دادرسی نماید .

حیواناتی که در این صورت کشیده شده باتفاصیل دیگران مارا وادار نمینماید که با استاد ساکسیان در نسبت دادن آن بسلطان محمد موافقت نمائیم (۱)

علاوه بر این ماقسمتی از تاریخچه زندگانی این استاد را میشناسیم مخصوصا بعدازاینکه ساکسیان اشتباه چیزی راکه مارتن (۲) ازوی نوشته بثبوت رسانیده در هرصورت تصویری که بنظر ما رسیده متضمن این است که حرفهای زیادی در باره آن بگویند .

شاید بدیعترین صورتی را که سلطان محمد تصویر نموده و حرکت دارتر وسبکروح تر ازهمه وخوش طرح ترازتمام کارهای اوصورتی باشدکه درنسخه‌خطی ازدیوان حافظ کشیده .

استاد نامبرده در این تصویر مجلس بزم وباده‌گساری رانمایش داده که درآن پیاله هادوزرده ومردمی بعیش و نوش مشغول ودیگران بحالت رقص وطرب درآمده وبعضی ازفرط شعف بروی زمین میغلطند واشخاصی دیگردیده میشودکه از اثرباده بحالت مستی درآمده وکف بلب آورده اند وشیخی رانشان میدهدکه آینه در دست گرفته و صورت خود را می بیند و فرشتگان نیز در کار باده نوشی شرکت نموده وازکنگره ایکه مشرف بردیگران است اشتراك میجویند درحالیکه نوازندگان همه را بطرب آورده و بین آنان سه صورت دیدهٔ میشودکه شبیه تر ازهر چیز بصورت بوزینه بوده ودرگوشه ازاین تصویر منظرهٔ باغی است که بغرفه پیوسته واتصال دارد ودرآن مردی ایستاده که در دست اورشته درازی است که ازطرفی یك سرآن بساق پای وی پیچیده وسردیگران بابریقی ازنوشابه (شراب) بسته و پیوسته است(۳)

از جمله چیزیکه بسلطان محمد نسبت داده اند صورتهای شاهنامه مشهوریست که اکنون درکلکسیون (مجموعه) بارون‌دی‌رو تشلید است این نسخه دارای ۲٥٦

---

۱ — مراجعه بتابلوی ٤۷ شکل ٤۸

۲ — مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۱۰

۳ — مراجعه بتابلوی ۳۸ شکل ٤۹

تابلوی ۴۴
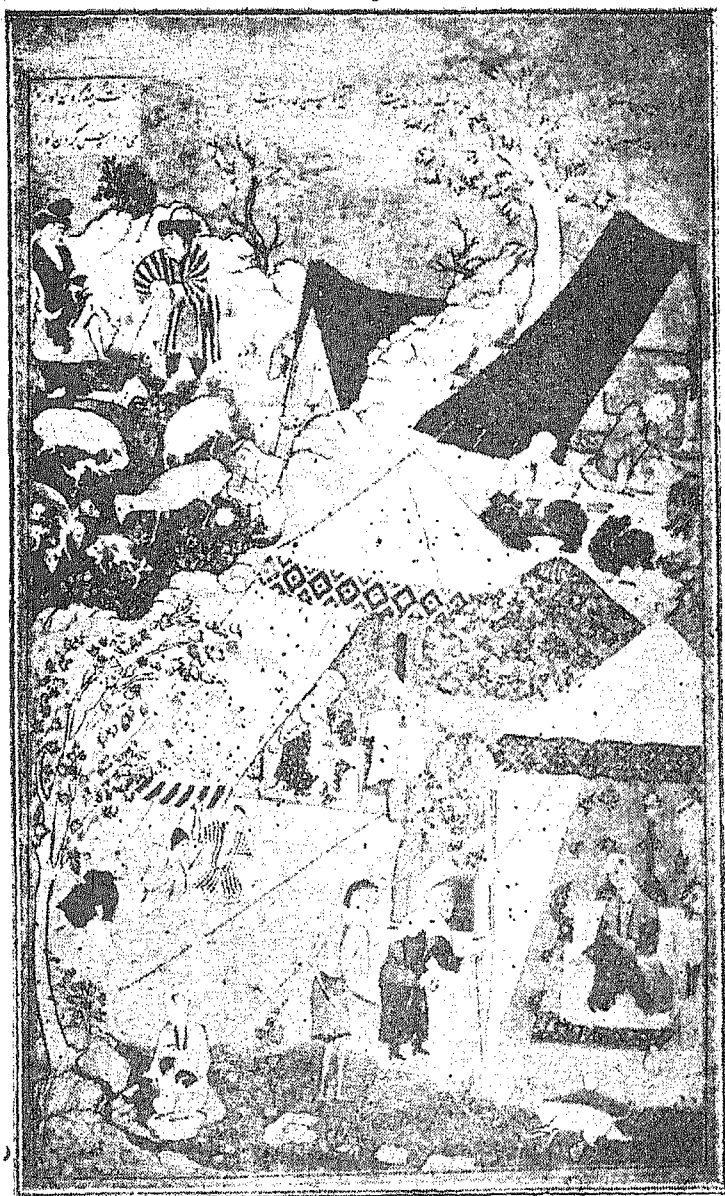
مجنون و کشانیدن آن بجانب منزل لیلی عمل میر سید علی نقاش ــ هنرستان صفویه
۹۴۶ ــ ۹۵۰ از نسخه خطی نظامی شاه طهماسب در موزه بریتانیا

تابلوی ٣٤

شکل ٥٤ — معراج (هنرستان صفویه قرن دهم هجری) از خمسه نظامی شاه طهماسب در موزه بریتانی

شکل٤٦ـ آمدن خسرو بالای سرشیرین درحالت تن شوئی از سلطان محمد نقاش ـ هنرستان صفویه- ازنسخه خطی نظامی‌شاه طهماسب درموزه بریتانیا

تابلوی ۳۶
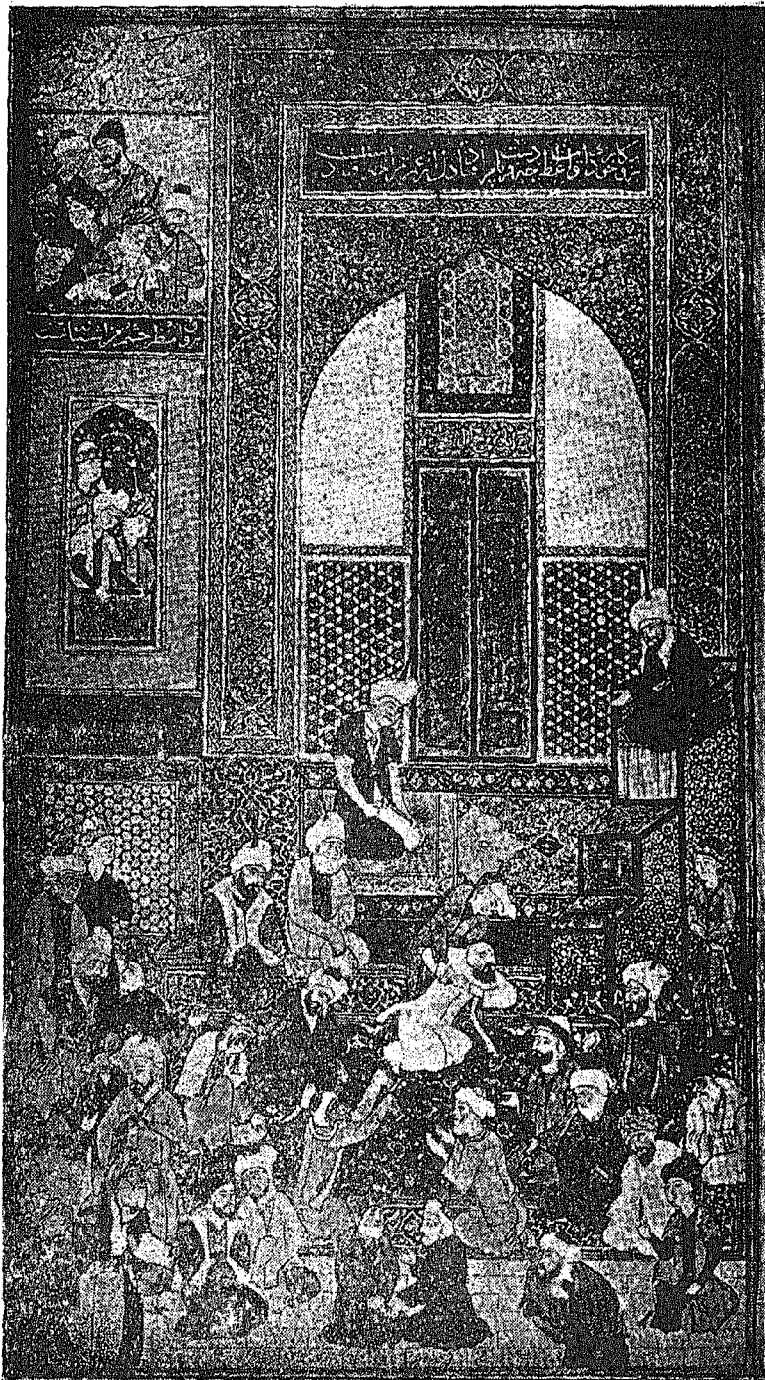
شکل ٤٧ — مجلس وعظ از شیخ زاده مصور — هنرستان صفویه در نیمه اول قرن دهم هجری
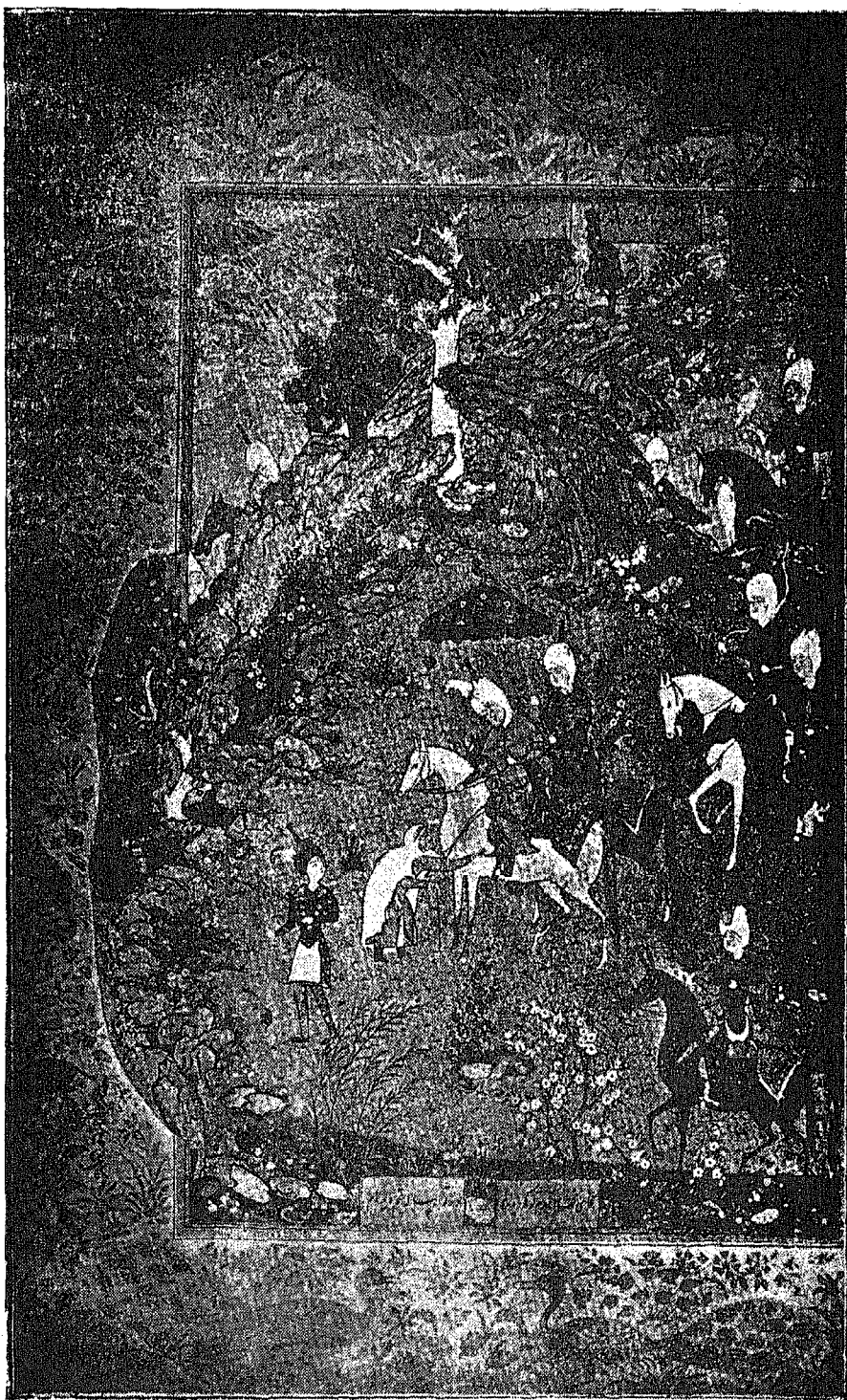
شکل ٤٨- پیرزن ودادخواهی ازسلطان سنجر- عمل سلطان محمد نقاش - هنرستان صفویه (٩٤٦ - ٩٥٠هجری)

تابلوی ۳۸

شکل ۴۹ـ مجلس باده گساری از سلطان محمد نقاش ـ هنرستان صفویه در آغاز قرن دهم هجری مجموعهٔ کار

تابلوی ۳۹

شکل ۵ــ صورت امیرازسلطان محمد نقاش یا هنرستان او در حدود سال ۹۳۵ هجری
کتابخانهٔ ملی لنین گراد

تابلوی ۱۴۰

شکل ۱۵۱ تصویر امیر عمل سلطان محمد ۹۳۵ مارتن
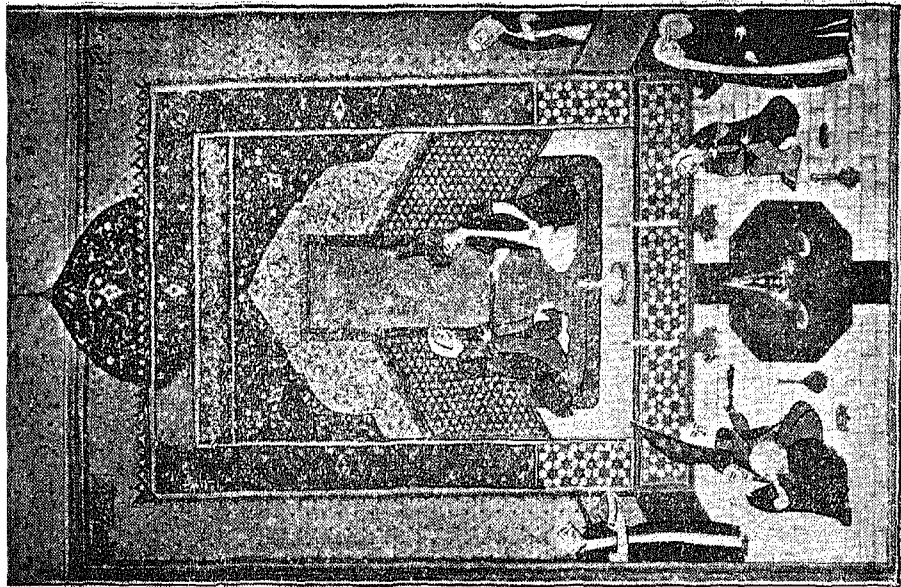
شکل ۵۲- بهرام گور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل میرك نقاش سال ۹۳۱ از نظامی خطی کتابخانه سلطنتی
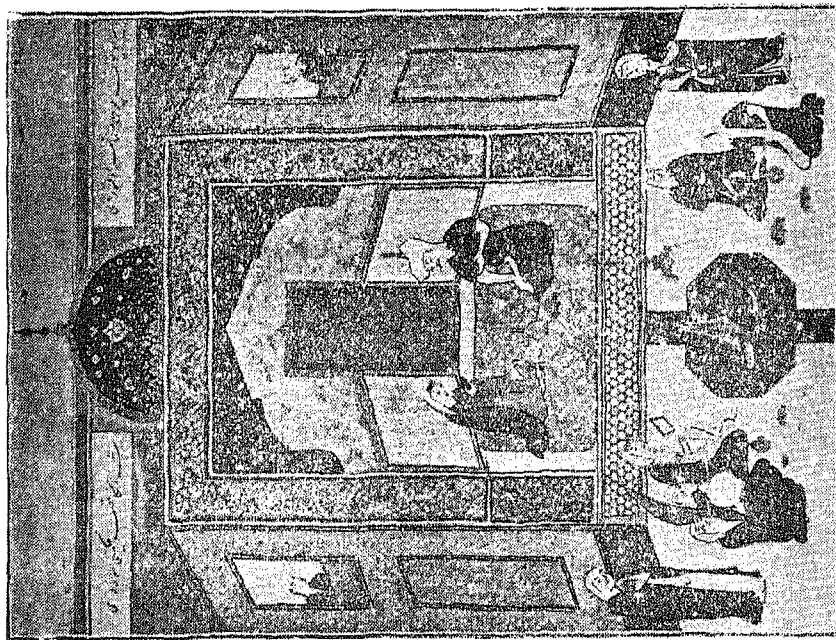
شکل ۵۳- بهرام گور با یکی از بانوان خود در کاخ سیاه
عمل محمود مذهب ۹۳۲ هجری از نسخه خطی کتابخانه ملی
پاریس منظومه میر علی شیرنوائی

تابلوی ۴۲

تصویر بزرگ است که دربین آنها مناظر بسیاری از صید و شکارگاه و میدان جنگ و وکارزار دیده میشود .

بطوریکه برای ما معلوم شده یکوقت سلطان‌محمد مدیریت هنرستان نقاشی یامجمع فنون جمیلهٔ تبریزرا عهده‌دار بوده‌واوضمناً بباقی فنون آرایشی وتزیینی توجه نموده ونقشهٔ قالیچه‌ها وظروف را میکشیده وتاثیر طراز واسلوب فنی وصناعت اودر اشکال انسانی که برمنسوجات وپارچه‌های ابریشمین ایرانی درقرن دهم‌هجری(۱۶م) بکاررفته مشاهده مینمائیم .

از جمله کسانیکه جزو نقاشان درباری‌شاه‌طهماسب اشتهار یافته‌اندمظفرعلی است که‌ازکارهای اودوصورت‌در کتابخانه «لنین گراد» وجوددارد وصورتی‌هم درنسخه خطی موزه بریتانیا سابق‌الذکر است که تصویری از بهرام‌گور کشیده که بیك تیر گوش‌گورخر را بسم‌آن دوخته تا اینکه برای دلبرخود (آزاده) مهارت و زبردستی وتوانائی وقدرت‌خودرا در کارشکار معلوم داشته وخاطرنشان اونماید .

مظفرعلی‌شاگردبهزاد بوده وبرتری وبالادستی او دررقم وتصویر صوراشخاص بدوست‌داشتن رنك طلائی وبکاربردن آن درنقاشی محرز وممتازگردیده واین‌استاد نقاشی‌های لازمه وتصاویر قصرشاهی و تالار چهل‌ستون را دراصفهان‌عهده‌داربوده(۱)

درآنجا دونفر نقاش ماهربوده‌اندکه برای‌ایشان اهمیتی بخصوص‌است وآندو یکی میرسیدعلی ودیگری‌عبدالصمد است که‌دوری مهم‌را درپیدایش هندی‌وایرانی در دربار هند بازی نموده‌اند .

میرسیدعلی اصلا تبریزی بوده ودرتصویرنسخه خطی‌خمسه نظامی که‌برای‌شاه طهماسب درست شده واکنون نسخه مزبور درموزه بریتانیا موجود است دست‌یاری وهمکاری نموده‌واودرآن کتاب‌تصویری راکشیده‌که نماینده‌پیرزنی‌است که‌مجنون را بجانب سراپرده لیلی میکشاند او مجنون را بطنابی بسته وکودکان بوی‌سنك‌میزنند لیلی نیز درجلوی‌خیمه خود نشسته‌او را می‌بینند ـ او دراین تصویر خیمه‌های‌دیگری

---

۱ ـ مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray; ibid ص ۱۱۵

دیده میشود زنانی که در آن خیام و سراپرده جا دارند و بکارهای پراکنده خانه‌داری وغیر آن مشغولند ونیز شبانانی دیده میشود که گلهٔ ازگوسفندان را میچرانندودردست یکی ازشبانها چله ایست که میریسد وشبان دیگر بنواختن نی مشغول است(۱) وظاهر این است که همایون امپراطور مغول درهند دو استاد مشهور ونقاش معروف میرسید علی وعبدالصمد را درتبریز دیده و آنوقتی بوده که همایون بآنجا پناه آورده ودردربار شاه‌طهماسب میزیسته ونیز بعد از محروم شدن وی از تخت وتاج هند بوده .

همایون را شگفتی عجیب ازکار میرسیدعلی پیدا شده وباو **نادرالملك** لقب داد، این دونفر نقاش بعدها باميرکابل پیوسته ودر آنجا عمل ۱۴۰۰ تصویر بزرك را برای قصه افسانه **امیرحمزه ایرانی** (رموزحمزه) ترتیب داده اند (۲)

همایون وپسرش بهترین سرمشق‌رادرتصویر وفن‌نقاشی‌از میرسیدعلی‌وعبدالصمد گرفته ویکی بعد دیگری کارهنرستان نقاشی راکه **امپراطوراکبر** تأسیس نموده بود بکمك شاگردانی ازهنود اداره مینمودند وآنها دررسم صوری که همایون‌خواسته‌بود تشریك مساعی بخرج داده‌اند ، ما عده‌زیادی از این‌صور راکه روی پارچه وقماشها کشیده شده دیده‌ایم که اغلب آنها درموزه وین محفوظ است(۳)

ازشاگردان هنود که‌این هنر را از آندواستاد فراگرفته انددو نفربنام **داروَنت** و **بازوان** بحدکمال‌رسیده ونبوغ یافته‌اندظن‌قوی آن‌است که میرسیدعلی‌یاعبدالصمد یاآندو با یکدیگر پرده بزرگی راکه درآن تصویر افراد خاندان تیمور است برای همایون طرح وترسیم نموده‌اند وپردهٔ مذکور اکنون درموزهٔ بریتانیا محفوظ است‌و برپارچه مانند صور افسانه امیرحمزه رسم شده ولیکن حالیه بطرزی شایسته واضح‌و روشن نیست تا در رسیدگی وتحقیق آن بتوان دقت وتوجه نمود .

در اینجاآنچه که برای ما باقی‌مانده پیش ازپایان این فصل آن است که اشاره

---

۱ — مراجعه بتابلوی ۳۳ شکل ٤٤

۲— مراجعه‌شود به Percy Brown; Indian Painting Under the Mughals ص ٤١ ، ٥٣ ، ٥٤ و Sakisian; La miniature persane ص ١١٦ — ١١٧

۳ — مراجعه شود به Die indischen miniaturen des Haemzae Romanes, hrsg. von H. Glück, Wien 1925

بنقاشی نمائیم که او مصور محمدی است این استاد فن نقاشی را ازپدرخود سلطان محمد فرا گرفته ودر کشیدن صور مناظر ریفی وتصاویر دهاتی و برزگری برپدرخویش فزونی وبرتری یافته ودرحقیقت بیشتر چیزی که ازکار محمدی بنظرما رسیده مربوط باوضاع دهکده ومناظر طبیعی است وشاید بدیعترین تصویر آن پرده نقاشی باشد که درموزه لوور محفوظ است ومربوط بسال ۹۸٦هـ ـ و۱۵۷۸ میلادی است واین تصویر نواحی مختلفه‌ای از زندگانی دهاتی را نشان میدهد ودر آن صورت زارعی است که زمین را شخم زده وزراعت میکند وزارع دیگری است که در زیر درختی نشسته و پرندگان بالای سر آن درخت قرار گرفته اند ودر نزدیکی آن دو تن شبانی است که بپاسبانی گله از گوسفندان مشغول شده ودردست یکی از آن دو نائی است که درحال نواختن است ودر آن صورت دوخیمه دیده میشود که درمیان خیمه‌ها از نانی هستند که بعضی دوك در دست گرفته وچله میریسند و بعضی پارچه میبافند واین رسم مانند دیگر ترسیمات (محمدی) تمامی رنگین نبوده بلکه کمی از آن دارای رنك سرخ در سنگها و صور حیوانات است . (۱)

امانقاشان دیگر که خبر اشتغال و کارداری آنان درزمان شاه‌طهماسب بمارسیده در اینجا مارا مجالی برای تحقیقات حال ایشان بطور تفصیل نیست وهمین بس است که ما بنام بزرگتران ایشان ومعروفین وبرجستگان آنان اکتفا نمائیم ، ازبین ایشان : سیدپیر نقاش وشاه‌محمد ودوست‌محمد وشاه‌قلی تبریزی است (۲)

---

۱ ــ مراجعه شود به Stchoukine; Les Miniatures Persanes ص ۱ ٥

۲ ــ مراجعه بکتاب استاد ساکسیان برای شناسائی تراجم مصورین و نقاشان

فصل هفتم

عصر شاه عباس و جانشینان او

رضاعباسی و تاثیر اروپائی

شاه‌عباس بزرك از(۹۸۵ﻫ ـ ۲۵۸۷ تا۱۰۳۸هجری ـ ۶۲۹ ۱ میلادی) در کشور ایران حکومت و شاهی داشته هنگامی که او بتخت نشست تجزیه و انحلال یا فنا وزوال سراسر این کشور راتهدید مینمود ، شاه‌عباس‌درشکست وهزیمت دشمنان‌خود موفق شدکه گرد وغبار را ازچهره ورخسار این مملکت پاك نماید واسباب آبادی و عمران را در آن فراهم ساخته سزاوار قدردانی وسپاسگذاری رعیت خود گردد ونام اودرتاریخ ایران‌نکته ورمزی ازمجد وعظمت و آسایش وراحت وخوشگذرانی وامنیت باقی گذارد .

شاه عباس درسال ۱۰۰۹ (۱۶۰۰) پایتخت ایران را باصفهان برده و بر زیبائی ودلگشائی این شهر در اثر بریدن کوهها و هموار نمودن راههای زیاد و بر پا نمودن عمارات عالیه افزوده و خوشنویسان و مذهبین و نقاشان عالی مقام را بجانب آنجا کشانیده ، اصفهان را جایگاه دانش و فنون و پیشه وهنر نمود، او پایتخت را بجنوب کشور انتقال داده و آنرا بدریای آزاد نزدیك گردانید، روابط باهندوستان وممالك باختر را در آنجا ترقی و رشد و نما داده وایران را بسفراو فرستادگان مخصوص و دستجات اعزامی ازکشورهای مختلفه اروپا وانمود ومعرفی کرد تجویزشاه ورخصت یااجازه حکومت‌او بازرگانان‌وجهان گردان‌رابرای آمدن باین کشور ودیدن وبهرمند شدن از مزایا و مناظر آن تشویق نمود وبطوریکه بسیاری از ایشان یادداشتهائی در آندوره وزمان ازخود نگاشته وگزارش گردش و سیر وسیاحت خویش را بیادگار گذاشته‌اند و دراین آثارشگفت وحیرت خودرا بنهضت بلاد ایران و پیشرفتهای مهم این کشور وصف کرده وعادات ووضع سلوك وتقالید و اخلاق ورسومی‌راکه دیده‌اند

بمورد بیان آورده وازبرخی صور بدیعهٔ و نقاشی های ممتاز وگزیده که در و دیوار کاخها بآن زینت و آرایش شده بود سخن رانده اند. (۱)

در حقیقت شاه عباس توجه زیادی بتصاویر و نقش ونگار ابنیه وعمارات داشته که از آن صور بدیعه هنوز در دوکاخ سلطنتی اصفهان باقی و پایدار است. (۲)

دراین تصاویر بسیاری‌ازرسوم بطرح و اسلوب طراز نقاشی اروپا دیده میشود که با نقاشی ایران قرین ومجاور گردیده ومحتمل است که جزو صنعت و کار یوحنا هلندی باشد که سالهای چندی درخدمت شاه عباس بوده (۲) ولی ما می‌بینیم که آخر دوره‌صفویه بتنوع محصول فنی ورنگارنك شدن فنون و هنرامتیاز یافته زیرا پیدایش تاثیر فنی اروپا استادان ایرانی را از میدان تنك کتابت و تصویر و کار تذهیب کتاب بمیدان های پهناور دیگری وارد کرده که در ترسیم صور مستقله و آرایش وتزیین ابنیه و دیوارها گرائیده‌اند وبسیاری از آن نقوش وصور در دیوارهای عمارات وابنیه آنزمان هم اکنون بخوبی دیده میشود.

گذشته ازاین نقاشان آنزمان توجه زیادی بنقاشی نسخه های خطی گرانبها و تذهیب آن ننموده بلکه کشیدن تصاویر را با قلم بدون هیچگونه رنك ترجیح داده و عمل سیاه قلم را معمول نمودند مگر اینکه بندرت بروش سابق رفته چون عمل ثانوی آنها کم‌خرج‌تر بوده ونقاشی‌را بدلهای مردم نزدیکتر مینمود وآشنائی و رغبت ایشان بآن زیادتر گردیده ودرتقویت وپیشرفت آن اقدام نمودند واین‌کار تنها جهت درباریان و رجال دولت نبوده بلکه دیگران هم در این خصوص تشریك مساعی مینمودند ولیکن تمام این اهتمامات شکست وانحطاطی راکه باین پیشه وهنر روی داده بود چاره نمینمود و بعدها دربارهم همراهی و نگهداری زیاد از نقاشان و اهل هنر نکرده بعلاوه مردم هم از تقویت و تشویق و مددکاری ایشان خودداری نمودند

۱– مراجعه به: Th. Herbeet; Description of the Persian Monarcy و کتاب J. Chardin Voyages en Perse (Amesterdam)1711

۲– مراجعه شود به: J. Daridan et S. Stelling-Michaud; La Peinture Sèfevide d' Ispahan (Paris 1930)

۳– مراجعه شود به: Binyon, Wilkinsno & Gray; ibid ص ۱۵٤

لذا بسیاری از نقاشان در کار کردن از برای خود ناچار شدند ، این موضوع باعث شده و معلوم میدارد که نسخه های خطی مصور و گرانبها بعد از نیمه قرن دهم هجری رو بکمی و ندرت گـذاشته و تقریباً از دیادصور و نقوش وضع تجارتی و کسبی بخود گرفته وبدون توجه ومراقبت زیاد درجواب تقاضای خواستاران که سرمایه ودارائی اندك وفروتنی وافتادگی زیاد داشتند کارهائی انجام میگرفت .

اما شناسائی ایرانیان بتصاویر اروپائیان و نقاشی آنان مربوط باوایل قرن دهم هجری (۱٦ م) میشود چنانکه گزارش آن از البوم کتابخانه ملی پاریس بخوبی مشاهده خواهد شد که در آن بسیاری از رسوم و نقاشی دورر (Düreur) آلمـانی تقلید شده و احتمال دارد که آنهارا مبلغین مسیحی یا تجار و بازرگانان حمل و نقل نموده باشد (۱) .

درمصادرادبی وتاریخی از نقاشانی که تصاویر اروپائی وطرز کار آنهارا تقلید نموده اند یاد آوری شده مانند **شیخ محمد شیرازی** که در کتابخانه **شاه اسمعیل میرزا** (۲) کارمیکرده (۹۸٤ـ۹۸۵) (۱۵۷٦ ـ۱۵۲۸ م) پس از آن بخدمت شاه عباس پیوسته ولیکن تاثیر صنعت غرب (اروپائی) در نقاشی ایرانی بطئی بوده وبکندی پیش رفته ظهور آن ابتدا در اختیار موضوعات و انتخابش زیادتر از هرچیز در اسرار و دقایق اصل صناعت بعمل آمده بطوریکه ممکن است ما بگوئیم نقاشان ایرانی از کار و کردار نقاشی اروپائی اقتباس کرده وچیزهای زیادی را از آنان پیروی وتقلید نموده اند ولیکن ایرانیان از تمامی آنها چیزی راکه شایسته وسزاوار بیان باشد هضم ننموده و بخود نگرفته اند مخصوصاً در نقاشی کتاب های خطی پیروی از روش و اسلوب قدیم کرده و با تقلید نمودن از هر طرز جدیدی مقاومت و پافشاری مینمودند . اگرچه تصاویر ابهت واهمیت اولیه خودرا از دست داده وبسیاری ازمتخصصین فنی نمیتوانستند چیزهای تازه ای بیاورند وتصرف باابداعی بنمایند لذا بتقلید صور موجوده ازمخطوطات

۱ــ مراجعه شود به Basil Gray; Persian Painting ص۸۳

۲ــ او شاه اسمعیل صفوی اول (۱۵۰۱ــ۱۵۲٤م) نیست چنانکه استاد گرای Gray (ص ۸٤ Ibid) تصور کرده بلکه شاه اسمعیل دوم ملقب بعادل است مضابق به Arnoid; Painting in Islam ص ۱٤۳

ونسخ قدیمه بطور تقلیدی نامعلوم اکتفا نمودند چنانکه ما این‌طرز را در تصاویری که‌در نسخه خطی‌منظومه **یوسف و زلیخا** کشیده شده وتاریخ آن ۱۰۲۹ه(۱۶۱۹م) است ملاحظه مینمائیم وهم اکنون نسخه آن در (**دار الاثار العربیه**) (۱) موجود است و در نقشه های نسخه خطی دیگری‌که دراین موزه محفوظ است(۲) و شامل کتاب مثنوی جلال‌الدین رومی میگردد در یکی از صفحات این نسخه که جزء دفتر اول از آن‌کتاب است تاریخش این است‌که درسلخ شهررجب۱۰۱۲ هجری تمام شد (۱۶۹٤ م) .

اما رسمها وصور مستقله ایکه جزء افتخارات وامورمهمه این عصر است بعضی اوقات شناختن تاریخ آن بدقت مشکل است زیرا که دراین بین تغییراتی طبیعی در طرز وروش این نقوش ورسوم پیدا شده مخصوصاً از وقتی‌که برتری و امتیازات در تصویر نسخه های خطی (محمدی) نقاش شروع گردیده که ما درفصل گذشته راجع بآن شرحی نگاشته و دراطراف کار او بیاناتی نمودیم این اسلوب همواره جاری و معمول بوده وازآن پیروی‌میشد تا اینکه نقاش‌بزرك واستاد بلند پایه (**رضای‌عباسی**) پیدا شده وآنرا بدرجه اعلی ازترقی وپیشرفت رسانید چیزی‌که هست پوشش سر و عمامه و کلاه کمك زیادی بما درباره تشخیص تاریخ این‌صور و رسوم مینماید‌که در نیمه قرن دهم درست شده (۱٦م) ونیمه قرن ۱۱ هجری هم بدینگونه است زیراکه عمامه در قرن دهم (۱٦) بحجم خود افزوده تا اینکه در آخر دوره شاه طهماسب خیلی ضخیم وبزرك گردیده وضمنا عمامه های دیگری بظهور آمده وما می‌بینیم‌که جوانان شوخ وشنك وزنان دلفریب وطناز در رسوم ونقوش وپرده وتصاویراین‌عصر پیدا شده اند صاحبان تصاویر درعمامه‌های خودگلها وشکوفه‌هائی‌که دارای بوته‌های ساق بلند است داشته یا اینکه دراطراف سر دستمال یا روسری مانند زنان دارند و گاهی جامه هائی پوشیده‌اندکه باآن عمامه ودستار نوك تیز (مخروط) دیده میشود و دراول نیمه دوم ازقرن یازدهم هجری (۱۷ م) بسیاری ازمردها عمامه وکلاهی از

۱– رقم۱۳۰۳۷

۲– رقم ۱۳۰۹۳

پوست گوسفندان برسر مینهادند که پشمهائی از آن آویزان بود(۱)

از جمله چیزی که در نقاشی و رسمهای مربوط بقرن یازدهم هجری (۱۷ م) دیده میشود تبدل و تغییری است که در تصاویر اشخاص بظهور آمده و شخص تقریباً جز قامت های رسا واندام رعنا نمی بیند وطرح ووضعی که خالی از تکلف است مشاهده مینماید بطوریکه در این صور اهمیت اشخاص را زیاد نموده و عدهٔ افراد را تقلیل داده مثلا دیده میشود که دریك صفحه صورت یکنفر یا دو نفر کشیده شده درصورتیکه درقرن پیش تمام صفحه‌ها ازیکعده زیادی ازصور پهلوانان واتباع وتماشاچیان وغیره پر بوده .

هم بدینگونه اساتید فنی آرایش های مرکبه وتزیینات مختلفه راکه در دوره های گذشته بآن اشتهار داشتند ترك نموده وبآرایش متن وزمینه تصویر بنیمدرخت های کوچك بابوته وشاخه های گلدار تنها اکتفاکرده وبااین وصف رسوم و تصاویر انسانی درمیانه آنها پیشرفت نموده وموقعیت و مقام اشخاص در نقشها ظاهر وآشکار میگردد چنانکه شوخی ومداعبه وکارهای تمسخری بطوریکه درعمل کاریکاتورهای جدید معمول است درآنان بظهور رسیده .

درموزه «مترو پولیتان نیویورك» دو نسخه خطی از شاهنامه است که بزمان **شاه‌عباس** مربوط است ودرآن صورتهای زیادی دیده میشود .

نسخه اول تاریخ آن ۹۹٦ هجری(۱۵۸۷ـ۸ م) است که درآن چهل تصویر بزرك کشیده شده در صورتیکه نسخه ثانی تاریخ آن از سال ۱۰۱٤ تا سال ۱۰۱٦ است (۱٦۰۵ـ۱٦۰۸) ودرآن ۸۵صورت بزرك وجود داردکه بقلم استادان ناشناخت وغیرمعروف انجام گرفته .

استاد دیمند (Dimand) عقیده دارد صور اشخاص و مناظر طبیعی که در این دونسخه کشیده‌اند ازاصل طبیعت نقل شده ودرآنها بسیاری از اوصاف ومشخصات صوری دیده میشود که منتسب باستاد معروف « رضای عباسی » است(۲) . در واقع

۱ــ مراجعه شود به: Binyon; Wilkinson & Gray : ibid ص۱۵۵

۲ــ مراجعه شود به: Dimand A Handbook ص ٤٦

شکل ۵ یوسف و استقبال زلیخا در حالت پیری نسخه خطی منظومه یوسف زلیخا ۱۰۲۸ دارالاثار مصر

شکل ٥٦ یوسف و زلیخا با رفقای آن از نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا مورخ ١٠٢٧ دارالاثار عربی

تابلوی ۵٤
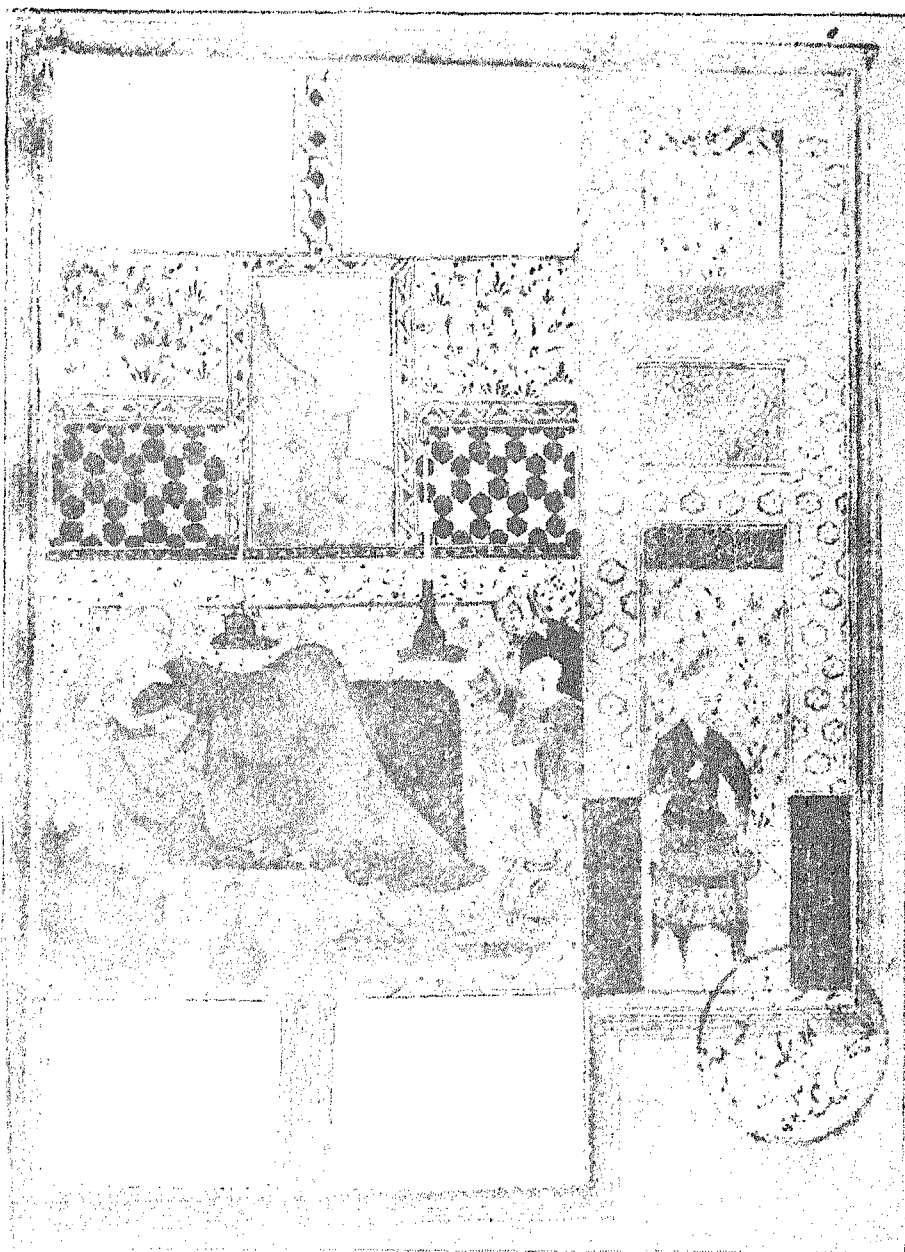
شکل ۵۷ ـ صفایین یوسف و زلیخا از کتاب خطی یوسف و زلیخا مورخ ۱۰۲۸ هجری دار الآثار العربیه

تابلوی ٤٦
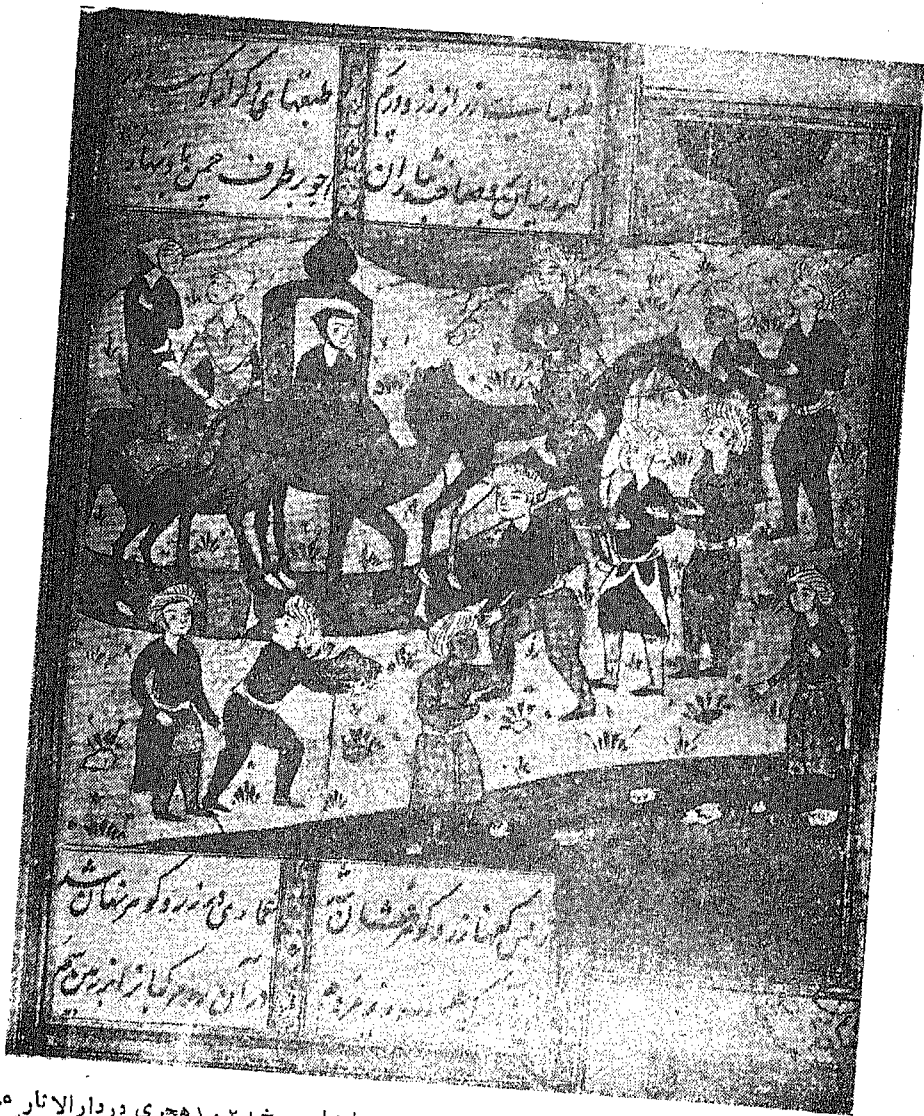
شکل ٥٨ – زلیخا در هودج – از نسخه خطی منظومه یوسف و زلیخا مورخ ١٠٢٨ هجری در دار الآثار عربی
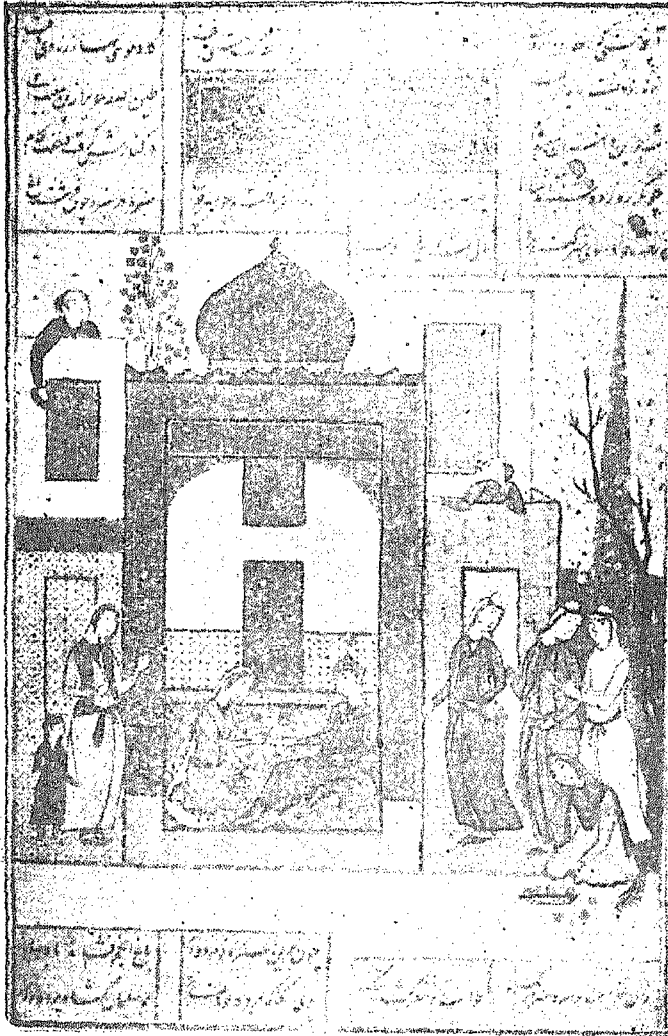
تابلوی ۴۷

تابلوی ٤٨

شکل ٦٠: بهرام گور با یکی از بانوان خود در گنبد سبز عمل حیدر نقاش ١٠٣٢
کتابخانه ملی پاریس

شمیمه تابلوی ٤٨

شکل ٦١ : شیخ صفی الدین که جام راتقدیم شماطبیب فرماید عمل رضاعباسی ١٠٤٢ هجری لنین گـراد

تابلوی ۴۹

شکل ۲۶۲ صورت جوان عمل رضای عباسی مجموعه مستر راینو

تابلوی ۴۹ مکرر

شکل ۶۳ تصویر بانو عمل رضا عباسی مجموعه مستر راینو

تابلوی ۵۰

دو شکل ٦٤ و ٦٥ دو ساقی عمل رضا عباسی در نیمه اول قرن یازده هجری نقاشی بالا در کتابخانه ملی پاریس و دیگری در موزه مترو پولیتان نیویورک

نام واختلافات زیادی نموده‌اند که دراین اختلاف کاراباتشك Karabacekوسار Sarre ومیتوك‌یامتفخ Mittwoch و بلوشه Blochet وساکسیانSakisianوارنولدAronldو کونل Kühnel ودیگران ازبزرگان متتبعین‌درتاریخ نقاشی‌اسلامی‌اشتراك نموده‌اند.

علاوه براینها بیشتر این اشخاص بر آن متمایلند وچنین عقیده دارند که دونفر نقاش بااین اسم آقارضا ورضا عباسی بوده‌اند.

اما هویت استاد اولی چندان معلوم وآشکارنبوده وظاهراین است که او پیشتر از رضا عباسی بوده و در دربار شاه طهماسب در اواخر قرن دهم هجری کار میکرده (۱۶تااوائل قرن۱۱هجری و۱۷ م) وبا اینکه گاهی اوقات اشتباهی زیاد بین کارهای این دواستاد رخ میدهد بااین وصف نزد ما تصاویری هست که تفاوت وامتیاز بین‌هنر وکار دواستاد مذکوررا بخوبی نمودار میسازد.

استاد ساکسیان درکاری که نسبت آن بآقارضاصحیح‌بوده وجزء رسوم وتصاویر اواست‌تتبع وتحقیق نموده (۱)

مابین کارهای این‌استاد که میتوان آنرا جزء عملیات برجسته وممتازوی‌دانست صورت زیبا وبدیعی‌است که میسو فیفرباویور Vivre داراست. این تصویر امیری را بااستادآن نشان‌میدهد(۲) پس‌از آن‌صورت‌جوانی‌راکشیده که شاخ‌گلی دردست‌دارد وتصویرمذکوراکنون درکتابخانه ملی پاریس مضبوط است (۳)

ساکیسان نظر براین‌دارد که بعضی‌ازرسوم وصورالبوم گردآورده دکترسار که بنام آقارضا است تصاویر آن را رضای عباسی انجام داده و کارهای مذکور باو منسوب است.

---

۱ - مراجعه شود به Sakisirn : La miniasure Persane ص ۱۲۶ - ۱۲۹

۲ - مراجعه شود به Sakisian : ibid شکل ۱۶۳

۳-ملاحظه به Sakisian : ibid شکل ۱۶۸ و... Blochet : Les Enluminures تابلوی ۷۱.

۴ - مراجعه شود به Sarr et Mittwch; Zeichnungeo von Riza Abbasi; München 1914

و نیز ساکیسان میگوید : آقارضا استادی است که باشاه عباس کبیر معاصر بوده و رضای عباسی نیست .

درهرصورت خوشنویسی که نام او «علیرضای عباسی» است اشکال کاررا زیادتر نموده زیراکه او معاصر بارضای عباسی بوده ومورخین فنی بین آقارضا و رضا عباسی وعلیرضا عباسی اشتباه مینمایند ولی آنچه بثبوت رسیده این است که دونفر اخیر جداگانه ومختلف بوده اند وبرضای عباسی عده زیادی از تصاویر ونقوش را نسبت میدهند که بعضی از آنان دارای تاریخ است و مارا بر آن میدارد که حکم کنیم دوره انجام آنان بین سالیان ۲۸-۱-۱۰۴۹ بوده (۱۶۱۸-۱۶۳۹) وبیشتر مردمانی راکه صورت کشیده از آنهائی هستند که در اواسط دوره زندگانی میباشند وآنهارا بینی‌هائی کشیده است یاتصاویر وسیمای دختران وپسرانی است که بیننده آنهارا عدهٔ اززنان بشمار میآورد ودربین آنان صوری وجود دارد که مهارت وزبردستی این استاد واستعداد و بخشایش وموهبت خاصه ایکه باواعطا شده دلالت خواهد داشت .

از صور بدیعه زیبائیکه به آقا رضای عباسی منسوب است یکی آن است که تاریخ آن درسال ۱۰۴۳ هجری (۱۶۳۴ م) میباشد وصورت شاه صفی‌را نشان میدهد که بطبیب مشهور محمد شمسه جامی باده اعطا مینماید(۱) ودیگری که در کتابخانه ملی پاریس است صورت بانوئی‌را کشیده که آن زن یکی ازوزرای شاه عباس بوده .(۲)

درموزه ویکتوریا و البرت لندن نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی قسمت خسرو شیرین آن مشتمل بر ۱۷ صورت است که دارای امضای رضای عباسی است و یکی از آنها مورخ ۱۰۴۲ هـ - ۱۶۳۲ میلادی میباشد(۳)

گمان زیاد بر آن است که باقی صورتها هم باین تاریخ برمیگردد خلاصه آنکه کار مزبور در هرحال برای رضای عباسی تمام افتخارات و اهمیت را احراز ننموده و

---

۱ - ملاحظه بتابلوی ۴۸ شکل ۶۱

۲-ملاحظه به . . . Blochet : Les Enluminures ص ۱۲۹

۳ - مراجعه‌شود بمقاله سرتوماس ارنولد ازنسخه خطی در شماره ژانویه ۱۹۲۱ مجله Burling ton Magasine

تابلوی ۵۱

شکل ٦٦ ـــ تصویر رضای عباسی بقلم معین مصور ۱۰۸٤ هجری مجموعه گوارتش لندن

تابلوی ۶۲

شکل ۶۲ ــ صورت جوان ــ عمل رضای عباسی مجموعهٔ راینو

شکل۶۸ــصورت مردی که نشسته مورخ سال
۱۰۷۴ هجری مجموعه مستر رابینو

شکل۶۹ ــ صورت بانو مورخ سال ۱۰۶۷
هجری مجموعه مستر رابینو

تابلوی ٥٤

شکل ۷۰ — تصویر بانو با لباس اروپائی — قرن ۱۲ هجری
بامضای خواجه شادمان نقاش مجموعه لوئی هرس

نمیتوان آنرا بصور نسخه های دیگر که در ادوار گذشته جهت عین قصه تهیه شده پیوست نمود.

اشخاص در این تصاویر نه تنها عادی بوده بلکه آنانرا باشخاصی که در نقاشی ها و رسوم مستقله منسوب برضای عباسی دیده میشوند شباهت است و برای رنگها ابداع و تناسبی در ترکیب آن نیست.

در کلکسیون مستر رابینو (Rabion) موجوده در قاهره دو صورت است که بر آن امضای (رضا عباسی) رقم شده و یکی از آندو جوانی را نشان میدهد که زیر شاخه درختی نشسته و سر او باندازه کمی بجانب دوش وشانه چپ وی متمایل است ودر جلو آن دو ظرف دیده میشود که روی یکی از آنها صورت انسان و حیوانی ترسیم گردیده(۱) ودر تصویر دویم درنیمه بالای صورت تصویر بانوئی است که برسر آن گل و پرها نصب شده(۲)

استاد ساکسیان عقیده دارد بسیاری ار رسوم و تصاویر که دکتر سار درالبوم خود گرد آورده و منسوب برضای عباسی دانسته بعضی از آنان کار های رضا است و برخی دیگر عمل آقا رضا وبعضی هم ازعملیات معین نقاش وپارهٔ دیگر ازجمله کارهای نقاشان ناشناخت میباشد وهم دیده میشود مزایا ورجحانی راکه دراین روش وطراز برضای عباسی داده‌اند این امتیاز شامل نقاش دیگری هم خواهد شد که به حیدر نقاش موسوم است واو نسخه خطی از منظومه خمسه نظامی راکه درکتابخانه ملی پاریس وجود دارد بین سالیان ۱۰۳۰ و ۱۰۳٤ (۱٦۲۰ ـ ۱٦۲٤) تصویر کشیده. (۳)

در هر صورت فن نقاشی ایرانی در نیمه دوم قرن یازدهم هجری (۱۷ م) و در قرن ۱۲ ه (۱۸) تأثیری تمام بطرز واسلوب نقاشی رضای عباسی پیدا کرده و در خدمت این استاد شاگردانی بودند که بروش وسبك او رفتار مینمودند و مهمتر ازهمه آنها

---

۱ ـ ملاحظه شود بتابلوی ٤۹ شکل ٦۲ و مراجعه به Wiet : L'Exposition persane de 1931 ص ۸۲ ـ ۸۳

۲ ـ ملاحظه شود بتابلوی ٤۹ شکل ٦۲ و مراجعه به Wiet : ibid ص ۸۳

۳ ـ مراجعه شود به Sakisian : La Miniature Persane ص ۱۳۵ و مابعد آن

معین نقاش است که درنیمه دوم قرن ۱۱ ه (۱۷) کارمیکرده و در سالهای اولیه از قرن ۱۲ ه (۱۸ م) چیزی را که ما ازاو میشناسیم صورتی است که برای استاد خود کشیده و چند صورت دیگر است که یکی از آنان درمجموعه مستر (رابینو) موجود است . در این صفحه صورت جوانی کشیده شده که خروسی را دربغل گرفته ومیبرد وتاریخ آن ۱۰۶۷ و (۱۶۵۶ م) است (۱)

ازشاگردان رضا عباسی چهارنفر دیگرند که آنها : افضل محمد قاسم تبریزی - محمد یوسف . محمد علی تبریزی میباشند.

شاه عباس دوم

(۱۰۵۲-۱۰۷٦) - (۱٦٤۲-۱٦٦٦)

شاه عباس دوم مشوق ومروج اسلوب نقاشی غرب وفنون صورت کشی اروپائی بوده من جمله او (محمد زمان) نقاش را بروم فرستاده تا در آنجا مطالعات نموده و هنرخودرا تکمیل نماید .

ظاهراین است که نقاش مذکور در آنجا کیش مسیحی را اختیار نموده بعدازآن بهند رفته و بآنجا پناهنده شده پس از آن درحدود (۱۰۸۷) (۱٦۷٦) بایران برگشته و بتصویر سه صفحه سفید ازکتاب خمسه نظامی که برای شاه طهماسب تهیه شده بود پرداخته که این کتاب درحدود صدسال پیشرا آن درست شده وتصویرش ناتمام مانده بود واکنون نسخه مذکور درموزه بریتانیا است .

دراین صورت و درغیر آن تاثیر فنون اروپائی در عمل این نقاش و دیگران از کسانیکه علم نقاشی را درایتالیا فراگرفته‌اند ظاهر میشود و بیشترچیزی که این اثررا نشان میدهد ترسیم صور خاندان مقدسه و قدیسین یاکشیش‌ها و فرشتگان وغیره از مناظر مذهبی مسیحی است .(۲)

۱ــ ملاحظه شود بتابلوی ۵۲ شکل ٦۷ ومراجعه به Wiet . ibid ص ٨٤

۲ ــ مراجعه شود به Binyon, Wilkinson & Gray : ibid ص ۱٦۱ - ۱٦۲ و ArnolaPain ting in Islam ۱٤۸-۱٤۹ ومقاله استاد مارگوفتش - Journal of the American Oriental Society ج ٥٤ سال ۱۹۲٥ ص ۱۰٦ - ۱۰۹

با این وصف قرن دوازدهم هجری (۱۸ میلادی) بواسطه تاثیرات اروپائی و اشکالات سیاسی که در ایران رخ نموده اعلام فنا و اضمحلال نقاشی ایران را داده و برای بعداز آن در دوره (فتحعلی شاه) و آخر قرن ۱۲هجری (۱۸م) و اول قرن ۱۳ (۱۹ میلادی) فنی قابل توجه و کاری مورد اهمیت بنظر ما نرسیده و آنچه که دراین دوره عمل وانجام یافته از نقاشی های رنك و روغنی وتابلو پرده های بزرك است که صنعت ورنك اروپائی آنان زیاد ازصنعت وصبغه ایرانی خواهد بود.

ما درفصول این کتاب موضوع ظهور وپیدایش فن نقاشی را درنزد ایرانیان وارسی وتتبع نموده و روزگارهائی راکه فن مذکور دراین سرزمین گذرانده تااینکه پیروی وتمایل اروپائی وغرب بآن خاتمه داده بانیایش وتقریظ ازتقلید نیاکانی موروثی همه را بمورد رسیدگی وتحقیق آورده ودیده ایم که چگونه مجال پیشرفت وترقی درایران نسبت باین فن محصور و مسور بوده مخصوصاً ازاین جهت که نقاشی وتصویر دراین کشور بلکه درتمام دنیای اسلامی بواسطه تعبیرات احساساتی ومذهبی وعقایددینی[۱] حرمت یافته وممنوع بود و بااینکه ایرانیان فن مذکوررا ازهنروفنون شرقی بارث برده وقریحه واستعداد ذاتی در آن داشته اند که آنرا ازتقلید طبیعت وبیان اسرار هستی بنحوی که ما درفنون اروپائی مشاهده مینمائیم دورنموده معذلك نقاشی ایرانی درعالم خصوصیت خود بمقامی رسیده که بالاتر ازآن تصورنمیرود وبرای این فن درقسمت رنك آمیزی وترکیب رنگها پیشرفت ها وموفقیتی است که شناسنده آن کسانی خواهندبود که دچار شگفت و حیرت از تماشای نسخه های خطی و مجموعات آثاری گردیده اند - ستایش خدایراکه این نامه انجام یافت.

۳- بعضی از نقادان در نقاشی ایرانی عیبی که گرفته اند آن است که انجام این عمل توضیح از برای شرح دادن مطالب مندرجه در صفحات نسخه های خطی وحکایات معروفه ازحادثه وپیش آمد ها میباشد درصورتیکه ازروی حقیقت این موضوع مورد انتقاد وعیب جوئی نیست بویژه وقتی ما این نکته را یادآورشویم که بیشترچیزی راکه بزرگان هنرپیشه ونقاشان ایتالیائی از کشیدن صورت ها درنظر گرفته اند برای توضیح مطلب و شرح دادن حوادث کتاب مقدس یا افسانه و موهومات پیشین بوده دیگر مجالی از برای انتقاد نخواهد بود.

مدارك و مراجع كتاب

۱ ـ كتاب التصوير عندالعرب احمد تيمور پاشا ـ نسخه خطی که نمونه آن در مجله الهلال انتشار یافته .

۲ ـ بنیون هنرپیشه دکتراحمد زکی ابوشادی ـ مقاله انتشاری مجلة المقتطف شماره آوریل ۱۹۳۵

۳ ـ الفن اسلامی فی مصر دکتر زکی محمد حسن (از مطبوعات دارالاثار ـ العربیه، که جزء اول آن منتشرشده .

٤ ـ كتاب الاسلام والحضارة العربيه استاد محمد کردعلی .

ارنولد ، نقاشی دراسلام اکسفرد ۱۹۲۸

آثار ساسانیان وهنرهای زیبای مانی در ایران .

نقاشی نیوکاستل در تین ۱۹۲٤

دستورات قدیم وجدید درصنایع ملل اسلامی، لندن ۱۹۲۸

ارنولد وگروهمان کتاب اسلامی، لندن ۱۹۲۹

بینین ل. صنعت آسیائی درموزه بریتانی وصنایع آسیائی جلد٦ پاریس ۱۹۲۵

منظومات نظامی، لندن ۹۲۸

بنین و ویلکنسن وگرای نقاشی مینیاتوری ایران، اکسفرد ۱۹۳۳

بلشه تذهیب و رنگ آمیزی های کتب خطی شرقی ـ اعراب ـ ترکها وایرانیان کتابخانه ملی پاریس ۱۹۲۹ نقاشی اسلامی، لندن ۱۹۲۹

کماراسووامی مینیاتور های شرقی از مجموعه گلوبو درموزه صنایع مستظرفه بستن وهنرهای آسیائی قرن۱۳، پاریس ۱۹۱۹

کریسوئل ـ مخزن کتب (کتابشناسی) ازنقاشی صنعت محمدیان ، لندن ۱۹۱۲

دیز ـ تاریخ اسلامی ولکر ـ برلن ۱۹۱۷ عنصر نقاشی ایرانی .

دیماند ـ رساله محمدیان درصنعت تزیینی نیویورک ۱۹۳۰

کلوك وديز ـ افسانه های اسلامی، برلن ۱۹۳۵
گرای ـ نقاشی ایرانی، لندن۱۹۳۰
گروسه ـ تمدن شرقی، پاریس۱۹۲۹
هرتسفلد ـ آثار سامرا برلن ۱۹۲۷
هوارت ـ خط و مینیاتور های شرقی اسلامی،پاریس ۱۹۰۸
کونل ـ مینیاتورکاری اسلامی شرق، برلن ۱۹۲۲
مارتن ـ مینیاتور نقاشی و نقاشان ایرانی - هند - ترکیه از قرن هشتم تا قرن هیجدهم میلادی، لندن۱۹۱۲
میژن ـ رساله صنعت اسلامی دو جلد، پاریس ۱۹۲۷
ساکیسان ـ مینیاتور ایرانی از قرن ۱۲ تا ۱۷م، پاریس۱۹۲۹
سارومیتویخ ـ کارهای رضای عباسی،مونشن ۱۹۱٤
شولز ـ مینیاتورهای اسلامی ایران،لپزیك ۱۹۱٤
اسشوکن ایوان ـ مینیاتورهای اسلامی ایرانی،کتابخانه قاهره (هنرهای‌زیبا)
ویلکن سن ـ شاهنامه فردوسی،لندن ۱۹۳۱

فهرست اعلام کتاب

فهرست تابلوها و تصاویر

فهرست کتاب

مقدمه مترجم و تقریظ ها

صفحه

بقلم مترجم

پایان کتاب

بسمه تعالی

اکنون که ترجمه کتاب گرانبهای (تاریخ نقاشی در ایران) بپایان رسید اندیشه بدان کشید که صفحاتی چند راجع بمحتویات بعضی از کتابخانه های پایتخت بنوبت خود بعنوان پایان‌کتاب ضمیمه و پیوست سازد .

در اینجا گفته میشود که استاد دانشمند دکتر زکی محمد حسن در اثر تالیف این کتاب خدمتی بزرگ و شایسته نسبت بمیهن ما انجام داده و ازسرزمین وادی نیل این هدیه نفیس را بجهانیان تقدیم نموده و این زحمت وهمت ایشان مخصوصاً مورد تقدیر ومنظور و نظر اولیای وزارت فرهنگ ایران شده وبتصدیق و گواهی استادان فنی وهنرمندان ودانایان، مؤلف محترم درمجموعه مزبور بدقایق و نکاتی راجع باین فن متوجه شده که کمتر کسی بآنها پی برده وبهترین‌سبك را درکلاس‌بندی آن ایجاد نموده لیکن باید دانست برای‌مانمونه کار ومفاخراساتیدو هنرمندان دوره و اعصار قرون‌سالفه و ادوار گذشته وحال دراین سرزمین بسیار و آثارهنری ایشان در مخازن و کتابخانه‌های‌مهم‌ایران‌ازقبیل کتابخانه‌دربار شاهنشاهی‌وکتابخانه آستان قدس رضوی وکتابخانه ملی و موزه و کتابخانه مدرسه سپهسالار بالاخره درکتابخانه های شخصی عمده مانندکتابخانه آقای حاج حسین آقا ملك وکتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی و دیگران بیشمار است بطوری که هرقسمتی بیننده را دچار حیرت نموده و از دیدن هر کدام دیده حالت جذبه و بهت ازکارو کردار این سرآمدان هنر ولطایف و ظرایف‌عمل ایشان پیدا خواهدنمود ومیتوان گفت که شخص دربرابر تماشای هرهنری فریفته و مدهوش و بالاخره دلباخته و مبهوت میگرددکه آیا این هنروران بزرك و استادان توانا چگونه این همه بدایع وهنریدی را بکاربرده وخامه سحرطرازایشان

بدینسان آثار بدیعه و اعمال ظریفه وحیرت‌اوررا نگاشته و پرداخته اند وآنان وچه فکرهای باریك ودقیق را پیروی وتعقیب نموده وازعالم اندیشه بمعرض شهود آورده اندکه فقط هرکدام تنها بقریحه واستعداد خاص ایرانی وهوش سرشار هنروران این کشور باستانی اختصاص دارد .

ما اگر بخواهیم اسامی کتب قدیمه وصرز بدیعه بعضی ازکتابخانه های مرکزی (پایتخت) ایران‌را بمورد بیان ونگارش بیاوریم ودراطراف هریك ازآنان قلمفرسائی کنیم فی‌الواقع بایستی خود دراین باب کتابها بنویسیم ومجلداتی ترتیب دهیم .

چه خوب بود موقعی که دو استاد دانشمند دکتر عبدالوهاب عزام و استاد عبدالحمید عبادی برای شرکت در جشن هزارمین سال حکیم سخندان ابوالقاسم فردوسی سفری باین سامان نموده وددرآثار زیبا وعمارات دلگشا و ابنیه فرح افزا و معماری های مهمه ما مشاهداتی مینمودند درآنوقت استاد هنرپیشه آقای دکتر زکی محمد حسن هم باآندو هموطن‌محترم خود همراه بوده درکتب مخطوطه وپرده‌های نقاشی ومرقعات‌محفوظه درکتابخانه‌ها وغیره اینجا مطالعات ومشاهداتی‌میکرد وبعداً این مولفه نفیس وگرانبهای خودراکه‌درآثار تصاویر ونقاشی باستان ایران اختصاص داده اند محتوی بسیاری از نفایس و ظرایف دوره باستان و زمان کنونی کشور ما مینمودند وبرمزایا ومحسنات و زیبائی وظرافت کتاب خود می‌افزودند باید دانست وجه خاصی‌راکه امروزه ازطرف دولت شاهنشاهی ایران نسبت ببسط وترویج هنر صنعت میشود و از تشویقی‌که از اساتید وکارکنان و صاحبان هنر بعمل میآید هم کنون نمیتوان گفت‌که ایران امروزی در ابراز قریحه و ذوق و استعداد واظهار هنر صنعت‌ازایران باستان کمترواستادان آن فرومایه تر از اساتید گذشته وپیشین باشد که با این روشی‌که فعلا پیروی و تعقیب میشود و قدمهائی که در راه پیشرفت و قیات این کشور میدارند امید است که ایران بالا ترین مقام مجد و عظمت و لی مراتب بزرگی و افتخار را درتحت توجه شاهنشاه جوان هنردوست ومیهن‌خواه د دردنیای متمدن امروزی احراز نماید .

این‌همه نمایشگاه های فنی و صنعتی که درپایتخت ودیگر شهرهای این کشور

درتمام جریان سنوات بمورد نمایش گذاشته میشود و سرکشی ومواظبت و بازدید و مراقبت وتشویقی که ازطرف شاهنشاه محبوب ما بعمل میآید یقیناً طولی نمیکشد که سرافتخار ایران وایرانیان باعلی درجه برتری و اعتبار خواهد رسد .

باش تا صبح دولتت بدمد　　　　کاین هنوز ازنتایج سحراست

اینك چند نمونه از آثار نفیسه وکتب مخطوطه ایران بدست آورده وعکس برداری نموده بعنوان هدیه بمقام وزیر دانشمند و محبوب فرهنك آقای مسعود کیهان درخاتمه این کتاب میافزاید ضمناً شرحی برای بیان وتوضیح آن نفایس نگاشته وتقدیم میدارد .

ازجمله نفایس منتخبه تصویری است که درنسخه خطی قدیمی دیوان امیرخسرو دهلوی مورخ ۸۸٦ هجری مدرسه عالی سپهسالار طهران (دانشکده معقول و منقول) بخط میرعلی مشهدی کاتب معروف است که آنرا یگانه استاد مشهور (بهزاد نقاش) برای (سلطان حسین بایقرا) درکتاب مذکور ترسیم نموده و دربالای صفحه تصویر کتیبه ایست که باخط نسخ اعلا طلائی ومتن لاجوردی این عبارت نگاشته شده .

(باشارة السلطان الاعظم والخاقان المعظم ابوالغازی سلطان بهادرحسین خلدالله ملکه فی شهورسنه ست وثمانین وثمانمائة) .

این صفحه مجلس بزمی زنانه است که برای شاه برپاشده ودرآن کمال وجدو طرب وحالت رقص ونشاط وخوشی وانبساط رانشان داده وشاه درصفه بالا جلوس نموده ومشغول باده گساری است وزنان خواننده ونوازنده برای او درساز ونوازند و جمعی اززنان دیگر باالبسه رنگارنك قراردارند، درضمن رنك آمیزی متناسب صورتگر توانا منتهای قدرت ومهارت را بخرج داده و در ریزه کاری ومینیاتورسازی آن نهایت دقایق قلمی و طراحی را ازگل سازی وطلاریزی ورنك آمیزی رعایت کرده

بیان دقایق و نکات و ظرافت و زیبائی این کار جز بدیدن و حیرت نمودن از آن نشاید .

شاهکار دیگر بهزاد که آن استاد زبردست بسبك چینی نقاشی نموده ودرآن

---

۱ — تصویر ۱ از دیوان خطی امیرخسرو دهلوی

داد هنر داده دوصفحهٔ اول کتاب خمسه نظامی قدیمتر مدرسه سپهسالار است (۱) که نسخه مزبور بخط خوش کاتبی شیرازی که نام آن محکوك است و در سنه احد عشرو تسعمائه هجری (۹۱۱) انجام گرفته و مقارن باسنوات آخر سلطنت سلطان حسین بایقرا است (۹۱۳)

این کتاب بقلم توانای بهزاد در ۳۵ مجلس بسبك اعلی چینی نقاشی شده و هر صفحه از تصویر آن نمونهٔ بزرگی از صنعت وهنر این استاد است وارقرینه برمیآید که این نسخه برای سلطان مذکور تهیه شده

بدیعتر ازهمه دوصفحه اول کتاب است که نگارنده از آن عکس برداری نموده وجزء متمم کتاب « تاریخ نقاشی در ایران » قرار داده چیزی که باعث تاسف است این دوصفحه در اثر کثرت استعمال وقدمت قدری از صور آن سوده و محو گردیده وعکس برداری با اینکه دومرتبه بدان مبادرت نمود بخوبی انجام نگرفت ولیکن نفاست کتاب وظرافت و زیبائی نقاشی وصنعت ممتاز آن بجای خود محرز و محفوظ است وطلاکاری و رنك آمیزی وزینت و زیبائی آن بوصف نیاید .

دراین دوصفحه برابر یکدیگر « بهزاد » وضعیت دوره سلطنت خوش وزمان راحت ورفاهیت « سلطان حسین بایقرا » رامجسم نموده ودرپنجردیف قرار داده

ردیف اول ـ بوشر و سراپرده جلال وعظمت شاه است که بهترین طرحی آنرا نقاشی کرده و سلطان در زیر سراپرده روی تخت سلطنت جلوس نموده و در برابرش وزیر باتدبیر او امیرعلی شیرنوائی و یکی از بزرگان دیگر که شاه بآن دو اذن جلوس دادهنشسته، درطرف دیگرشاه چند نفر از خادمان و گزیدگان شاهی ایستاده اند .

ردیف دوم ـ جمعی از ارباب هنر و کمال در طرفی ایستاده و اوضاع راتماشا مینمایند ودرطرف دیگرمجلس رقص و بزم طرب و باده گساری است که در آن تشویق شاهرا ازارباب کمال وادب نمایش داده وخوشی وعشرت عموم رانشان میدهد.

ردیف سوم ـ در جلو یکی ازکمانداران شاهی است که کمانی در دست گرفته

---

۱ ـ تصویر ۲ و ۳ از خمسه نظامی قدیمی

و عده از مقصرین را بادست بسته بجانب محاکم یا زندان میبرند و در دنبال آنان دو نفر از بازداران شاهی است و درطرف دیگر دوتن از شکارچیان اند که دوپلنك را بزنجیر کشیده و در بالای سرایشان دونفر از شاطران ویساولان شاهی قرار گرفته که هر کدام تبرزینی بدست دارند و این ردیف طرز مجازات و وضع یاسا و جلوگیری از جنایات را خاطر نشان میسازد و این وضعیت حالت روحی مملکت و جلوگیری از متمردین و سرکشان را میرساند و میفهماند که شاه نافرمانان را مانند ددودام بدینگونه مطیع فرمان نموده و شکار مینماید و از مجازات و تنبیه ایشان فروگذار نمیکنند.

ردیف ٤ ـ نیز سیاست و جلوگیری و اجرای یاسا و قانون را حکایت میکند که یکی چوبی در دست گرفته و چند تن را تحت تنبیه و سیاست آورده و پارهٔ بشفاعت برخاسته ویکنفر ازمیر آخوران شاهی است که عنان اسب را دردست گرفته و خود در جلو آن پیاده ایستاده

ردیف ٥ ـ صورت مودیان عواید دیوانی و مالیات دهندگان یا برندگان تحف و هدایا را نشان میدهد که هرکدام طبقی را در دست گرفته زر و سیم وجواهر بهدیه و تقدیم میبرند و در جلو آنها کمانداری است که حفظ و حراست و موجبات امنیت کشور را حکایت میکنند.

نفایس کتابخانه مدرسه سپهسالار زیاده و بسیار است و برای نگارنده ممکن نیست که تواند در این مختصر بذکر آن پرداخته یا عکسهائی چند از آنها تدارك نماید لیکن بمضمون **مالایدرك کله لایترك کله والمیسور لایترك بالمعسور** اینك شش صفحه از کتاب زیبا ونسخه گرانبهای دومین **خمسه نظامی** این کتابخانه که در ۱۳۱٤ خورشیدی آنرا بنمایشگاه صنعتی ایران درلنینگراد جزء ظرایف برده وجلب توجه سرامدان هنر وصنعت اروپا در آنجا بخود نموده دراین مورد عکس برداری کرده و تقدیم میدارد.

این نسخه شاید بهترین نسخه دنیا وزیبا ترین نمونه باشد که از کتاب خمسه

نظامی تهیه و تصویر شده

نسخه مذکور دارای ۳۱ صفحه مجلس بی‌بدیل و نقاشی بی‌نظیراست که بقلم میرك وبهزاد وسلطان محمد ودیگر استادان عالی رتبه زمان **شاه طهماسب صفوی** صورت کشی و تزیین شده وبهترین صنعت نقاشی و مینیاتورکاری در آن انجام گرفته وبخط کاتبی شیرازی که بازدست خطاکاری نام آنرا محو نموده درسنه‌ست و خمسین وتسعمائه ۹۵٦ هجری تمام گردیده

دوصفحه اول آن درسرلوحهٔ مصور ومذهب بمتن فیروزهٔ ولاجوردی وطلائی وبوته های قشنك رنگـارنك است که درصفحه اول آن این رباعی بخط نسخ زیبا وبرجسته الوان باخطی بسیار خوب ومرغوب ترسیم شده

گنجینه کشای گنجه آن مؤبد راد — کامد اینك سخنوران را استاد
دریای معانی از گهر کرد تهی — روزی که بنـای پنج کنجینه نهاد

در صفحه برابر نیز با اوصاف مذکور و تزیینات تمام این رباعی مسطوراست:

خمسه که بمخزنش بودزیب‌تمام — ازخسرووشیرینش‌فزون‌گشت‌نظام
لیلی‌مجنون‌وهفت پیکرزعقب — تاریخ سکندرش دهد ختم کـلام

در تجلید این کتاب و صحافی و تذهیب آن منتهای ظرافت کاری‌وکمال مهارت استادی را بکار برده‌اندکه خود بهترین شاهکار این هنر و پیشه ظریف و زیباست و برای آن‌ارج و بهائی که درخور و شایسته باشد بآسانی نتوان تعیین نمود .

خلاصه و توصیف صفحات و مجالس تصاویر این‌کتاب با این مختصر بوصف نیاید و باید هرکس که آنرا دید بر آثار صنعتی بدیع و هنریدی اساتید بزرك آن هزاران تحسین و آفرین و دست مریزاد گوید .

بطوریکه از قرنیه معلوم میشوداین‌کتاب هم مانندکتاب خمسه نظامی موجود در موزه بریتانیا برای‌کتابخانه شاه طهماسب اول صفوی تهیه شده و بواسطه اینکه هفت‌سال‌بعدازخمسه موزه نامبرده نگاشته و ترسیم گردیده مسلماًدرظرافت ونفاست و بها واهمیت بالاتر از آن خواهدبودبویژه‌ازحیث‌تصویر که‌خمسه نظامی‌موزه بریتانیا
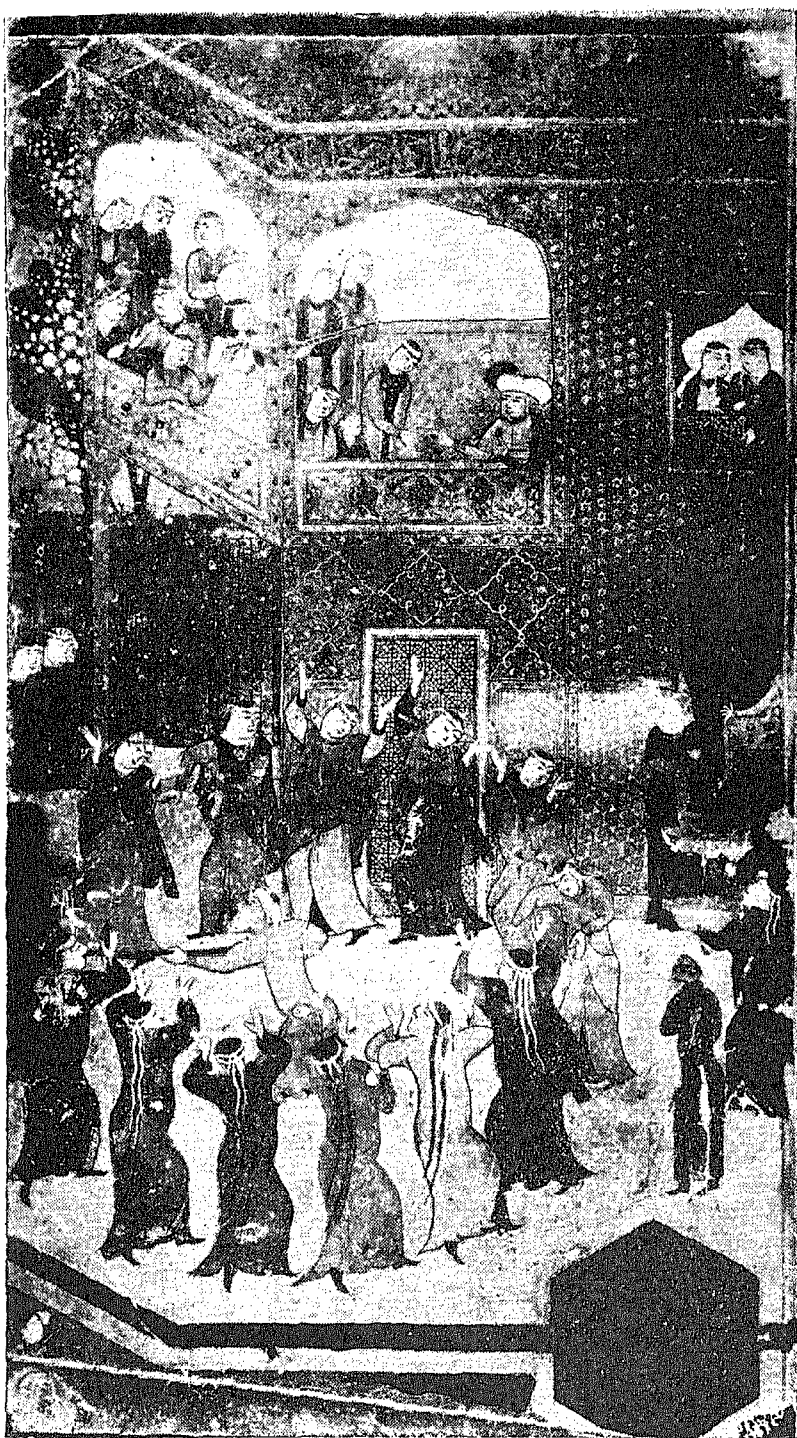
تصویر اول بزم زنانہ برای سلطان حسین بایقرا از دیوان خطی امیر خسرو دہلوی کتابخانہ مدرسہ
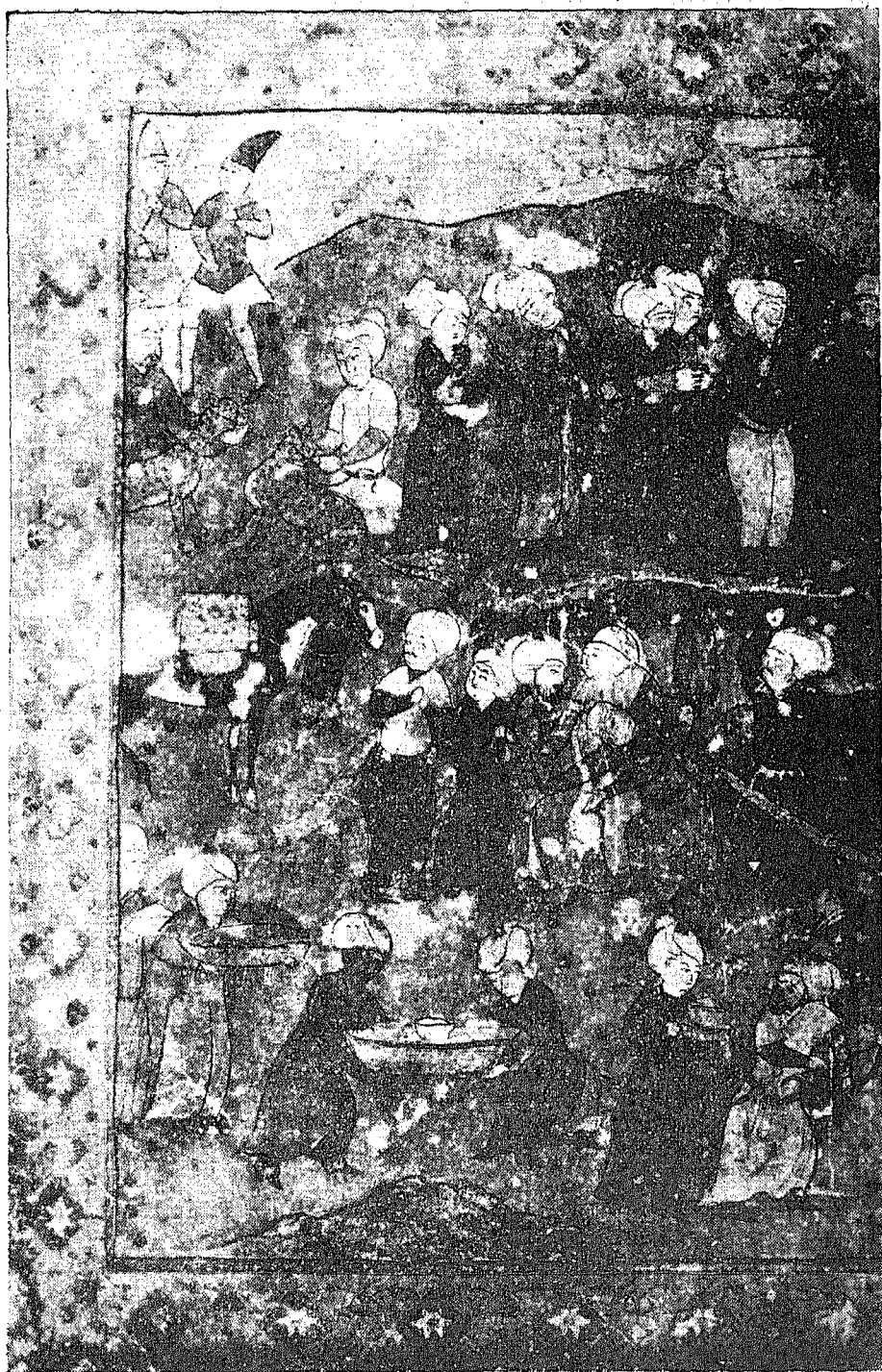
تصویر ۲ — مجلس سلطان حسین بایقرا از خمسہ نظامی قدیمی نسخہ خطی مدرسہ سپہسالار تہران مورخ ۹۱۱ ہجری

تصویر ۳ — مجلس سلطان حسین بایقرا از خمسہ نظامی قدیمی نسخہ خطی

را چهارده صورت مجلس است و این نسخه را ۳۱ صفحه تصویر اعلی و ممتاز میباشد و تشخیص و بقایای مزایا و محسنات آنرا بعهده بینندگان کتاب واگذار مینمائیم • دراینجا شش صفحه از تصاویر کتاب مذکور عکس برداری شده .

تصویر اول ـ صورت فیلقوس یافیلیپ است که باحضرین رکاب و سواران خود بالای سر زن مرده و طفل نوزا وی آمده که طفل انگشت خود را در دهان گذاشته و بجای پستان میمکد و امر دادن او بچاکران خود جهت دفن زن وازخاك برداشتن طفل و پرورش دادن اوو ولیعهد نمودن وی پس از آن میباشد (۱)

تصویر دوم ـ صفحه ایست از شرفنامه خمسه نظامی که در آن میدان جنك اسکندر را با دارا نشان میدهد . در اینجا اسکندر بر اسبی که دارای برگستوان است سوار و سپاهیان او بکار نبرد و کارزار اشتغال دارند نقاش بامهارت استادی خود وضعیت میدان جنك را در نهایت خوبی مجسم نموده و در برابر اسکندر و دارا سلطان مدعی و مخاصم او است که تخت مجلل و با شکوه ویرا بفیل زده و سپاهیان اسب سوار با او روانند و درصف دیگر جنك مغلوبه جنك آوران و کمانداران است که درقسمت بالا بجنك وجدال و تیراندازی بیکدیگر مشغولند در بالا طبالان و شیپورچیان رعلداران وغیره ازطرفین سپاهیان میباشد . (۲)

تصویر سوم ـ صفحه ایست که اسکندر بسر کشته دارا آمده و سر اورا از خاك برداشته و بزانو نهاده اظهار تاسف و تحسر ازقتل دارا مینماید و بالای سروی پرچم شاهی سایه افکنده و سران سپاه پیاده دربرابر ایستاده ودسته اسب سوار و فیل سوار بحالت بهت وحیرت وضعیت را نگرانند و دوتن کشندگان دارا : ماهیار و جانوسپار را گرفته و دستهای آنهارا بپشت بسته ، در برابر اسکندر واداشته اند و در قسمت بالای صفحه طبالان و بعضی ازپاسبانان و پیش جنگان اند که بحالت آشفته گی دیده میشوند . (۲)

تصویر چهارم ـ صورت اسکندر در شکارگاه وصید افکنی او در میان گوزنان

۱ـ تصویر چهارم ـ از کتاب شرفنامه خمسهٔ نظامی مدرسه سپهسالار

۲ـ تصویر پنجم از کتاب شرفنامه خمسه نظامی

۳ـ تصویر ششم از کتاب شرفنامه خمسه نظامی

و آهوان است که حالات مختلفه هریك از آنان را از فرار و اضطراب احوال دراین مجلس نشان داده وسواران شکارچی دیگر دربالاکه آنها نیز بصید شکاراشتغال دارند واوضاع طبیعی کوه و دشت وعرصه بیابان را با ریزه کاری فنی وحسن سلیقه باستادی نشان میدهد . (۱)

تصویر پنجم ــ صورت اسکندر و خضر والیاس در ظلمات است که اسکندر برمرکب راهوار خود سوار و موکب شاهی از وزراء وسران سپاه با وی همراهند و مشغول راه نوردی است و خضر والیاس بلب آب حیات رسیده از اسب پیاده شده در لب چشمه آب زندگانی جلوس نموده اند و ماهی خشك از دست ایشان بآب افتاده وحیات تازه یافته ونوشیدن آندو از آب زندگانی ومحروم شدن اسکندر ازنوشیدن آب است . (۲)

تصویر ششم ــ بهترین صفحه نقاشی است که در آن مراسم تشییع جنازه اسکندر را تصویر کرده دربالا زنان عزادار را درغرفات بانهایت زیبائی وظرافت ترسیم وتزیین نموده و ارائه میدهد که چگونه هر کدام اظهار اندوه و حسرت مینمایند و در متن صفحه درب وابواب وصفه ورواق وکاخ باعظمت شاهی را نشان داده که دربرابر آن وجوه اعیان ورجال محترم هریك اظهار تأسف نموده ودربی اعتباری دنیا بایکدیگر سخن میرانند و دستهٔ از زنان در جلو آنان با چادرهای سفید نشسته و نوحه سرائی میکنند ودرمیان صفحه تابوت مجلل و باشکوه اسکندر است که چهارتن پایه تابوت را بدوش گرفته وجمعی ازسران وبزرگان خاصه وسروران روان اند ، دراینجا دست اسکندراز گوشه تابوت بیرون آمده ونمایان است که تهی دست رفتن اورا ازاین خاکدان نشان میدهد .

شمع و مشعل زیادی در موقع این تشییع فروزان و از غم مرك اوگدازان و سوزانند ودرجلو همه منادیان مرگند که برشترها سوار و دستها را بر بناگوش نهاده خبر مرگ اسکندر را اعلام مینمایند .(۳)

۱ــ تصویر هفتم ــ از کتاب شرفنامه خمسه نظامی مدرسه سپهسالار تهران
۲ــ تصویرهشتم ــ از کتاب شرفنامه.
۳ــ تصویر نهم ــ از کتاب خمسه نظامی

خلاصه آنکه بقدری این وضعیت را مجسم نموده که بوصف نمی آید .

نگارنده بعضی از نفایس این کتابخانه و اسامی و اوصاف نسخه های مصور و گرانبهای کتابخانه مدرسه‌را در کتاب« تاریخ مدرسه سپهسالار» تألیف خود که‌تاریخی جامع و مشتمل برفهرست وقایع امروزی و شرح حال مفصل مرحوم حاجی میرزا حسینخان سپهسالاروتراجم بعضی از رجال معاصراو و تاریخچه بنای مسجد و مدرسه وطرز معماری آن و تمام تشکیلات قدیمه وجدیده از اول تاکنون این‌مؤسسه میباشد گنجانیده و فهرست بعضی از کتب مانند شاهنامه های خطی و با تصاویر این کتابخانه و دیوان عماد فقیه مورخ ۷۶۳ و کتاب یوسف زلیخای چاپی ونسخه‌کلیله ودمنه‌آن با مجلس تصویر ودیوان مکرر ومصور امیرخسرو دهلوی وحیات‌الحیوان دمیری و تاج المآثرحسن بسطامی و منظومه سلاطین آن در تاریخ مغول با۲۱ مجلس تصویر اعلی وکتاب های مصور آتشکده‌آذر ومثنوی مصور نفایس امیرخسرو دهلوی با چهار مجلس تصویر مورخ ۸۸٤ بخط میرعلی‌خطاط مشهدی وکتاب آثارالباقیه بیرونی‌آن با۲٦صورت چینی ممتاز ودیوان فغانی و بهرامیه‌امیرخسرو وحدیقه حکیم سنائی و مرقعات نفیسه وگرانبها در۳٦مجلد ودیگر طرائف وظرائف وافتخارات تاریخی این مؤسسه‌رادرآن‌تاریخ‌بمورد نگارش آورده وامیداست‌که باهمت اولیای امور مدرسه بزودی طبع وانتشار یابد .

ازآثار نفیسه نقاشی در ایران حواشی مرقع گلشن است‌که از جمله ظرائف ونفایس عجیبه‌کتابخانه دربار شاهنشاهی ایران واقعه در عمارت کاخ‌گلستان است و کتابخانه مزبورمحتوی بسیاری ازکتب ممتازه ویادگارهای‌آثاربدیعه خطوط ونقوش و تصاویر و تذهیب شاهکارهای استادان عالیرتبه از نقاشان و خطاطین و مذهبین و غیره است .

مرقع گلشن را در سنه ۱۹۳۱ میلادی ازایران بلندن فرستاده و در نمایشگاه ایران درلندن بمعرض نمایش‌گذاشته بودند .

دراینمرقع دوصفحه ایست که سلطان‌حسین بایقرا را درباغ خود نشان میدهد وصفحاتی‌درآن‌است‌که‌به‌بهزاد وعبدالصمدنقاش‌نسبت داده‌اند ونیز بسیاری‌ازشاهکارها

مدیر آن اداره وخانم اوتصاویر زیادی ازاین مرقع برداشته ودرج نموده‌اند وما دراینجا ازدرج تصاویر صرف نظر نموده و توجه خوانندگان را بجانب آن کتاب نفیس معطوف می داریم .

علاوه براین درموقع مذکور ازعملیات یدی ونمونه هنرهای نقاشی دولت نقاش دوره جهانگیر ازنواده های امیرتیمور بسیار است .

جهانگیر عشق وعلاقه زیادی بجمع آوری آثار صنعتی داشته و از دوره پدر و جدش نقاشی‌های بدیعه وزیبائی ازاساتید بیادگار برده بود اودستور داده تاآن خطوط ونقوش را درمجموعهٔ گرد آوردند که اکنون البومی دربرلن موسوم بآلبوم جهانگیر است : کونل Kunhel وگوئتز Goetz درآن مطالعاتی نموده اند .

درمرقع گلشن چندفقره هم ازکار منوهر نقاش باامضاء او وجود دارد واو در دوره اکبروجهانگیر وشاه جهان نواده های تیمور ازنقاشان مشهور بوده و آثار یدی او درتیمورنامه و بابرنامه واکبرنامه بسیار است .

در اینمرقع صورت پشنداس نقاش معروف هندی دربار اکبر و جهانگیر کشیده شده که او باخان عالم سفیرجهانگیر بایران واصفهان آمده وبخدمت شاه عباس رسیده وجهانگیر درنامهٔ از او معرفی کرده که خان عالم را با پشنداس نقاش بایران فرستادم تاصورت شاه عباس راکشیده که هرکس او را دیده شباهت تمام آنرا تصدیق مینماید .

دراینموقع حواشی از عمل آقا رضا است که نمونه کامل نقاشی است و نهایت زیبائی و ظرافت را داراست و متن آن بخط علی کاتب سلطانی خطاط معروف است جهانگیر دستورداده که قطعات پراکنده را دراین مرقع بصورتی بهم پیوسته درآورده و براوراقی بقطع متساوی بچسبانند واختلاف پهنای حواشی را با نقوش وگل و بوته وآثارطبیعی وصورت اشخاص وغیره ترسیم نمایند لذا حاشیه هرقطعه را باقلم کمرنك وملایم تصویر کشیده و با الوان متناسب و طلاکاری آنرا آرایش و زینت داده .

آقا رضا بمجالسی خوش داشته که درآن بانوان درباریان وخدمه بوده وهریك بکاری مشغول باشند و نیز بمجلس غذا خوری وشکار و مجالس طرب وتفریح حرم‌نشینان علاقه داشته .
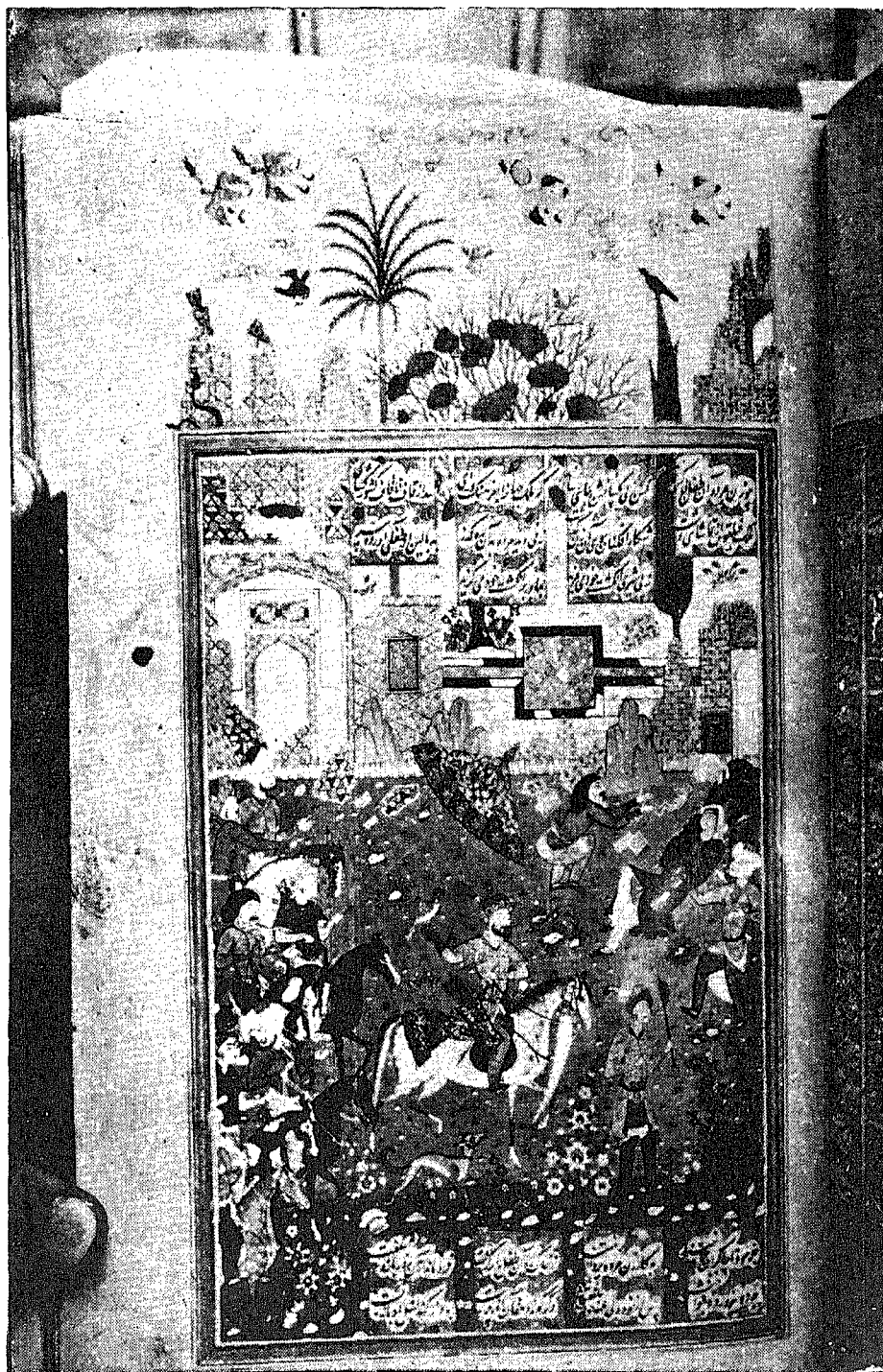
تصویر چهارم — صورت فیلیپ بالای سر زن مرده و بچه آن از خمسه نظامی

تصویر پنجم میدان جنگ اسکندر با دارا از کتاب شرفنامه خمسه نظامی نسخهٔ خطی مدرسه سپهسالار

تصویر ششم اسکندر بسر کشته دارا از کتاب شرفنامه مدرسه سپهسالار

تصویر هفتم صورت اسکندر در شکارگاه از کتاب شرفنامه خمسه نظامی مدرسه سپهسالار

تصویر هشتم ـ صورت اسکندر و خضر و الیاس در ظلمات از کتاب شرفنامه خمسه نظامی خطی

تصویر نهم مراسم تشییع جنازه اسکندر از نسخه خطی خمسه نظامی مدرسه سپهسالار تهران

و آثارهنری و فنی آقا رضا هراتی نقاش دراینموقع وجود داردکه امضای او در ضمن صفحات مسطور وتصاویر او دارای آب ورنك مات وکم جلوه است .

درکتاب آثار ایران (۱) نشریات‌موزه واداره باستان شناسی تألیف‌مسیو گدار مدیرموزه ازکارهای دولت تصویریکی‌ازشاهزادگان جوان است که لباسی‌سفید دربر وگردن بندی از مروارید بگردن رگوشواره های الماس درگوش و در برابر رحلی زانو زده‌که کتابی روی‌آن نهاده و باآلتی خطوط را نشان‌میدهد ودرکنار آن‌کتابی با جای آن قرارگرفته ورقم دولت درآن نگاشته شده .

ودر مقابل این تصویر صورت مولانا عبدالرحمن جامی است‌که‌کتابی درجلو خود نهاده و امضای دولت درآن است .

مولانا بصورت پیری با محاسن سفید و عمامه‌کوچك ژولیده وقبای ساده تیره خاکستری نشسته وشالی برکمر دارد .

در صفحه دیگر مردی است با محاسن سیاه و موی بلند پریشان سر و ردائی بخود پیچیده‌که بسرزانو نشسته باقلمی از پرغاز « مخالف عادت شرقی‌که باقلم‌نی‌کار میکنند » درطوماری مشغول بکار است .

روی این طومار امضای آقا رضای نقاش است‌که آنرا در اکبریه ۲۸رمضـان ۱۰۰۸ تصویر نموده .

دربرابر آن‌صورت جوانی‌است‌که روی قطعاتی از خزه یا تخته سنك نشسته و با لباسی‌کمرنك بالوان نارنجی و سبزوگلهای سرخ رنگین وکتابی در دست داردکه هم در روی آن امضای آقا رضا مندرج است .

خلاصه چنانکه نگاشته شد نفایس و ظرایف‌کتابخانه های ایران نهایت بسیار وافزون ازاحصاء وآمار ست ونگارنده برای‌رعایت‌اختصار بدین‌قدر دراینجا اکتفانمود.

تهران ۱۸ اردی بهشت ماه ۱۳۲۹ خورشیدی

ا . سحاب

۱ــ جلد اول آثارایران تألیف مسیو گدارر‌ئیس موزه باستان که‌در پنج جلدانتشار یافته وبزبان فرانسه نگاشته است ودوجلد آن بفارسی ترجمه شده

بها در تمام کشور
۵۵ ریال